

هو الله العلي الاعلى
يُعرفُ الله تعالى لِنَبِيِّهِ الْكَرِيمِ؛ الْأَيُّمَةِ الْمُهَيِّدِينَ وَأَتْبَاعَهُمُ الْمُهْتَدِينَ، وَيُبَشِّرُهُمْ:
خداوند به پیامبر اعظم ﷺ ائمه مهتدین را و پیروان مهتدین شان را معرفی نموده و بشارتشان می دهد:
وَالَّذِينَ آجَتَنَّبُوا الظُّلُمَاتِ أَنْ يَعْبُدُوهَا، وَأَتَابُوا إِلَى اللَّهِ، لَهُمُ الْبُشْرَى،
فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ، أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ، وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ

گاهنامه

بررسی

برای آگاهی و تبادل و فکر کردن، محیط و افراد و امکانات و موانع را شناختن، و برای رسیدن به مقصد اعلی تلاش نمودن

آغاز این بررسیها مربوط به سال 1398 هجری قمری و در دوران طاغوت بود که مطالب با استماع رادیوهای مختلف و اخبار شفاهی و ارتباطات مؤمنان مبارز داخل و خارج ایران (از افغانستان و پاکستان و هندوستان تا خلیج و عراق و لبنان و اروپا و آمریکا) بدست می آمد و بطور شفاهی در جلسات همراهان تبادل می کردید، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و شروع دوران یاقوت، امکانات جمهوری اسلامی و بولتنهای محرمانه و رسمی افزون بر رسانه های عمومی هم به بشتوانه این بررسیها افزوده شد، سپس با آمدن اینترنت و وسعت کستره بررسیها و امکان ارسال ایمیل این بررسیها برای برخی از اهل مطالعه تبادل مطالعاتی انجام می شد،

تا به امروز، که این برنامه چهل ساله شده است، والحمدلله رب العالمین همچنانکه در عناوین و توضیحات آمده است؛ هدف آگاهی از احوال زمان و انجام مسؤولیت در برابر آن بوده است، و عدم محاصره خبری و تسلط جو رسانه ای توسط جریانهای خاص؛ و اطلاع هرچه وسیعتر و فارغ از ایزوله حزبی یا حکومتی می باشد. همانطور که اشاره شده نقل و مطالعه برخی گزارشها خصوصا از منابع غیر خودی و با ادبیات خودشان؛ صرفا برای احاطه کافی بر نبض جریانها و فارغ از دسته بندیها می باشد.

فرستادن گزارشی علامت تأیید کلیات چه برسد جزئیات آن یا تعبیرات آن نیست، و صرفا جهت اطلاع از فضا و محیط می باشد،

فرصتی هم برای تصحیح یا بازنویسی متن آنها یا تعلیقه نویسی بر همه گزارشها و همه فقرات آن نیست، ارسال مطالب صرفا برای بررسی و آگاهی و تأمل و تفکر و شناخت محیط و افراد و امکانات و موانع و انگیزه کافی جهت تلاش برامقصد اعلی است،

اگر می بینید که رویکرد مناسب فوق را نداشته از ما بخواهید تا برایتان دیگر ارسال نکنیم و مطالب آنرا برای دیگری که به غیر مقصود برداشت می کند نقل نکرده و ارسال هم نکنید (وتعیهها اذن واعیه).

کسانی که این گزارشها را بررسی می کنند؛ از افتادن به دسته بندیها برهیز کنند و بر محور تعالیم الهی:

- 1- ابتدا اجتناب از طاغوت و عبادت و پیروی و التزام به آن کنند.
- 2- توجه عمیق و با تمام وجود به درگاه و مسیر الهی بنمایند.
- 3- در بررسیها هرچه بیشتر بشنوند و بخوانند، و بهترینش را که در چهارچوب تعالیم مکتب وحی است پیروی کنند.

اگر مناسب دیدند مطلبی را در اختیار کسی بگذارند، رعایت ظرفیت طرف مقابل و عدم سوء برداشت او را بنموده، و مطلب را بدون انتساب به کسی یا شخصی یا مرکزی یا عنوانی در اختیارش بگذارند؛

11 سوال

1438

کارگردان اولین مستند درباره تخریب قبور ائمه بقیع می‌گوید که در تحقیقات ۱۰ ساله خود به ۳ هزار سند دست یافته و با نشانه‌هایی از ردپای انگلیس درباره تخریب بقیع مواجه شده است.



به این مطلب امتیاز دهید
0%0%

به گزارش **جام نیوز**، هشتم ماه شوال (امروز) مصادف با سالگرد تخریب کینه‌توزانه قبور ائمه بقیع(ع) و هابیون حسود و کوردل است.

عناصر وهابی دو بار، یکی در 1220 و دیگری در 1344 قمری با بدعت شمردن بنای قبور و زیارت، به تخریب اماکن و بقعه‌های بقیع پرداختند.

تخریب بقیع اعتراضات شدیدی را در کشورهای مسلمان از جمله ایران برانگیخت تا جایی که مورد تهدید به حمله قرار گرفتند. بسیاری از شیعیان، هر سال در هشتم شوال که با عنوان یوم الهمدم شهرت یافته است، مجالسی در کشورهای اسلامی برگزار می‌شود و عاشقان اهل بیت(ع) به مرثیه‌خوانی و یادآوری حادثه تخریب بقیع می‌پردازند.

به‌تازگی آیت الله حسین نوری همدانی از مراجع تقلید نیز با صدور پیامی به‌مناسبت سالروز تخریب قبور ائمه بقیع(ع) توسط آل سعود، این روز را به‌عنوان روز عزا در عالم اسلام معرفی کرده‌اند.

پس از سالیان سال که از این ماجرای تلخ می‌گذرد، متأسفانه تاکنون شاهد کار فاخری درباره افشای پشت‌پرده‌های این ماجرای تلخ و اندوهبار نبودیم و حتی نسبت به این روز تاریخی برنامه‌های مناسبی چندان در جامعه تعریف نشده است.

احمد ابراهیمی از معدود افرادی است که در این زمینه کار علمی و پژوهشی بسیار مناسبی در یک بازه زمانی 10ساله انجام داده است که حاصل این تلاش وی ساخت مستندی به‌نام «پنجره‌های بهشت» بود که سال گذشته و امسال از شبکه‌های سیما پخش شد.

در مستند مذکور برای اولین بار مجموعه‌ای از اسناد مستند نسبت به این رویداد تاریخی به نمایش درآمده است. کارگردان مستند «پنجره‌های بهشت» درباره اسناد این فیلم گفت: در تحقیقات خود درباره مستند بهشت بقیع، به 3 هزار سند اختصاصی دست یافتیم که این اسناد از ایران، افغانستان، عربستان، هندوستان و دولت عثمانی سابق بود.

مشروح این مصاحبه را در ذیل می‌توانید دنبال کنید.

شما از چهره‌مانی کار تحقیق و پژوهش در خصوص بقیع را شروع کردید؟

شروع این کار از سفر حج عمره بنده در چند سال پیش رقم خورد که اساساً نحوه رفتن به این سفر قصه معجزه‌گونه بود. بار اول که بقیع را دیدم، اصلاً شوکه شدم و با خود گفتم محله ما یک امامزاده دارد و کلی زائر دارد، اما اینجا چهار امام همام حضور دارند و هیچ چیزی غیر از خاک و غبار نیست، خیلی به غیرت شیعه بودن آدم برمی‌خورد. بعد با زائران آن رفتار را نامناسب را انجام می‌دادند تا جایی که حتی ناسزا می‌گفتند و نمی‌گذاشتند کسی دعا بخواند. یک مأموری به‌کنایه می‌گفت "فکر کردی اینها (یعنی ائمه) کمکت می‌کنند؟ اینها برای خودشان هم نمی‌توانند کاری کنند و باید از خدا بخواهی" و شروع کرد به صحبت‌هایی که معمولاً کنار این اماکن مرسوم است. بعد شخصی جوابش را داد و گفت "اینها شهید هستند و بنا بر سخن خدا در قرآن، شهدا زنده هستند و نزد خدای خود روزی می‌خورند". آن مأمور از این پاسخ هوشمندانه جا خورد؛ لذا در حقیقت دیدن وضعیت رقت‌بار قبور موجود در بقیع شریف ایجاد انگیزه بود.

شما از چه اقداماتی شروع کردید؟

ترور شهید مدرس به‌خاطر پیگیری تخریب بقیع بود

ما برای این موضوع تصمیم گرفتیم کارها را به‌صورت علمی و پژوهشی ادامه بدهیم. یک روز در نمایشگاه کتاب تهران بودم و یک کتاب کوچک جیبی را دیدم که عنوان آن قصه‌هایی از بقیع بود و موضوع آن در خصوص علامه حائری بود؛ فهمیدم که این قضیه که ما داریم دنبال می‌کنیم، قبل از ما در طول تاریخ خیلی‌ها اقدام کردند، اما در کشور ما و در ایام هشتم شوال تقریباً هیچ کاری نمی‌کنند؛ نه تلویزیون نه روزنامه‌ها هیچ خبری نیست. در همان

اوایل کار با آقای موجانی آشنا شدم، ایشان مقاله‌ای داشتند به‌نام «کمیسون حرمین» که در مورد اقداماتی بود که شهید مدرس برای این ماجرا انجام داده بودند، بنده شخصاً اعتقاد دارم اقدام به ترور شهید مدرس به‌خاطر اقدامات ایشان برای موضوع تخریب بقیع بود. بعد از آن شروع به جمع‌آوری اسناد کردیم جالب این است که هیچ کس به ما در این ماجرا آموزش و راهنمایی نداده بود، ولی نمی‌دانم انگار یک نفر این کارهای ما را هدایت می‌کرد.

در خصوص جمع‌آوری اسناد بیشتر توضیح بدهید.

حدود سه هزار سند تاکنون درباره تخریب بقیع جمع‌آوری شده است که از کشورهایی مثل ایران، ترکیه، عراق، هند، پاکستان، افغانستان و عربستان این اسناد تهیه شده است، حتی در این مسیر هزینه‌های زیادی انجام شده است. خیلی از اینها را هنوز استفاده نکردیم، بعضی اسناد را استفاده کردیم و در بعضی از مستندهای تولیدشده انجام دادیم.

خروجی کار شما تا کنون چه بوده است؟

این اتفاقات به‌مرور پیش رفت تا اینکه گفتیم این اقدامات خروجی هم داشته باشد. ما تقریباً این سری تصاویر بسیار خوب و عالی از بقیع در اختیار داریم که بعضی از آنها تا کنون دیده نشده است، مثلاً در خصوص تصویر ضریح ائمه بقیع علیهم السلام خیلی تحقیق و پژوهش انجام داده‌ایم. این تصویری که هم‌اکنون در سایت‌ها و شبکه‌های مجازی قرار دارد و چهار ستاره نیز روی آن هست، هیچ ارتباطی به حرم ائمه بقیع علیهم السلام ندارد.

لطفاً در خصوص ضریح ائمه بقیع بیشتر توضیح بدهید.

بله، ببینید، الآن یک تصویر بین مردم و حتی محققین قرار دارد که حتی در کتاب‌ها و اسناد مختلف منتشر می‌شود. ما این تصویر را برای اولین بار در لبنان دیدیم و در همان ابتدا نظرم‌ان بر این بود که تصویر اشتباه است و هیچ ارتباطی ندارد، زیرا اولاً تصویر رنگی بود و بعد کنار آن لامپ قرار داشت و وقتی تاریخچه اختراع دوربین عکاسی را بررسی می‌کنیم متوجه می‌شویم که اینها با هم همخوانی ندارد، این فرضیه‌ها وجود داشت تا اینکه در سال جاری این معما حل شد و ما محل واقعی و اصلی این ضریح را در پاکستان پیدا کردیم، شیعیان مظلوم پاکستان محلی را ساخته‌اند و در آنجا به عبادت مشغول هستند و ضریحی را به‌عنوان شبیه ضریح ائمه بقیع با آداب دینی مخصوص به خود ساخته‌اند، اما تصویر واقعی و اصلی را ما در اصفهان پیدا کردیم و نسخه اصلی تصویر را در آلمان و شهر کلن یافتیم. تصویر واقعی و صحیح ضریح ائمه بقیع را برای اولین بار در مستندی تحت عنوان «پنجره‌های بهشت» رونمایی کردیم و نشان دادیم. این تصویر بسیار زیبا و چشم‌نواز است، این مستند در روز یازدهم تیر ماه از شبکه سوم سیما پخش شد و در روز دوازدهم نیز از شبکه افق و شبکه استانی اراک نیز پخش خواهد شد.

اقدامات دیگری انجام دادید؟

دوستی به‌نام آقای مهرداد طاهری داریم که با ایشان تاکنون دو مستند ساخته‌ایم که در شبکه‌های مختلف دیده شده است: مستند اول به‌نام «بهشت ماندنی» است و مستند دوم همان‌طور که عرض شد «پنجره‌های بهشت»، ما هفته‌ای نیست که در مورد بقیع کار جدید نکنیم، ولی بروز و ظهورش در هشتم شوال معمولاً اتفاق می‌افتد، برای همین پیش رفتیم و دنبال این بودیم خروجی مناسبی باشد تا مردم استفاده کنند. ما اوایل تمام روزنامه‌های آن روز را می‌خریدیم؛ منظورم روز هشتم شوال است، اما خبری نبود. همین امسال و همین روز همین فردا باز هم آن‌چنان خبری نیست. البته از حق نباید گذشت و خیلی بهتر شده است، نمی‌دانم اگر لایق باشیم شاید اقداماتی بوده که ما و امثال ما انجام دادیم.

در مورد کتابی که تحت عنوان دانشنامه بقیع منتشر شده است، توضیح دهید.

کتابی را دوست عزیز و دانشمند ما آقای محمد نوری منتشر کردند که در آن از آثار گروه ما نیز استفاده شد، این کتاب تنها کتاب مرجع در این خصوص است و بسیار ارزشمند است. در داخل کتاب یک لوح فشرده قرار دارد که در آن «مستند بهشت ماندنی» قرار داده شده است. کتاب دیگری نیز دوست عزیز دیگر ما آقای احمد خامه‌یار در حال انتشار دارند که با نام «آرامستان بقیع» است که البته به نام بهشت بقیع تغییر نام پیدا خواهد کرد. ما دوست داشتیم در این کتاب نقش پررنگی داشته باشیم ولی خوب، قسمت ایشان بود و کتاب در حقیقت آلبوم تصویری از «بقیع شریف» است که کتابی بسیار خوب و اثربخش خواهد بود.

در خصوص سلسله نمایشگاه‌های بقیع نیز توضیح بدهید؛ زیرا متوجه شدیم چندین نمایشگاه تاکنون برگزار کردید.

ما از سه سال گذشته قصد کردیم برای مخاطبان عام و عموم مردم نمایشگاه‌هایی را تحت عنوان نمایشگاه «بهشت بقیع» ایجاد کنیم که اصل آن ارائه تصاویر دیده‌نشده و زیبا از بقیع شریف قبل از تخریب بود، امسال سال سومش است که نمایشگاه را برای عموم مردم برگزار می‌کنیم؛ نمایشگاه اول «بهشت بقیع» در فرهنگسرای اندیشه در خیابان شریعتی برگزار شد که ما برای اولین بار 50 تا تابلوی بسیار بزرگ درباره تصاویر دیده‌نشده قبور ائمه بقیع و مسجدالنبی(ص) رونمایی کردیم و فیلم را اکران کردیم. در این طرح ماکت سهمتری حرم و دویعدی و سهمتری حرم را ساختیم؛ مردم کنارش عکس یادگاری می‌گرفتند و طوماری برای بازسازی امضا کردند. سال گذشته نمایشگاه دوم را در خانه فرهنگ کوثر بالاتر از میدان شوش برگزار کردیم که پارک کوثر آنجا هم به همین ترتیب بود امسال هم ان‌شاءالله به‌امید خدا می‌خواهیم برای آخر این هفته تا هفته بعد ان‌شاءالله در حوزه هنری خیابان سمیه توسط خانه عکاسان ایران سومین دوره این نمایشگاه را برگزار می‌کنیم که اگر خدا بخواهد می‌خواهیم شکلی و منظم‌تر باشد. در آنجا باز ماکت حرم را خواهیم داشت. سال قبل در خانه فرهنگ کوثر ما ماکت ششمتری حرم را ساختیم، ماکت آن‌قدر بزرگ بود که درب حرم را که در تصویر بود برش دادیم، مردم از درب حرم وارد نمایشگاه می‌شدند، امسال نمایشگاه سوم برگزار می‌شود.

از جهت مالی آیا حمایتی صورت گرفت؟

متأسفانه مشکل مالی داشتیم و اغلب سازمان‌های دولتی و خصوصی در این قضیه به‌دلایل مختلف کمک نکردند و تا به حال این کارها توسط هزینه‌های شخصی و امور کسانی که در امور خیریه سهیم هستند انجام شده است. دو سال قبل یک قسمتی از سپاه (که نامشان را خواستند افشا نکنیم) کمک کردند. امسال فیلم «پنجره به بهشت» را در تیراژ هزار نسخه که در قالب 500 نسخه آن قطعی و آماده شده است که در نمایشگاه بین مردم توزیع می‌کنیم. اولین بار ماکت سابعیدی و چوبی حرم را رونمایی کردیم که توسط دوستان ما در مؤسسه فرهنگی ملل اصفهان فرهنگ و تمدن اصفهان ساخته شد. یک گروهی هستند که در اصفهان کارهای ماکت‌های چوبی پازل‌های سابعیدی می‌سازند که این دوستان زحمت کشیدند برای سنین رده سنین کودکان تهیه کردند.

همچنین دوستان ما در قم، آقای نوری زحمات زیادی کشید؛ دوستان ما در تهران مؤسسه میراث اسلامی، آقای شریعتمدار و دوستان زحمات زیادی کشیدند، تمام اینها باعث شد ماجرای «تخریب بقیع» از مهجوریت خارج شود، لذا خدا را خیلی شاکر هستیم.

در خصوص علامه صاحب الفصول نیز توضیحاتی ارائه نمایم.

علامه صاحب الفصول را می‌توان اولین مدافع حرم اهل‌بیت در خصوص بقیع شریف دانست؛ مقبره ایشان در تهران و در چهارراه هاشمی کارون و در مسجد حائری است، امام خمینی(ره) دو بار به ملاقات ایشان می‌روند و آیت‌الله شاه‌آبادی بزرگ ایشان را در قبر قرار می‌دهند. کار مهمی که ایشان انجام داد این بود که با هزینه شخصی و با دست خودش سنگ‌چینی‌ای را که دور قبور است انجام داد. اگر آقای صاحب الفصول نبود الآن نمی‌دانستیم حدود قبور کجاست، زیرا توسط وهابیت ملعون شخم زده شده بود. وی آستینش را بالا می‌زند و با چند نفر از شیعیان و دو تن از فرزندان سنگ‌چینی می‌کنند، طوری می‌سازند که فونداسیون حرم حفظ شود، زیرا حرم هشت‌ضلعی بود و ایشان به همان گونه ساخت.

این نکته خیلی مهم است؛ من می‌توانم بگویم اولین مدافع حرم ائمه بقیع ایشان هستند. در مستند اولمان در مورد ایشان مفصل صحبت کردیم. داستان ایشان طولانی است یعنی باید در این باره کتاب‌ها نوشته شود که ایشان چه کارهایی کرده‌اند. قبرشان آنجاست و خیلی مهجور است؛ متأسفانه شهرداری منطقه 10 به آنجا بها نمی‌دهد و خوب است که لااقل یک تابلو نصب کنند.

این را دوست دارم بدانم در این ماجرا شما ردیابی از دخالت غربی‌ها و یا یهود دیدید؟

ما در استنادات خود ردّ انگلیسی‌ها را دیدیم. قطعاً بین بزرگان‌شان یهودیانی هستند و هنوز هم هستند؛ در مستند اول اشاره کردیم حدود بیست روز قبل از اینکه بقیع بخواد تخریب شود، نماینده‌ای از بریتانیا با عبدالعزیز پادشاه عربستان (پدر همین ملک سلمان) دیدار می‌کند. ما از اتفاقاتی که در آن دیدار می‌افتد خبردار می‌شویم، از کجا فهمیدیم؟ از آنجا که نماینده‌ای به ایران می‌فرستد و می‌گوید "ببینید در مدینه چه اتفاقی افتاده است؟"، وقتی که ایشان می‌آید، این نماینده پدر همین «امیر [عباس] هویدایی» بود که در انقلاب ما اعدامش کردیم. پدر ایشان به‌نام «حبیب‌الله هویدا» بود که به‌همراه دو سه نفر دیگر از ایران عازم مدینه می‌شوند. در آنجا که الآن اسنادش موجود است، حبیب‌الله هویدا وقتی عبدالعزیز را می‌بیند، می‌پرسد "چه اتفاقی افتاده است؟" در نامه می‌گوید "من دیدم نماینده بریتانیا با عبدالعزیز حرف می‌زند"، که ما می‌بینیم 25 روز بعدش قبور بقیع تخریب می‌شود؛ وگرنه تخریب در این دیدارها چه‌معنایی جز این می‌تواند داشته باشد؟ ما قطعاً می‌دانیم آنها به یهودی‌ها وصل بودند؛ اصلاً انگلیسی‌ها بودند که دولت یهود را در اسرائیل ایجاد کردند؛ یعنی بدون شک در این قضیه نقش داشتند، ولی متأسفانه اینها این‌قدر زیرک بودند که سند محکمی که دستان بگیریم و بالا ببریم و بگوییم اینها مقصر بودند، وجود ندارد.

من یک سند تاریخی الآن دارم که کاردار سفارت بریتانیا در شیراز (ستاد اصلی در تهران بود) نامه‌ای به دربار رضاشاه می‌زند و می‌گوید "به‌خاطر اتفاقی که در مدینه افتاده است ما پرچم‌های کنسولگری را نیمه‌افراشته می‌کنیم"، یعنی "ما هم با مردم شیعه ایران ناراحتیم و غصه‌دار هستیم، به‌خاطر اینکه به مقدسات آنها توهین شده است."، ببینید چقدر اینها سیاست‌مدار بودند.

مطلبی در تکمله صحبت‌هایتان دارید بفرمایید.

ما در مستند اولمان **تلگراف** شهر سلماس اهل سنت‌نشین را نشان دادیم که دست‌جات عزاداری مثل روز عاشورا فراهم می‌شود و به‌سمت مساجد و تکایا می‌روند؛ یعنی کاری که روز عاشورا کردند، روز تخریب کردند و توسط دولت مرکزی سه روز عزای عمومی اعلام می‌شود. متأسفانه داخل کشور آن‌چنان بها داده نمی‌شود و می‌توانم بگویم تقریباً از ماجرا پرت هستند، مثلاً همین امروز شما سایت WWW.BAQEE.ORG را ببینید. این سایت مربوط به شیعیان آمریکا در شهر واشنگتن است، ببینید چه می‌کنند! تمام کارهایشان را به‌صورت انیمیشن می‌سازند، فیلم می‌سازند، ولی الآن تلویزیون ما امشب خندوانه را پخش می‌کند، سریال‌های طنز را پخش می‌کند؛ همین امروز شیعیان پاکستان و شیعیان عراق حرکت می‌کنند و دسته دسته به مرز عربستان می‌روند و لب مرز عربستان می‌ایستند و شعار می‌دهند. کار هرساله‌شان است. امید که اصلاح شود.

تسنیم

مخالفت آمریکا با جاده مشهد مقدس تا بیت المقدس

فرمانده آمریکایی: باید جلوی ایجاد جاده تهران - بیروت را گرفت / استراتژی مقابله با ایران تدوین شود

فرمانده بازنشسته نیروی دریایی آمریکا در اقیانوس آرام گفت پس از شکست دادن داعش نخستین اولویت آمریکا باید بازداشتن ایران [از توسعه طلبی] باشد.

به گزارش خبرگزاری‌ها، "جیمز لیونز" فرمانده سابق ارتش آمریکا در اقیانوس آرام در مقاله‌ای که روزنامه "واشنگتن پست" منتشر کرده است، مقابله با ایران را مهمترین اولویت آمریکا بعد از داعش دانست.

وی گفت: واشنگتن بعد از شکست دادن داعش در سوریه و عراق باید بازداشتن ایران از توسعه طلبی در خاورمیانه و محاصره کشورهای همپیمان ما در خلیج فارس را در اولویت قرار دهد.

جیمز لیونز مدعی شد ایران با حمایت روسیه در تلاش برای ایجاد مسیر زمینی از تهران به عراق، سوریه و لبنان است و در ادامه اظهار داشت این مسیر دسترسی ایران به ساحل مدیترانه را ممکن می‌سازد.

فرمانده آمریکایی: باید جلوی ایجاد مسیر تهران - بیرون را گرفت / استراتژی مقابله با ایران تدوین شود

وی همچنین مدعی شد که ایران در حال حاضر بر لبنان، عراق، سوریه و به صورت جزئی بر یمن تسلط دارد.

فرمانده آمریکایی در ادامه تحلیل خود آورده است: تسلط ایران به این معنی است که تهران در موقعیتی قرار گرفته که می‌تواند شبه جزیره عربستان (کشورهای جنوب خلیج فارس) را محاصره کند و تهدیدی برای راه‌های استراتژیک آبی از جمله تنگه هرمز و "باب المندب" باشد.

فرمانده سابق ناوگان ارتش آمریکا در اقیانوس آرام نوشت: علاوه بر این پیش‌بینی می‌شود که بشار اسد، همپیمان ایران در حلب پیروز شود و وی پس از آزدسازی رقه از داعش ممکن است برای توسعه عملیات نشامی‌اش برای تسلط یافتن بر شرق سوریه تشویق شود.

وی افزود: این یک مشکل اساسی برای ایالات متحده آمریکاست که باید برای ممانعت از توسعه این "هلال شیعی" به عنوان یک هدف حداکثر تلاش خود را بکند و این نه تنها برای حفظ جایگاه واشنگتن نزد همپیمانان بلکه برای تضمین ثبات در منطقه است.

جیمز لیونز برای جلوگیری از ایجاد آنچه "هلال شیعی" توصیف کرد نوشت: فکر می‌کنم که واشنگتن برای این کار نیازی نیست تعداد زیادی از نیروهای زمینی خود را اعزام کند. پیشنهاد می‌کنم نیروهای گرد و نیروهای سوریه دموکراتیک و همچنین نیروهای ارتش آزاد را حمایت کنیم.

وی ادامه داد: استراتژی ایالات متحده آمریکا در مرحله آینده باید با تمرکز بر بازداشتن ایران از ایجاد یک مسیر زمینی شیعی از تهران تا لبنان باشد و در همین راستا واشنگتن باید از استقلال کردستان عراق و همچنین طرح گردهای سوریه برای تشکیل یک منطقه مستقل حمایت کند.

فرمانده سابق ناوگان ارتش آمریکا در اقیانوس آرام در پایان به دولت ترامپ چند پیشنهاد برای مقابله با ایران ارائه داد از جمله پیشنهادی وی تدوین استراتژی ملی با هدف به نمایش گذاشتن اراده، قدرت و میزان نفوذ از طریق تقویت روابط نظامی آمریکا با کشورهای همپیمان در منطقه از جمله عربستان سعودی و مصر و سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است.

وی تاکید کرد این استراتژی ملی باید دارای 2 مرحله باشد. مرحله نخست شامل ممانعت از توسعه طلبی ایران در منطقه و مرحله دوم از بین بردن زیرساخت‌های برنامه هسته‌ای تهران است.

آمریکا و اسرائیل مدعی‌اند که ایران در صدد ایجاد مسیری است که ایران، عراق، سوریه و لبنان را به هم متصل کند. اسرائیل این را تهدیدی برای خود می‌داند؛ زیرا بر اساس این ادعا از طریق لبنان امکان دسترسی به اسرائیل نیز برای ایران ممکن خواهد شد.

«روحانی: حق نداریم بدون ادله کافی کسی را احضار و بازداشت کنیم/ضابط نباید حزبی باشد»

یکشنبه، ۱۱ تیر، ۱۳۹۶

چکیده : اگر مردم نسبت به دولت یا نظام اعتمادشان کم و سست شود و در تردید قرار بگیرند نمی‌توانیم از مشکلات عبور کنیم. مردم باید به دولت اعتماد داشته باشند. علت اینکه توانستیم در این چهار سال، قیمت ارز را نسبتاً متعادل نگه داریم بخاطر اعتماد مردم به دولت است. اگر مردم به صحبت رییس بانک مرکزی اعتماد می‌کنند و به بازار هجوم نمی‌برند بخاطر این اعتماد است. یک روز هم بود که هرچه رییس بانک مرکزی می‌گفت مردم برعکس عمل می‌کردند

رییس‌جمهور با تأکید بر اینکه قاضی و ضابط نباید بخاطر حزب یا جناح منتفع شوند، گفت: باید ادله کافی باشد تا فرد را احضار کنیم ولی فرد را احضار می‌کنیم تا ادله به دست آوریم که نوع جدیدی است.

حجت‌الاسلام حسن روحانی در همایش گرمیداشت هفته قوه قضاییه با گرامیداشت یاد و خاطره شهید بهشتی اظهار کرد: شهید بهشتی معمار قانون اساسی و قوه قضاییه پس از انقلاب اسلامی است. بی‌تردید شهید بهشتی جزو چهره‌های استثنایی حوزه علمیه قم، علما و اندیشمندان و مدیران بزرگ کشور بودند. ویژگی‌های خاص به خود داشتند. من حدود ۲۱ سال از نزدیک با ایشان آشنا بودم؛ از سال ۱۳۴۰ تا پایان زندگی مبارکشان.

شهید بهشتی صبر را خسته می‌کرد

او با بیان اینکه شهید بهشتی فرد دقیقی در تربیت جوانان برای مدیریت کشور و تربیت طلاب برای مواجه شدن با نیازهای زمان بود، خاطرنشان کرد: از آغاز نهضت اسلامی، ایشان در کنار امام راحل بود. پس از پیروزی انقلاب در کنار انقلاب بود. صبر ایشان به گونه‌ای بود که صبر خسته می‌شد ولی ایشان نه. آن همه اتمام که تمام نمی‌شد.

رییس‌جمهور ادامه داد: کمتر مظلومی را در تاریخ انقلاب اسلامی مشاهده می‌کنیم. البته ایشان آسیاب به نوبت را هم گفت و نوبت دیگران هم فرارسید. ولی در سال ۵۸ و ۵۹ مظلوم‌ترین فرد بنام انقلاب بود. من آخرین باری که ایشان را زیارت کردم، چهارشنبه قبل از شهادت ایشان بود. یکساعت قبل از نماز، باهم نماز خواندیم، باهم نهار خوردیم و یک ساعت بعد هم با ایشان صحبت کردم.

روحانی با اشاره به آن دیدار ابراز داشت: شهید بهشتی گفت من چند ماه پیش نزد امام رفتم و قصد اعلام استعفا را داشتم. نزد امام بودیم و هزاران نفر برای امام شعار می‌دادند. ایشان گفت قبل از مطرح کردن استعفا، امام گفت آقای بهشتی می‌بینی مردم چه می‌گویند؟ امام گفت اگر همه مردم ایران شعارشان درود بر خمینی باشد یا شعارشان مرگ بر خمینی باشد، برای من فرقی نمی‌کند.

او اضافه کرد: شهید بهشتی به من گفت وقتی امام این حرف را زد از طرح استعفا خجالت کشیدم. روح بلند امام چنین شاگردانی را پرورش می‌داد. در حوادث سال ۵۸ و ۵۹ توهین‌های زیادی به ایشان می‌شد. به یاد دارم توهین‌ها، به جریان طبیعی تبدیل شده بود که بزرگان نظام در کوچه و خیابان و حتی در اجتماعات بزرگ مورد توهین قرار بگیرند ولی شهید بهشتی صبر کرد و از خود سعه صدر نشان داد و به ما آموخت هرچیزی که برای نظام و استحکام نظام و انقلاب به راحتی تحمیل کنیم و بدانیم اگر کسی اخلاص داشت و برای خدا تلاش کرد، هرچه مشکل‌تر باشد، اجر و مزد بیشتری را به ما عنایت خواهد کرد.

روحانی از جنگ تحمیلی به عنوان دومین معضل در سال‌های ابتدایی انقلاب یاد کرد و گفت: جنگی از طرف همسایه به ظاهر تحمیل شد اما یک دنیا در پشت آن بودند. ۸ سال سخت‌ترین روزها را گذراندیم که برای تهیه یک سلاح ساده کلاشینکف زحمت داشتیم. به خاطر دارم یک هواپیما کلاشینکف که وارد کشور شد کلی خوشحال شدیم.

رسانه ملی زمانی که رشد منفی بود کمتر از رکود می‌گفتند

روحانی با بیان اینکه وقتی رشد منفی شش درصد داشتیم از رسانه ملی و روزنامه کمتر از رکود می‌شنیدیم ولی اکنون که از رکود عبور کرده‌ایم تازه یاد گرفته‌اند کلمه رکود را ادا کنند، گفت: از همه شاخص‌ها عبور کردیم هرچند شرایط خوبی هم نیست. هنوز اشتغال ما با نیاز ما فاصله دارد. هنوز نیازمند رونق بیشتری هستیم، چه کار می‌توانیم در این راه کنیم؟

او با بیان اینکه هیچ چیز جز اعتماد مردم و سرمایه اجتماعی نیست، اظهار داشت: اگر مردم نسبت به دولت یا نظام اعتمادشان کم و سست شود و در تردید قرار بگیرند نمی‌توانیم از مشکلات عبور کنیم. مردم باید به دولت اعتماد داشته باشند. علت اینکه توانستیم در این چهار سال، قیمت ارز را نسبتاً متعادل نگه داریم بخاطر اعتماد مردم به دولت است. اگر مردم به صحبت رییس بانک مرکزی اعتماد می‌کنند و به بازار هجوم نمی‌برند بخاطر این اعتماد است. یک روز هم بود که هرچه رییس بانک مرکزی می‌گفت مردم برعکس عمل می‌کردند.

روحانی با بیان اینکه ما در سال ۹۶ هستیم و نشان دادیم به ۴۰ سالگی رسیدیم، خاطرنشان کرد: در این شرایط دوران پساانتخابات، از نو رقابت‌های انتخاباتی را بازخوانی کنیم؟ کدام عقل سلیمی این را به ما می‌گوید؟ مردم با نشاط و آگاهی به صحنه آمدند و کارشان را به خوبی انجام دادند و اکنون نوبت ما مسئولان است. مشکلات امروز، مشکلات دولت دوازدهم نخواهد بود بلکه مشکلات نظام، انقلاب و مردم ماست.

او اضافه کرد: اگر مشکلات زیست محیطی داشتیم، گرد و غبار و هوای آلوده مردم را با تهدید روبه‌رو کرد، مشکل آب داشتیم و فقر و بیکاری زندگی مردم را تهدید کرد، این‌ها مشکلات دولت است یا مشکلات مردم و نظام؟ البته دشمنان ما نمی‌خواهند ما موفق باشیم و از هر کاهی کوه می‌سازند. چه زمانی آن‌ها خواسته‌اند ما موفق باشیم؟

استقلال قوا به معنای دیوار کشیدن میان آنها نیست

او با بیان اینکه اگر سه قوه کشور تحت فرامین رهبری قرار بگیرد و پشت هم باشیم، مسائل حل می‌شوند، عنوان کرد: در چهار سال گذشته ممکن است حداکثر استفاده از انرژی نشده است ولی قوا به دنبال تخریب هم نبودند. البته قوا مستقل هستند ولی مستقل بودند به معنای دیوار کشیدن میان قوا نیست. مستقل بودن به معنای عدم کمک کردن به هم و تعامل با یکدیگر نیست. نمی‌توان توجه نداشت که چگونه مسائل را حل و فصل کنیم.

حق نداریم بدون ادله کسی را احضار کنیم

روحانی افزود: حتی در مسئله حقوق بشر می‌شود قدم به قدم بهانه‌ها را کم کرد. لاف‌ل قانون و اسلام خودمان را اجرا کنیم. اسلام به ما اجازه نمی‌دهد اگر مجرمی جرمی انجام داده، بیش از اندازه تحت فشار باشد. حق نداریم آبروی افراد را بریزیم و حق نداریم بدون ادله کافی فرد را احضار و جلب کنیم. باید ادله کافی باشد تا فرد را احضار کنیم ولی فرد را احضار می‌کنیم تا ادله به دست آوریم که نوع جدیدی است.

ترسیدم به قوه قضاییه بروم

او با بیان اینکه براساس قانون اساسی ضابط باید ضابط باشد و نه بیش از آن، گفت: نباید بگذاریم در قوه قضاییه بزرگ بخاطر نقص کوچک زحمات همه افراد بر باد برود. من هم در قبل از انقلاب و هم بعد انقلاب پیشنهاد داشتم که برای کار به قوه قضاییه بروم اما ترسیدم. چرا که کار قاضی کار سختی است. بار سنگینی بر دوش قاضی قرار دارد. نباید کسی فکر کند که حکم برای قاضی نفع دارد. حکم محکومیت و برائت برای قاضی باید یکسان باشد و حتی باید به برائت برسد.

برخی می‌خواهند بیل به کمر حکم برائت بخورد

رئیس شورای عالی امنیت ملی با بیان اینکه افرادی به دنبال آن هستند که حکم برائت بیل به کمرش بخورد، اظهار داشت: اگر زمانی به دلیل قومیت، مذهب و تمایلات سیاسی برای قاضی محاکمه فرق بکند، آن قضاوت محل تردید است. قاضی باید بی‌طرف باشد. اصلاح طلب و اصولگرا نداریم. ترک و کرد و... نداریم. شیعه و سنی نداریم. همه افراد براساس قانون مساوی هستند.

قاضی و ضابط نباید بخاطر حزب یا جناح منتفع شوند

روحانی اضافه کرد: ما ضابط حزبی نداریم چون امام در وصیتنامه‌شان گفتند افراد نظامی حق ورود به مسائل حزبی و دسته بندی‌های جناحی را ندارند. اگر ضابط ما در یک پرونده منتفع شود، آنگاه افکار عمومی بی‌طرفی را با تردید نگاه می‌کنند. ضابطین پرونده را درست می‌کنند و کارشناسان بخشی از پرونده را تشکیل می‌دهند. مهم است هم قاضی و هم ضابط بخاطر حزب یا جناح منتفع نشود.

امیدوارم در دولت دوازدهم بتوانیم از قوه قضاییه استفاده بیشتری کنیم

رئیس دولت یازدهم تاکید کرد: همه دستگاه‌ها و همه ما باید در برابر مردم با شفافیت عمل کنیم و پاسخگو باشیم و چرا قوه قضاییه این کار را نکند؟ من امیدوارم در دولت دوازدهم بتوانیم از قوه قضاییه استفاده بیشتری کنیم. در راس قوه قضاییه، آیت الله املی لاریجانی اندیشمندی است که هم به فقه مسلط است و هم مقتضیات زمان. با اجتهاد پویا و در نظر گرفتن زمان و مکان، لوایح بهتری تهیه کنیم و در کنار آن، اعتماد بیشتری را جلب کنیم و میزان پرونده‌ها را کم کنیم.

روحانی یادآور شد: در رسانه‌ها می‌خواندم در یکی از کشورها به ناچار دادگاه‌ها یکی دو روز تعطیل هستند. می‌شود در کشور ما هم چنین اتفاقی رخ بدهد. وزیر دادگستری در این باره نقش ویژه ای خواهند داشت. روسای قوا می‌توانند جلسات بیشتری داشته باشند. باید کاری کنیم تا کشور در مسیر پیشرفت و آبادانی در سایه همراهی و همکاری و هم‌افزایی قرار بگیرد.



چکیده: برادر معظم رهبري سیدهادی خامنه ای حصر مهدی کروی را که "از قدمات انقلاب بوده و سابقه بسیار خوبی پیش از انقلاب داشته و پس از انقلاب نیز از نزدیک ترین اصحاب امام بوده"، را مایه تاسف برای نظام دانسته است. این عضو ارشد جامعه روحانیون مبارز حصر مهدی کروی، میرحسین موسوی و زهرا رهنورد را مایه تاسف برای ساختار نظامی دانسته که با نام جمهوری اسلامی هنوز پا برجاست، اما بهترین افرادش را در حصر قرار می‌دهد.

طی سال های پس از حصر رهبران جنبش سبز، برادر معظم رهبري سید هادی خامنه‌ای بارها برای دیدار و پیگیری موضوع حصر، به دیدار فاطمه کروی رفته بود.

به گزارش سخام، خانم کروی، روز گذشته در پاسخ به محبت و پیگیری های متعدد ایشان، متقابلا به دیدار برادر معظم رهبري سید هادی خامنه‌ای رفته است.

این نماینده سابق مجلس در این دیدار پیام سلام و سپاس آقای کروی را به برادر معظم رهبري سید هادی خامنه‌ای رسانده و از طرف ایشان از اینکه همواره موضوع حصر را پیگیری کرده‌اند، تشکر نموده است.

برادر معظم رهبري سیدهادی خامنه‌ای نیز در سخنانی، حصر مهدی کروی را که "از قدمات انقلاب بوده و سابقه بسیار خوبی پیش از انقلاب داشته و پس از انقلاب نیز از نزدیک ترین اصحاب امام بوده"، را مایه تاسف برای نظام دانسته است.

این عضو ارشد جامعه روحانیون مبارز حصر مهدی کروی، میرحسین موسوی و زهرا رهنورد را مایه تاسف برای ساختار نظامی دانسته که با نام جمهوری اسلامی هنوز پا برجاست، اما بهترین افرادش را در حصر قرار می‌دهد.

شرق: از آشنایی‌اش با محافل ادبی و شعری می‌گوید که با برادران بزرگ‌ترش دو، سه‌باری راهی آنجا شده. از خواندن کتاب‌های اجاره‌ای که دور کرسی خانوادگی می‌خواندند و کتاب‌ها را دو، سه‌روزه پس می‌دادند. از صادق هدایت می‌گوید و خواندن دوروزه بینوایان... هادی خامنه‌ای در کنار شرحش از ایام کودکی، گام‌به‌گام از نوجوانی و جوانی، از سال‌های مبارزات انقلابی، ورود امام، برخورد با نظامیان پس از انقلاب، مجلس اول، رابطه‌اش با هاشمی و... سخن می‌گوید. گزیده‌هایی از گفت‌وگوی او با حسین دهباشی در قالب مجموعه «خشت خام» با ادبیات ویژه و سهل او در پی می‌آید.

روزهای کودکی و کرسی خانوادگی

بنده ۱۳۲۶ متولد شدم. در خانواده‌ای بودیم که هم پدر خانواده روحانی بود هم پدر مادر، مرحوم آقاسیدهاشم نجف‌آبادی میردامادی، از روحانیون مشهور مشهد بود و در مسجد گوهرشاد نماز جماعت می‌خواند و هر شب تفسیر قرآن می‌گفت و مجموعه آن تفسیرها الان چاپ شده به عنوان «خلاصه‌البیان فی تفسیر القرآن».

پدر هم مرحوم آقاسیدجواد حسینی خامنه‌ای است که پدرش، آقا سیدحسین مجتهد خامنه‌ای، از روحانیان سرشناس تبریز، مشروطه‌خواه، تحصیل‌کرده نجف و از شاگردان مرحوم میرزای نائینی بود. دامادشان آقا‌شیخ محمد خیابانی - از رهبران مشروطه - که شوهر عمه ما می‌شود.

پدرم دوبار ازدواج کرده؛ در ازدواج اول که از آن سه دختر داشت، همسرش فوت کرده بود و بعد با مادر من وصلت می‌کند.

این سه خواهر، به‌اصطلاح خواهران ناتنی بودند. اما فرزندان تنی، برادر بزرگ ما آقا سیدمحمد خامنه‌ای است متولد ۱۳۱۴، فرزند بعدی آقا سیدعلی خامنه‌ای متولد ۱۳۱۸، فرزند بعدی بردی خانم است که ۱۳۲۱ هستند. بعد من هشتم ۱۳۲۶ و بعد از من هم آقاسید حسن است، ۱۳۲۹. برادر کوچکم سیدحسن، تنها اخوی‌ای هستند که روحانی نیستند. برادر بزرگ ما آقا سیدمحمد، دانشکده حقوق را تا لیسانس گذراندند؛ حقوق تهران.

خانه‌ای بود که جمع آن تقریباً حدود ۲۰۰ متر می‌شود. دو حیاط داشت، حیاط کوچک و ساختمان‌هایی مختصر و دوطبقه که آنجا تقریباً ما ۱۰ نفر زندگی می‌کردیم. سه تا خواهر ناتنی و پنج تا هم فرزندان می‌شود هشت نفر و پدر و مادر، ۱۰ نفر آنجا زندگی می‌کردیم. روابط خوب بود. بد نبود، یعنی عادی بود! دیگر با هم زندگی می‌کردیم. در دوران کوچکی و کودکی، تفریحاتی، شوخی‌هایی و زندگی ما از لحاظ مادی بسیار بسیار تهیدست بود. البته فکر نمی‌کردیم چیزی از این بهتر وجود دارد. اصلاً تصورش را نداشتیم. من یادم هست شاید ۱۴، ۱۵ سالگی از مدرسه و منزل که نزدیک هم بود، خیلی آن طرف‌تر نرفته بودم!

در منزل ما رادیو و گرامافون و این چیزها نبود. بعدها که ما وارد مسائل سیاسی شدیم، چرا دیگر من یک رادیو جیبی برای خودم داشتم و بقیه هم شاید داشتند و خب بیشتر آن زمان ما اخبار را که ساعت‌های مخصوصی داشت - ساعت دو - اخبار گوش می‌کردیم و شب‌ها رادیو عراق را گوش می‌کردیم. بی‌سی.سی را گوش می‌کردیم؛ چون احساس می‌کردیم خبرها را یک خرده شفاف‌تر می‌دهد. درعین‌حال که می‌فهمیدیم یک شیطنت‌هایی را هم داشته است، ولی رادیو دیگری بود که من یادم رفته که ظاهراً در مجموعه شوروی متمرکز بود. یک چی‌چی ملی حالا من یادم نیست، ظاهراً یک پسوند ملی داشت! آن را ما گوش می‌کردیم؛ آن هم جزء که البته آنها با مسائل ایدئولوژیک برخورد می‌کردند؛ مثلاً همان‌ها وقتی داستان ۱۵ خرداد را توضیح می‌دادند؛ همان اخباری که در رادیو ایران سانسور می‌شد، آنها توضیح می‌دادند. من خوب یادم هست که همان شعارهایی که داده می‌شد، وقتی تشریح می‌کردند، می‌گفتند بعضی از شعارها مرتجعانه بود، منظورشان شعارهایی که نام امام برده می‌شد؛ من احساس می‌کردم. ولی شعارهایی را که مثلاً درود بر مصدق و این چیزها گفته می‌شد، آنها را مترقی تلقی می‌کرد یا چیزهای مشابه به آن را.

یادم هست خود آقای کاشانی را آن زمان - سال ۳۳ - بود که منزل ما آمدند. من آن وقت شش، هفت‌ساله بودم. پدر قطعاً طرفدار شاه نبودند. این مقدار مسلم است که طرفدار رژیم نبودند. خب این یک مرزی بینش هست؛ یک برزخی هست که حالا لازمه مخالف شاه بودن، به معنی طرفداری از مصدق و نهضت ملی نیست، مخالف بودن، ولی وارد در این کار نبودند. آخوندهایی بودند که رسماً در مشهد طرفدار مصدق بودند؛ مثل مرحوم آقای کلباسی که مدتی در مشهد زندگی می‌کرد. او رسماً در این مسئله کار می‌کرد و فعالیت داشت و حتی در مشهد که دعای کمیل می‌خواندند، با جمعیتی جمع بودند و حتی جاهای دیگر، مثلاً آنجایی که همه باید بگویند الهی العفو، ایشان می‌گفت بگویند الهی النفت! مسئله نفت را پیش می‌کشید و روی این مسئله تأکید داشت! پدر ما در آن حدها نبود، ولی خب می‌دانیم که طرفدار شاه و رژیم هم ایشان تا آخر نبودند. با اینکه مبارز به آن معنا نبودند. آخوندها در مسجد گوهرشاد و جاهای دیگر دعوت می‌کردند برای بعضی از میهمانی‌ها و مسائلی که به‌هرحال ارتباط پیدا می‌کرد با رژیم، ایشان مطلقاً هیچ موقع در میهمانی‌ها تا آخر شرکت نکرد! با اینکه بالاخره یک عوارضی داشت، ولی ایشان این کار را قطعاً نمی‌کرد و آنها هم کم‌کم فهمیده بودند که ایشان نمی‌آید. خیلی هم فشار نمی‌آوردند. بعدها که مبارزات شروع شد، طبعاً به قرینه اینکه ماها در آن خانه زندگی می‌کردیم، احساس می‌کردند که فایده‌ای هم ندارد سراغ پدر ما بروند؛ خودبه‌خود جواب منفی است و لذا سراغ ایشان دیگر نمی‌آمدند؛ یعنی پدر ما با امام آشنایی داشتند. بعدها که اخوان ما به قم رفتند و اطلاعات ما درباره درس و بحث‌های ما طبعاً بیشتر شد که در چه وضع است، امام را به این صورت شناختیم که حوزه درسی ایشان- فقه و اصول- از بقیه حوزه‌ها گرم‌تر و شلوغ‌تر است.

از ۱۷ سالگی به زندان رفتم

از زمان ۴۱، ۴۲ وارد انقلاب شدیم! یعنی از همان ۱۴ سالگی. منتها از ۱۷ سالگی اولین بار زندان رفتم.

آقای مهندس موسوی، ایشان پدرشان پسرعمه پدر ما هستند، پدر ایشان و عموهای ایشان سال‌های سال به مشهد می‌آمدند، به خانه ما می‌آمدند، با هم ارتباط داشتیم؛ خب آدم‌های خیلی متدین، خیلی نجیب و خیلی درستکار بودند.

حسینی‌ه ارشاد از سال ۴۳، ۴۴ رسماً تأسیس شد، البته ساختمانش کامل نشده بود، ولی کار می‌کرد. یادم هست مرحوم آقای شریعتی بزرگ آنجا صحبت می‌کرد در ایام نزدیک به حج، آقای علی غفوری آنجا مسائل حج را توضیح می‌داد با همان روش خاص خودش. آنجا مباحثی بود که من گاهی می‌رفتم و در آن جلسات شرکت می‌کردم. بعد کم‌کم ساختمانش کامل شد.

من کلاً در جریان انقلاب فرهنگی ورود نداشتم... اصلاً در مسئله انقلاب فرهنگی من هیچ ورودی نداشتم؛ ایداً و اصلاً و خبر هم ندارم اصلاً چه مسائلی اتفاق افتاد؛ یعنی سرگرم مسائل دیگری بودم در مشهد که به اندازه کافی سرمان به کارها مشغول بود و از این مسئله هیچ اطلاعاتی نداشتم؛ یعنی به مسئله مطلقاً ورود نداشتم!

من تا به حال به مسکو نرفته‌ام

من چنین چیزی را که یکی از برادرانم به روسیه رفته و در دانشگاه پاتریس لومومبا تحصیل کرده باشد، به خاطر ندارم. خودم تا به حال اصلاً به آنجا مسافرت نکرده‌ام و بعید هم می‌دانم اخوان دیگرم چنین کاری کرده باشند. احتمالاً فرد دیگری بوده، چون ممکن است زیاد باشد از این اهالی خامنه. چون بخشی از کسانی که به روسیه رفتند و با شوروی هم همکاری داشتند، مثل طالبوف و امثال اینها، اهل خامنه بودند!

برادرانم با مرحوم بهشتی و مرحوم باهر در ارتباط بودند ولی من از حدودش خیلی اطلاع ندارم ولی خود من با شهید بهشتی آشنایی صرف داشتم؛ سال ۴۲ در قم، همان زمان که ایشان مدرسه دین و دانش راه انداخته بودند و کلاس‌هایی می‌گذاشتند در مدارس حوزوی، درس انگلیسی می‌دادند به طلبه‌ها، حتی علما و بزرگانی مثل مرحوم ربانی شیرازی؛ یادم هست اینها انگلیسی می‌خواندند، انگلیسی یاد می‌گرفتند با همت و مدیریت آقای بهشتی. این آشنایی اجمالی را داشتیم به عنوان یک روشنفکر، یک فرد باسواد، مُلا و روشنفکر و امروزی.

نگاهمان به فداییان بسیار مثبت بود

در زندان قبل از انقلاب –من اجمالا به شما عرض کنم – تا قبل از اینکه بروم زندان، نگاهمان حتی به فداییان خلق نگاه بسیار بسیار مثبتی بود! به انقلابیون و... به ریز افکارشان نه توجه داشتیم نه اهمیت می‌دادیم.

قبل از انقلاب شکنجه شدم، شلاق کف پا، مؤثرترین شکنجه آن زمان بود، درباره اینکه نقل شده بود مثلا پدر آقای غفاری که مثلا ساواک سرش را با مته سوراخ کرده بود یا دیگران سوزانده شده بودند و اینها، اینها شکنجه‌های مرسوم بود و وجود داشت، را من، نه رؤیت کردم نه شنیدم؛ اینها چیزهایی است که خودشان نقل می‌کنند و از خودشان باید سؤال شود.

سال ۵۶ من ۳۰ سالم بود و همان سال هم ازدواج کردم. بنده بعد از انقلاب کلا مسئولیت‌های زیادی نداشتم.

سربازان، فرماندهان کتک‌خورده را می‌آوردند

اوایل انقلاب بود که به اهواز رفتم، روزهای اول انقلاب یک‌سری از نظامی‌ها را خود سربازان دستگیر کرده و تحویل داده بودند. می‌گفتند اینها در کشتارهای گذشته اهواز و آبادان فرمانده بودند. واقعا هم بودند و بعضی از افراد شرکت نفتی که حالا اسم‌هایشان یادم نیست، اینها را هم به‌عنوان آدم‌های اصلی رژیم گرفته بودند تقریبا یک هفت، هشت، ۱۰ نفری می‌شدند، شاید هم بیشتر! یکی این بود که چندتا از آنها را در همان محلی که کمیته یا هرچی نظامی‌هایشان را آنجا نگهداری می‌کردند بعد بردند زندان و مسئله دیگر، اداره خود ارتش بود چون تمام سران ارتش که نمی‌توانستند کارشان ادامه پیدا کند، روز بعدش بلافاصله آمدند من را بردند به پادگان لشکر ۹۲ در آن به‌اصطلاح میدان بزرگش و سخنرانی کردم... این فرماندهان کتک‌خورده و خلع‌شده را سربازها می‌آوردند تحویل می‌دادند که اینها کسانی بودند که در کشتارها دست داشتند! درجانشان را هم می‌کنند! تمام این‌جاهایشان سوراخ‌سوراخ بود جای درجه‌هایشان. خب این معنی‌اش این بود که اینها فعلا باید نگهداری شوند تا ببینیم پرونده‌شان چیست؟ و فرماندهان یکی‌یکی دعوت شدند و به‌اصطلاح یک جایی اینها نگهداری شدند که در تشکیلات نظامی پخش نباشند.

کسی را نداشتیم بخواهد محاکمه کند. چون من که سمت قضائی نداشتم و خیلی تمایل هم نداشتم و آمادگی هم نداشتم. بالاخره آدم باید بلد باشد این چیزها را. من فقط کنترل می‌کردم که اینها دست آدم‌های هرج‌ومرج‌طلب نیفتند! گفتیم اینها را ببرید یک جایی نگه دارید... این احتیاط را من همان‌وقت داشتم که فقط فرمانده آنجا سرلشکر شمس تبریزی، فرمانده سرلشکر بود، او آنجا بود گفتیم او آنجا باشد برای اینکه بالاخره هم احترامش به‌ظاهر حفظ شود و هم به‌اصطلاح بقیه مسائلی که برای ما معلوم نیست از سوی او برای ما روشن شود چون او همه‌کاره بود... مانده بودیم در کار اینها! من خودم واقعا نمی‌دانستم باید چه کرد با اینها؟ نه پرونده‌ای از اینها داشتیم، نه چیزی بود. فقط شهود می‌آمدند و بچه‌ها می‌گفتند اینها بودند خب من نمی‌دانستم، چون من آنجا هیچ‌کس را نمی‌شناختم به این شهود هم نمی‌شد خیلی... و عجله را من خیلی قبول نداشتم و گفتم که بهتر است اینها را ببریم تهران تحویل تهران بدهیم. بالاخره با این تصور که پرونده‌های ما در آنجاست، هرچه هست، برویم آنجا تحویل بدهیم با مسئولیت آنجا، بالاخره آنجا کارها راه افتاده است! اینها را سوار هواپیما کردیم و آوردیم تهران، خودم هم همراهشان بودم. تحویل دادیم به همان دفتر؛ دفتری که امام آنجا بودند؛ همان رفاه! رسما اینها را تحویل دادیم. آنها را بردیم، آن لحظه آقای صباغیان آنها را از ما تحویل گرفت، آن‌طور که من یادم هست. نه خلخالی یک سمت آنجا داشت. بقیه هم آنجا بودند خیلی‌ها بودند، همین آقای صباغیان خودشان یکی از رؤسا بودند. یکی، دو روز بعد فهمیدم که اینها را بردند زندان قصر. من رفتم زندان قصر اینها را دیدم. خلاصه مانده بودیم توی کار اینها که چه‌کار کنیم! ما دوباره اینها را سوار کردیم، آوردیم اهواز! فرستادیم دوباره اهواز! وارد اهواز که شدم، بعد از حدود یک هفته، ۱۰ روز، خب یکی از دغدغه‌هایم همین مسئله اینها بود، رفتم که آنها را ببینم، گفتند حاج‌آقا قضیه تمام شد! گفتیم چی؟ گفتند آقای خلخالی آمد و کار همه اینها را تمام کرد! حالا چگونه بود و آن محاکمه با چه پرونده‌ای، من دیگر خبر ندارم. به‌هرحال این مقدار بود که من دیگر مسئولیت از روی دوشم برداشته شد.

... چندوقت بعد به مشهد برگشتم، مسئولیت اول من عضویت در هیأت امنای آستان قدس بود. مسئولیت دیگر من عضویت در شورای امنیت استان بود که شورای‌عالی که خود آقای طیبی و هاشمی‌نژاد عضو بودند و استاندار آقای طاهر احمدزاده هم بود، من هم عضو به‌اصطلاح همان حلقه بودم.

به‌خاطر اختلاف با طیبی به تهران آمدم

دیگر سال ۶۰ که شد عمداً اختلاف ما با آقای طیبی عاملی بود که دیگر دوستان گفتند که تو بهتر است از مشهد بیایی! تهران دیگر من نماینده مجلس بودم، همان اندازه که مجلس نقش دارد ما هم همان اندازه داشتیم! آن هم به عنوان یک نماینده فقط. دیگر آنجا کارمان همان لواایح و دستورهای روزانه و نسخه‌های قبل از دستور و خب چون اوج ترورها هم بود، طبیعتاً یکی از دغدغه‌ها مسئله ترورها و این چیزها بود.

بعد از هفتم تیر، فضا خیلی تند شد. ببینید شما هفتم تیر اتفاق افتاده، ماجرای آقای خامنه‌ای ترورش اتفاق افتاده، اینها همه را ببینید... ترور آقای هاشمی هم اتفاق افتاد، بعد ترورهای روزانه هم مرتب در جریان بود؛ چه از نماینده‌ها، چه از دیگران.

ذوب در هاشمی نبودم، آقای هاشمی را ما دوست می‌داشتیم. هیچ تعبیر دیگری را من در مورد ارتباط خودم با آقای هاشمی قبول ندارم که بگوییم ارادت داشتیم، مرید بودیم، نه! این‌طوری نبود، من مرید هیچ‌کس نبودم. فقط امام. امام را می‌توانیم بگوییم. بقیه را دوست می‌داشتیم آقای هاشمی را چون از بچگی من آقای هاشمی را می‌شناختم، ایشان خب دوست دوران طلبگی بودند و با آقای اخوی ما در قم، طبعاً ارتباط داشتند و مشهد می‌آمدند و می‌رفتند. ما از همان بچگی ایشان را می‌دیدیم و طبعاً با خانواده‌شان، با بچه‌هایشان دوست بودیم و دوستی داشتیم و این دوستی خب ادامه داشت تا مجلس هم که آمدیم و افکار و اندیشه‌های ما تحت‌تأثیر ایشان نبود، تحت‌تأثیر آن فضای کلی بود که به صورت رسمی خط را از امام می‌گرفتیم.

(درباره تلفی مخالفت با شما، مخالفت با شخص رهبر) یک مجموعه‌ای بودیم. همه این نظر را داشتیم و یک عده هم خب این‌طوری نبودند. آقای هاشمی هم آن نظر را پیدا کرده بود. ما نمی‌دانیم از کی این نگاه کم‌کم عوض شده بود. ولی یک دفعه ما فهمیدیم در آن اواخر! خیلی هم خب ایشان تند برخورد می‌کرد با مخالفان. یعنی حتی نوبت صحبت هم به ما نمی‌داد. در یک نوبت مثلا آقای نوربخش بیش از حد معمول صحبت کرد.

من بلند شدم گفتم آقا ایشان یک صحبت‌هایی کرد. من باید جواب بدهم. ایشان به ما وقت نداد که صحبت کنیم. این‌طور چیزها بود! و بعد هم رأی‌گیری کردند و مثل اینکه آن چیزی که ایشان می‌خواست رأی آورد! خب اینها باعث گله‌مندی شد.

گاه‌گاهی در روزنامه ما (جهان اسلام) بعضی‌هایشان یک خرده بچه‌شیطان بودند. خلاصه کنایه‌هایی به آقای هاشمی می‌زدند که من خودم خیلی هماهنگ نبودم با آن کارها، ولی بالاخره به نام من تمام می‌شد. بعدها شنیدیم که آقای هاشمی خیلی شاکی بوده از این مسئله و بالاخره هم خب این روزنامه ما در زمان ایشان از طرف وزارت ارشاد تعطیل شد!

ما آنجا در روزنامه یک ستونی داشتیم «از آن سوی سیم» که هر کسی هر حرفی داشت می‌زد و من پاسخ می‌دادم گاه‌گاهی انتقادهای تندی هم می‌شد که حالا ما بعضی از آنها را به اصطلاح یک خرده بهداشتی‌اش می‌کردیم به اصطلاح روشن‌تر سانسور می‌کردیم و نمی‌گذاشتیم به آن تندی مطرح شود! یک آقایی از یک جایی برای ما نوشته بود که چیه شما، مسئولان هرچی می‌شود به گردن انگلیس و آمریکا می‌اندازند؟ اشاره کرد به فیلم دای‌جان ناپلئون! که داستانش را در تلویزیون در زندان قصر دیدم به طور مفصل. چون من در جریان بودم. بچه‌های ما نمی‌دانستند دای‌جان ناپلئون چیه! گفتم داستانش این است. خب حرف به ظاهر چیزی هم بود. ما این را یک جوابی برایش نوشتیم... منتها ستون به اصطلاح چون خیلی سرش شلوغ بود، نوبتی بود. یک ستون بیشتر نگذاشته بودیم. در هفته و ماه همین‌طور به نوبت چاپ می‌کردیم. اصلش را با جوابش چاپ می‌کردیم. اینها در یک روزی افتاد که نوبت چاپ این مطلب آمده بود. غافل از اینکه آن روز ایشان یک صحبتی کرده، اشاره‌ای دارد به انگلیس! توجه کردید؟ و روزنامه ما هم بدون توجه، آن را آنجا گذاشته بود و به آن در همان صفحه یا صفحه قبل و بعدش اشاره کرده بود. حالا ما هم بی‌خبر. به من اطلاع دادند که رادیو اسرائیل چنین چیزی نوشته! شما برای پیشگیری خوب است که تکذیب کنید. من گفتم نه، این تکذیب بدتر است بیشتر قضیه را مطرح می‌کند. آنها را کسی نمی‌بیند، بگذار تمام بشود برود! غافل از اینکه وزارت ارشادی‌ها قضیه را مثل اینکه جدی گرفتند و به این مسئله چسبیدند. همین بهانه‌شان بود.

آقای میرسلیم (وزیر ارشاد) بود. ما هرچه گفتیم این ماده‌ای که شما می‌گویید متناسب با آن ما این را تعطیل کردیم، مصداقش چیست؟ جواب ندادند به ما. خب دورانی بود که زور می‌گفتند و جواب ما را هم نمی‌دادند! تعطیلش کردند در عین ناباوری دوستان، تعطیل کردند و زمان خیلی بدی هم تعطیل کردند و به ما خسارت‌های زیادی هم وارد شد.

من تا همین الان هم خبر ندارم که آن ۹۹ را چه کسی اسمشان را درآورد و افشا کرد؟ می‌دانم از بچه‌های خود ما بودند اما چه کسانی بودند، خبر ندارم... در مجلس عده‌ای به آقای موسوی به عنوان نخست‌وزیر رأی دادند که آن بحث‌هایی که پیش آمد... شاید (فهرستی) بوده؛ من الان خبر ندارم. اطلاع ندارم؛ یعنی من الان آن فهرست را در ذهن ندارم؛ به طور کلی می‌دانم کسانی بودند که بالاخره در جبهه مقابل بودند. کسان دیگری هم بودند که در جبهه مقابل بودند ولی رأی دادند به دو دلیل: یکی اینکه منطق مخالفان کمی ضعیف بود در مخالفت! دوم اینکه احساس کردند امام نظرش این است که آقای موسوی باشد، توجه می‌کنید؟ این دو عامل به نظر مؤثر بود. اینکه عاملی که ما را وادار کرد از آقای موسوی پشتیبانی کنیم، چه بود؟ دقیقاً خواست امام بود!

در دور اول دور قبلی آقای موسوی کسانی مطرح شدند قبل از موسوی که یک رأی نیاوردند از مجلس. اولین نفر آقای ولایتی بود؛ رأی‌گیری شد و رأی نیاورد! بعد صحبت این شد که حالا اگر این‌طوری باشد، برای اینکه رأی نیاوردند، ممکن است خیلی مناسب نباشد؛ یک رأی استمراجی قبلاً از مجلس گرفته شود، راجع به هر کسی که ببینیم اگر رأی می‌آورد، مطرحش کنیم! نفر بعدی فکر می‌کنم آقای میرسلیم بود. فکر می‌کنم رأی‌گیری کردند استمراجی و دیدند نه، رأی نمی‌آورد. راجع به آقای میرحسین مطرح کردند؛ دیدند نه، زمینه دارد و رأی می‌آورد بنابراین مطرحش کردند که همان زمان در بعضی از جلسات خصوصی من به خاطر دارم که افرادی به‌شدت راجع به این گزینش، به آقای خامنه‌ای اعتراض داشتند؛ یکی از آنها آقای محمد یزدی بود که در جلسه‌ای خیلی تند برخورد کرد! دلیلش هم حالا هرچه بود، من یادم نیست ولی اجمالاً این مقدار یادم هست که ایشان خیلی تند بود.

نظر اینها از همان اول این‌چنین بود. ولی آقای خامنه‌ای نظرش این نبود. خوب رسید به آقای موسوی و آقای موسوی انتخاب شد. بالاخره در جریان کاری که با هم می‌کردند، یک اختلاف‌نظرهایی پیدا شده. ایشان نظرشان این بود که بعد کس دیگری را انتخاب کنند حالا آن کس، هرکسی بود. آنجا مسائل جنگ و اینها و اینکه خوب مدیریت به شکلی اداره شده است و چه و! و اینکه آقای میرحسین مقداری چپ می‌زد مثلاً، اینها طبیعتاً و نهایتاً هم حمایت امام، اینها همه تأیید می‌کرد که عده‌ای مثل ما روی این مسئله تکیه کنند که آقای موسوی بهتر است. اجبار نبود، فشار نبود ولی خوب اظهارنظر بود. البته فشارهایی هم بعضی آورده بودند که بنده در آن فشارها نه دست‌اندرکار بودیم نه تأیید می‌کنیم! آقای هاشمی جزء کسانی بود که موافق بود آقای میرحسین نباید آن زمان. خود آقای هاشمی هم جزء این دسته بود! منتها نه به صورت رسمی؛ چون رئیس مجلس بود نمی‌توانست بی‌طرفی را نقض کند! ولی خوب موافق بود و به هر حال اکثریت نماینده‌ها – اکثریت هم نه- اتفاقاً این را که می‌گویند دوره دوم بود، درست است؟ دوره دوم مجلس بود؟ در دوره دوم ما اقلیت بودیم در مجلس. مجلس دوره دوم چپ به معنای چپ، حالا بنا به قرآنی که اگر لازم شد می‌گویم، ۸۵ نفر بود! در مقابل چقدر؟ ۲۷۰ نفر. من خوب این را به یاد دارم. ۸۵ نفر!

حالا یک‌سری تحریکات یا یک‌سری کارها بود که آن‌طرف انجام می‌شد که آنها هم مقداری در شدت ماجرا بی‌تأثیر نبود. مثلاً همان زمان دو، سه روز مانده به رأی‌گیری برای نخست‌وزیری، ما در مجلس شاهد و ناظر بودیم. تعدادی از آقایان شورای نگهبان و بعضی دیگر رفته بودند خدمت امام که به امام بگویند شما اجازه بدهید مثلاً آقای خامنه‌ای همان کاری که نظر خودش هست انجام دهد و شما مثلاً وارد کار نشوید! رفته بودند چنین چیزی به امام بگویند، که اگر اشتباه نکنم آقای جنتی و آقای یزدی هم بودند؛ بعضی‌های دیگر هم اگر بودند یادم نیست، خوب ما شنیدیم اینها رفتند و بعد هم آمدند از نزد امام و سری هم به مجلس زدند. مجلس هم با اینکه بعداً ظاهر بود و وقت کار نبود، یک التهای داشت و همه بودند.

حاج‌احمدآقا به ما اطلاع دادند که اینها آمدند و مطلب خودشان را مطرح کردند و به امام ابراز کردند که اجازه بدهید آقای خامنه‌ای خلاصه تکلیف شرعی و قانونی خودش را اِعمال کند! چنین چیزی گفتند. گویا امام در جواب گفته بودند نه، من لازم می‌دانم نظر خودم را بگویم، چنین چیزی نقل شده؛ چون زمان خیلی گذشته، من مقداری درجه خطا برای این مسئله می‌گذارم ولی در این حدود. این را ما اطلاع داشتیم که امام این‌طور گفت‌وگو کردند. آقایان که آمدند دوستان رفتند سؤال کردند که چه گفتند امام؟ اینها فقط این را گفتند که ما با امام صحبت کردیم امام گفتند بله، آقای خامنه‌ای حق دارند که وظیفه شرعی‌شان را انجام دهند. چیز دیگری به زبان نیاوردند. دیدیم که چیزی نمی‌گویند. دوستان گفتند چه کار کنیم که اینها بگویند؟ من گفتم سؤالی کنید که خودبه‌خود این جواب را بدهند. یک سؤال... بگویند که ما شنیده‌ایم امام گفته‌اند نخیر، باید آقای موسوی حتماً انتخاب شوند!

رفتیم گفتیم ما این‌طوری شنیدیم. گفتند، نه بابا امام این را نگفت؛ گفته بود که به تکلیف شرعی‌ام باید عمل کنم. گفتم خوب این را از اول می‌فرمودید، بهتر بود! که ناچار شدند این را بگویند. خوب این گفت‌وگوهایی بود که شده بود و اجمالاً حالا.

شاید امام احساس می‌کردند یک‌سری جریان‌هایی هستند و اینها، به دلایل دیگری مثلاً یک اغراضی دارند که می‌خواهند بی‌خودی یک نفری که مشغول کارش هست، بگویند تو برو کنار، یک کس دیگری بیاید! حالا من نمی‌دانم در دل امام چی بوده؟ ما ظواهر را می‌گوییم.

احمدآقا به خواسته واقعی امام، امانت به خرج می‌داد؛ ولو نظرش چیز دیگری بود. دیده بودم درباره بعضی از موارد، مثلاً درباره زندانی‌ها، گروهک‌ها و اینها، ممکن بود نظرش با نظر امام چیز دیگری باشد...؛ اما وقتی می‌خواست از طرف امام پیامی برساند، عین آنچه را که امام گفتند، می‌گفتند.

الان همین وزرای آقای میرحسین با خود نخست‌وزیر در دوره‌های کاری‌شان، خیلی با هم مسائل داشتند! خود ماها آنجا، من کار اجرایی کم کردم؛ اما وقتی بودیم، خوب اختلاف‌نظرهای زیادی پیش می‌آمده، آقای میرحسین هم به‌هر حال، نظرات خودش را داشته و بالاخره زیر بار یک‌سری نظرات نمی‌رفته و از آن طرف، رئیس‌جمهور احساس می‌کرده بالاخره رأی مردم را ایشان آورده و ایشان در این زمینه مسئولیت دارد!

تاکنون یادم نمی‌آید از شورای نگهبان انتقادی کرده باشم؛ جز زمانی که بعد از امام، جریان خبرگان بود و ماها را به بهانه‌هایی رد صلاحیت کردند. من آنجا چون مجلس سوم بود، با استفاده از تریبون مجلس، مقداری با اینها گفت‌وگو کردم و مقداری هم شاید تند بود؛ نطق است دیگر، آن نطق است و من الان درست یادم نیست. آنجا مطرح کردیم که شما به چه مناسبت این کار را کردید؟ چون بعدش هم پس گرفتند! گفتم چرا از حرف‌تان برمی‌گردید؟ شما اگر کارتان اصولی بود، اگر واقعاً ما صلاحیت نداریم، چرا بعد دوباره چیز شد؟

هیچ موقع بازجوی رسمی نبودم. بعد از آنکه مدتی گذشت، خبردار شدیم آقای فهیم کرمانی (عضو وقت کمیسیون حقوقی مجلس) درباره ماجراهایی که در اوین می‌گذرد، گزارشی برای امام بردند یا دیگران شاید گزارش‌هایی بردند. امام به ایشان حکم دادند که برود اوین را بررسی کند؛ رفته بود، بررسی کرده بود و گزارشی برای امام آورده بود که این گزارش خیلی مورد رضا و رغبت امام نبود و به همین دلیل، امام از رؤسای سه قوه و پاره‌ای از دست‌اندرکاران کار قضائی به دفتر خودشان برای بررسی موضوع دعوت کردند. از من هم دعوت شده بود. گفتم من به چه مناسبت؟ گفتند چون شما یک مدتی آنجاها رفت‌وآمد داشتید؛ شما هم اطلاعاتی اگر دارید، مثلاً بیایید آنجا! در آن جلسه، رؤسای سه قوه بودند. آقای خامنه‌ای، آقای میرحسین موسوی، آقای موسوی اردبیلی، آقای محمدی‌گیلانی...، آقای لاجوردی، آقای فهیم و آقای هاشمی‌رفسنجانی به عنوان رئیس مجلس و دیگر قوه قضائیه هم که آقای موسوی‌اردبیلی و آقای محمدی‌گیلانی و یکی دو نفر دیگر که الان یادم نیست چه کسی بودند آن زمان، یادم رفته! مرحوم آقای مروی بود. آقای حاج احمدآقا هم بودند. ما وقتی وارد اتاق شدیم، امام نشسته بودند و یکی‌یکی می‌آمدند و دست ایشان را می‌بوسیدند و می‌نشستند. سکوت بر جلسه حاکم بود. همچنین خیلی هم امام ناراحت به نظر می‌رسیدند! امام از جهت همان گزارش‌هایی که به ایشان داده شده بود، خیلی عصبانی و ناراحت بودند؛ به خاطر موضوع جلسه بود. بعد هیچ‌کسی هم جرئت نمی‌کرد این سکوت را بشکند، فقط آقای هاشمی چون یک مقدار به اصطلاح رودربایستی‌اش با امام کمتر بود و خودمانی‌تر بود، به امام خطاب کرد که آقا یک چیزی بفرمایید، بالاخره یک چیزی و... امام خنده‌شان گرفت و امام خندیدند. خلاصه یخ جلسه باز شد. بنا شد مبحث مطرح شود. آقای فهیم شروع کرد به صحبت، گزارش را از ایشان خواستند و ایشان شروع کرد به گزارش‌دادن!

مبنای گزارش بدرفتاری بود. ایشان داشت توضیح می‌داد. جزئیات می‌حتی را که ایشان گفته، من اصلاً به خاطر نمی‌آورم. می‌دانم موضوع این بود که برخوردها، تعزیر، بازجویی و شدت عمل‌ها و این چیزها مطرح بود. آنجا آقای فهیم وقتی داشت توضیح می‌داد، رسید که بله آنجا تعزیرهایی که می‌کردند... وقتی اسم کلمه «تعزیر» برده شد، امام همان‌جا حرف ایشان را قطع کردند. گفتند: نگویید تعزیر بگویید «جنایت»! اینکه من می‌گویم برای این هستش که شما بعدها همین را قرینه بگیرید! چون بعضی‌ها به امام نسبت‌هایی می‌دهند بعدها در مورد قتل‌ها و فلان. من هنوز باور ندارم که این دستورات، دستورات امام بوده باشد؛ چون امام این روحیه را داشت که یک تعزیر از نظر ایشان جنایت بود! خوب، این داستان ادامه پیدا کرد؛ بحث‌هایی شد و یادم هست آن زمان آقای هاشمی مقداری با نحوه گزارش‌های آقای فهیم، خیلی موافق نبود و آقای حاج احمدآقا هم همین‌طور! امام امر به سکوت می‌کرد و می‌گفت که شماها چیزی نگویید. خلاصه صحبت‌هایی شد و در آنجا تصمیم گرفته شد که تعزیر دیگر به آن صورت نباشد و گفتند آخر هیچ‌ی هیچ‌ی نمی‌شود؛ بنا شد با طناب ببیچند مثلاً با طناب بزنند به جای آن کابل و اینها. مثلاً این‌طوری شد؛ چون توصیف کردند این کابل‌ها این‌طوری است، امام گفتند که نه هرگز این‌طوری نباشد و ادامه پیدا نکند و حتی همان تعزیرها هم بنا شد که با نظر بازجو نباشد با نظر دادستان باشد! یعنی قاضی و دادگاه، اگر او صلاح دانست یک تعداد معین بزنند! خوب این جلسه تمام شد و آمدیم. بعد از مدتی بر اثر گزارش‌های بعدی بدرفتاری‌ها و

ناجوریهایی که در زندان بوده، یک روز دیدیم به ما خبر دادند امام شما را خواسته‌اند. حاج احمدآقا گفت! رفتیم دیدیم دو نفر از دوستان دیگر ما آنجا هستند؛ آقای سیدمحمود دعاوی و آقای دکتر محمدعلی هادی. سه نفر بودیم، ما سه نفر را خواستند. نشستیم خدمت امام و ایشان گفتند که بله، برای من گزارش‌هایی از اوین آمده که آنجا در زندان‌ها آنقدر به بچه‌ها سخت می‌گذرد و خیلی خلاصه ناراحتی دارند از جمله این‌قدر جا تنگ است که کتابی می‌خوانند! و جایشان تنگ است و چیزهای دیگر. ایشان مشکلاتی را اشاره کرده بودند فقط به همین مقدار! گفتند به‌هرحال شما گزارش کاملی برای من بیاورید از زندان، نه فقط زندان اوین، بقیه زندان‌ها هم همین‌طور. ما دیگر از فردایش مطابق این حکم، رفتیم اول از اوین شروع کردیم. شب اولش هم برای ما فرمول کار روشن نبود که چکار باید بکنیم. کم‌کم دیگر راه افتادیم و فهمیدیم مثلاً چی هست و یک کاغذی داشتیم و دانه‌دانه هر اتاقی که می‌رفتیم ۲۰- ۳۰ نفر آدم در آن بودند، در اوین. فکر می‌کنم این سال ۶۱ بود و گزارش‌هایی می‌دادند از تنگی جا، از بدبودن وضع غذا، از ملاقات، از اذیت‌های دیگر و همه اینها را من یادداشت می‌کردم. خانم‌ها را هم رفتیم.

بیشتر تکیه روی رفتارهایی بود که زندانبان‌ها داشتند! در ملاقات، در رفت‌وآمد، در نحوه دست‌شویی‌رفتن، در کیفیت برخورد در زندگی روزانه آنها توی اتاق و چیزهای این‌طوری، خیلی چیزها بود که حالا خودش تفصیلی دارد! و شب ما روزهای اولی که رفتیم، آقای لاجوردی خیلی میدان نمی‌داد که ما هرکاری می‌خواهیم بکنیم، مرتب اطلاع می‌دادیم به دفتر امام از طریق حاج احمدآقا، حاج احمدآقا به امام منتقل می‌کرد.

خلاصه دوباره احمدآقا زنگ می‌زد به آقای لاجوردی که امام گفتند اینها هرجا بخواهند بروند باید بروند، اتاق پرونده‌ها، هرجا! البته ایشان می‌خواست ماها را تنها نگذارند برویم توی اتاق‌ها و ملاقات کنیم و می‌گفت خطر دارد؛ ما می‌گفتیم شما خیلی نگران خطر نباش. می‌خواست خودش هم حضور داشته باشد، ما گفتیم نه، با حضور شما نمی‌شود. زندانی‌ها هم خیلی می‌ترسیدند جلوی آنها حرفی بزنند، شب با ما صحبت می‌کردند، صحبت‌های زیادی می‌کردند زندانی‌ها، ناراضی هم بودند، ناامید هم بودند، ماها را اصلاً تحویل نمی‌گرفتند، می‌گفتند شما برای چی آمدید؟ از این گروه‌ها زیاد آمدند و رفتند! ما برای اینکه نظرشان جلب شود و اطمینان کنند، دو مطلب به اینها می‌گفتیم که احساس می‌کردند دروغ نمی‌تواند باشد! می‌گفتند آمده‌اید اینجا چه کار کنید؟ چه کار می‌توانید برای ما بکنید؟ گفتیم ما فقط مأمور هستیم گزارش تهیه کنیم و هیچ قولی به شما نمی‌دهیم. اینکه قول بیخودی بدهیم نه؛ اما دو تا قول را قطعاً به شما می‌دهیم، یک: این گزارش‌ها را مستقیم به امام می‌رسانیم، دو: نمی‌گذاریم این گزارش‌ها را آقای لاجوردی ببیند.

آن زمان احساس ما این بود که آقای خامنه‌ای با عملکرد ما و این گزارش‌هایی که تهیه می‌کنیم خیلی موافق است. ما گزارش‌هایمان را داشتیم جمع می‌کردیم و هنوز دنبال جمع‌بندی و اینها بودیم، چهار، پنج روز نگذشته بود حاج احمدآقا زنگ زد که امام از دست شما عصبانی است و می‌گوید چرا اینها گزارش نمی‌آورند؟ گفتیم بابا اول کار است، بگذارید... گفتند نه، امام نگران است و می‌گوید زود گزارش را بیاورید و به ما بدهید... من به دوستان گفتم امام معمولاً طبع‌شان این است، گزارش را که می‌بریم ممکن است از خود ما هم بپرسند که شب پیشنهادهاییان چیست؟ روی پیشنهادها هم فکر کنیم که چه باید بگوییم؟ فکری می‌کردیم که البته خیلی کارساز نبود! مثلاً برای تنگی جا کارساز نبود... گزارش‌دهنده بیشتر من بودم و در کاغذی هم گزارش را مکتوب داده بودیم خدمت امام؛ همین‌طور که پیش‌بینی می‌شد برسیدن پیشنهادتان چیست؟ گفتیم پیشنهاد خیلی سازنده‌ای نداریم، برای تنگی جا یکی این است که کوشش شود حتی‌المقدور زود پرونده‌ها به جایی برسد و عده‌ای آزاد شوند و بعد هم ساختمان ساخته شود. ظاهراً راه دیگری به نظر نمی‌آید، تنگی جا همین دو راه را دارد... نمی‌دانم چه اندازه اعمال شد، من خبر ندارم؛ ولی ظاهراً اوضاع خیلی تغییری نکرد.

از چیزهایی که برای ما جالب بود، این بود که تقریباً اکثر اتاق‌هایی که ما می‌رفتیم که احساس کرده بودند و یک خرده خودمانی شده بودند و اعتمادی به ما کرده بودند، تقریباً به ما گفتند ما خواهش داریم از شما که این گزارش را که تهیه می‌کنید سری به حیاط بزنید آن زمانی که زندانی‌ها می‌آیند آنجا برای تنفس. نوبتی بود اتاق به اتاق، و دو ساعت به هرکدام تنفس می‌دادند. گفتیم چه چیزی شب بگویید. گفتند نه، خودتان بروید ببینید نمی‌گوییم چیست خودتان بروید ببینید؛ ما بالاخره یک روز وقت مخصوص برای این کار گذاشتیم و سه نفری رفتیم توی حیاط و ایستادیم؛ نوبت فلان بند شد، مثلاً ۲۰ نفر، ۲۵ نفر بودند آمدند توی حیاط در آن قسمتی که برای اینها در نظر گرفته شده بود، دیدیم اول کار آن مبصر کلاس‌شان اینها را جمع کرد و گفت اول باید سرود «خمینی ای امام» را بخوانید: «خمینی ای امام، خمینی ای امام!» شروع کردند به خواندن. اصلاً قبول نداشتند اما مجبور بودند که این کار را باید بکنند به اجبار! خواندند و بعد هم آخرش تکبیر!

از آن طرف هم به ما می‌گفتند که آقا سیگار هم به ما نمی‌دهند! نمی‌گذارند سیگار بکشیم! ما به آقای لاجوردی گفتیم چرا سیگار به اینها نمی‌دهید؟ ایشان گفتند شب برایشان ضرر دارد! گفتیم آقا شما مگر ضامن ضرر و زیان اینها هستید؟ دل شما برای ضرر اینها سوخته است؟ شب ضرر دارد به عهده خودشان! سیگار می‌خواهند، به این‌ها بدهید، چه کار دارید؟ خلاصه یک عذرهایی می‌آورد؛ ما وقتی گزارش به امام می‌دادیم، من این دو موضوع را برای امام مطرح کردم! آنقدر امام عصبانی شدند از این ماجرا، تا شنیدند، همان‌جا یک لحظه نگذشت، خطاب به احمدآقا گفتند: احمد! همین الان زنگ بزن به اوین بگو سرود باید قطع شود، سیگار هم باید به همه داده شود! ما فردایش که رفتیم اوین دیدیم همه راضی و خوشحال هستند از این کارها که یک سیگار به اینها داده می‌شود.

البته آقای سیدحسین موسوی‌تبریزی هم همان‌جا بود. ایشان دادستان انقلاب اسلامی تهران بود، دادستان انقلاب بود، آنجا امام رو کردند به آقای موسوی که ایشان را عوض کنید، آقای لاجوردی را؛ جلوی خود ما گفتند. گفتند ایشان شب البته زجرکشیده هست، آقای لاجوردی انقلابی است؛ ولی به‌هرحال الان بالاخره ایشان را عوض کنید. ایشان هم گفت چشم و ایشان را عوض کرد. آقای لاجوردی برداشته شد. یکی، دو روز بعدش که ما به اوین رفت و آمد می‌کردیم دیدیم تعدادی از بچه‌ها و دوستان خود آقای لاجوردی دارند جعبه شیرینی می‌آورند و بین همه شیرینی پخش می‌کنند! گفتیم ماجرا چیست؟ گفتند آقای لاجوردی برگشته! داستان چیست؟ فهمیدیم که در این فاصله، در تلویزیون البته با انگیزه حمایت از آقای لاجوردی آن فیلم را دوباره نشان داده‌اند، آن فیلمی بود که دو، سه نفر از بچه‌های کمیته را گرفته و شکنجه کرده بودند که شب چند سال از این ماجرا گذشته بود و نشان هم داده بودند، دوباره نشان دادند که ما تعجب کردیم به چه دلیلی دوباره این مطرح شده است؟ من یک حدسی در ذهنم آمد؛ ولی خیلی بعید دانستم که این باشد، بعد فهمیدیم که نخیر همین بوده! رفته بودند که امام را بالاخره به این فکر بیندازند که ایشان صلاح نیست برداشته شود، اگر در این موقعیت برداشته شود منافقین جری می‌شوند و بالاخره نظری بود!

آن موقع مدیر تلویزیون آقای محمد هاشمی بود! خلاصه ایشان را برگرداندند یعنی از امام خواستند که مصلحت است که ایشان برگردند.

اصلاح‌طلبی حالا اگر هستیم، ولی اصلاح‌طلبی یک معنا ندارد! الان شب متأسفانه بعضی‌ها که بلندگوهای قوی‌ای در اختیارشان هست به نام اصلاح‌طلبان حرف‌هایی می‌زنند که معلوم نمی‌شود از کجا می‌گویند! یک فرد به نام اصلاح‌طلبان حرف می‌زند اینجا و آنجا. ما بلندگوی نداریم که حرف‌مان را بزنیم. آنها بلندگو دارند ما نداریم. روزنامه‌های مزبور در اختیارشان است در اختیار ما نیست همین‌طور در سایت‌ها و رسانه‌های دیگر. بعد هم که شب حرف را که همیشه و هر روز نمی‌شود هی تکرار کرد و زد! و کار عدالت، خیلی مشکل است.

به عقیده من، در این شرایطی که ما الان داریم هر دولتی سر کار بیاید یکی از وظایف مبرمش این است که به سوریه کمک کند، به فلسطین، به غزه، به لبنان، به یمن کمک کند.

اصلاً برایم مهم نیست که تنها بمانم؛ در همه زمینه‌ها، بارها گفتم که در زمینه اظهار نظر، تا آنجایی که صلاح می‌دانم بگویم یعنی فکر می‌کنم گفتنش مفید است.

دوباره کاندیدای نمایندگی دوره ششم من کاندیدا شدم البته به اصرار دوستان! خودم نمی‌خواستم. به اصرار پاره‌ای از دوستان این کار را کردیم و اسم‌نویسی کردیم و اسم ما در لیست اصلاح‌طلبان آمد... اینکه چطور شد اسم من در لیست اصلاح‌طلبان آمد، به خاطر همین سفارش و به اصطلاح فشاری بود که آقای کروبی آوردند.

از تصمیم تحصّن اصلاً اطلاع نداشتیم از اول! تا آن لحظه‌ای که شروع شد. هرچه بود بدون مشورت با ما بود... فقط دیدیم که یک عده از مجلس دارند بیرون می‌روند. ما فکر کردیم یک اتفاقی در بیرون افتاده و ما هم بعد از مدتی رفتیم بیرون ببینیم چه اتفاقی افتاده؟ مثلاً طوری شده که اینها همه می‌روند هجوم می‌آورند به بیرون که ببینند واقعه‌ای اتفاق افتاده که بروند ببینند؟ رفتیم و از این و آن پرسیدیم، بعد از پرس‌وجو فهمیدیم که بله داستان، داستان یک چنین تصمیمی است. ما هیچ خبر نداشتیم. حالا جالب هم این است که چون ما آمدیم بیرون آن زمان چون روزنامه کیهان همه را دیده بود ما را هم به عنوان تحصّن‌کننده آنجا معرفی کرد چون دید ما آمدیم بیرون، خبر نداشت که ما برای چه آمدیم بیرون؟ می‌خواهم بگویم که یک چنین مسائل حاشیه‌ای هم وجود داشت! حالا این البته اهمیت نداشت که آنها چه تصویری کردند. بعد که فهمیدیم این هست، ما بعد از اندکی برگشتیم آمدیم تو و نشستیم و آنها هم که تحصّن کرده بودند رفتند و این شروع تحصّن و اعلام تحصّن بود به اصطلاح و کلید خورد! از فردای آن روز ظاهراً قراری که آنها گذاشتند این بود که تحصّن آنجا به معنی این باشد که در مجلس و کارهای مجلس بپایند شرکت کنند ولی در بعدازظهرها بروند آنجا و در آن قسمتی که آنجا هست تریبونی بگذارند و بلندگوی و از خبرگزاری‌ها دعوت کنند شروع کنند به سخنرانی و بالاخره سخن‌پراکنی و اظهارنظر و تحلیل و این چیزها؛ و رسانه‌های دنیا بپایند آنجا فیلم‌برداری کنند و در همه دنیا منعکس شود و احیاناً بالاخره اتفاقاتی بیفتد و آنها تصور می‌کردند که شب اتفاقاتی هم خواهد افتاد!

البته این اتفاقات هیچ‌کدام نیفتاد برخلاف تصور آنها! دیگر طبعاً کار به جایی رسید که آقای کروبی و آقای خاتمی هم رسماً اعلام مخالفت کردند با این کار و گفتند زودتر بشکند و چند روزی مقاومت کردند و بعد هم شکستند؛ تمام شد!

بعد از دوره ششم تقریباً چند ماه، چندین جلسه هفتگی در دفتر آقای کروبی گذاشته بودیم؛ ترکیبی از همه احزاب و بعضی هم غیر احزاب؛ که مبنای این جلسه، آسیب‌شناسی مسئله بود که بینیم چه حادثه‌ای اتفاق افتاده است؟ که متأسفانه آن جلسه ادامه پیدا نکرد. مباحثش هم ضبط می‌شد در همان‌جا که حاج‌خانم کروبی ضبط در اختیارش بود که من چند وقت پیش -پارسال بود- که رفته بودم منزلشان برای دیدن، پرسیدم آن ضبط‌ها کجاست؟ گفتند بردند. آن مذاکرات هست؛ اگر یک روزی دوباره بشود آن مذاکرات را به دست آورد حرف‌هایی که آنجا گفته شده؛ حرف‌های بسیار مهم و خوبی گفته شده در آسیب‌شناسی که ما چه کردیم و چه عواملی باعث شد که انتخابات به این شکل درآمد. قاعدتاً وقتی اصلاحات با گفتمانی که از نظر ما یک گفتمان مردم‌پسند و پیشرفته است وقتی فرصتی برایش پیش می‌آید که هشت سال دولتش سر کار است و چهار سال مجلسش هر حرفی می‌خواهد می‌گوید این نباید به این زودی طومارش بسته شود؛ قاعدتاً باید ادامه پیدا کند، درست است؟ چون بالاخره یک فرهنگ است، یک اندیشه است که دارد در جامعه مطرح می‌شود، مطرح بوده و روی آن تأکید می‌شود. مردم بیشتر آشنا می‌شوند؛ قاعده‌اش این است که انتخابات مجلس هفتم خیلی باکیفیت‌تر باشد از لحاظ طیف اصلاح‌طلبی و دولت بعدی یک دولتی باشد یا شبیه دولت به اصطلاح همان دو دوره اصلاح‌طلبان یا یک کمی حالا متفاوت! اما اتفاقی که افتاد مجلس هفتم آن‌جور مجلس و دولت بعدی هم دو دور آن دولت با آن تفاوت‌های فاحش با این اندیشه‌ها اینها چی را ثابت می‌کند؟

درست است که بسیاری از افراد دسته‌اول مثلاً اصلاح‌طلبان را رد صلاحیت کردند در انتخابات دوره هفتم، ولی رده‌های دوم و سوم هم بودند چرا آنها رأی نیاوردند؟ چرا؟ چرا مثل این مجلس که می‌گویند رده‌های دوم و سوم رأی آوردند و تا حدودی بعضی از آقایان به آن امیدوار هستند چرا این اتفاق شبیه الان نیفتاد؟ چرا آن دولت آمد؟ آن دولت چطوری شد که رأی آورد؟... حاصل سرخوردگی مردم از رد صلاحیت‌ها نبود...دلیلش تفرقه بود. تفرقه و البته عامل تفرقه چه بود؟ چرا یک عده‌ای آمدند با اینکه دیدند اینها هستند، رفتند کاندیدای دیگری آوردند.

در شورای اول ما هر کسی را که دلمان می‌خواست کاندیدا کردیم رأی هم آورد... نمی‌خواهیم راجع به اشخاص و افراد... صحبت‌هایی کردند، صحبت‌هایی علیه همدیگر، رودررویی‌هایی و درعین‌حال مردم نتیجه گرفتند که حالا البته مردم هم خودشان نه، بالاخره تبلیغات و گفت‌وگوها مؤثر است.

=====

دانشگاه دوستی ملل روسیه

از ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ آزاد

دانشگاه دوستی ملل روسیه	
Peoples' Friendship University	
تأسیس	۵ فوریه ۱۹۶۰ میلادی
نوع	سراسری (دولتی)
رئیس	ولادیمیر فلیپوف
دانشجویان	بیش از ۲۵۰۰۰
مکان	مسکو، فدراسیون روسیه
وبگاه	http://www.rudn.ru/

دانشگاه دوستی ملل روسیه یا **دانشگاه دوستی خلق روسیه** (روسی: Российский университет дружбы народов، انگلیسی: People's Friendship University of Russia) واقع در شهر مسکو پایتخت فدراسیون روسیه در فوریه ۱۹۶۰ میلادی در دوران اتحاد جماهیر شوروی تأسیس شد. این دانشگاه تا سال ۱۹۹۲ میلادی و تا قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، پاتریس لومومبا نام داشت. این دانشگاه در منطقه جنوب غرب شهر مسکو و در خیابان میکلوخا ماکلاپا قرار دارد.^[۱] ^[*منابع ویرایش*]

1. پرسش به بالا http://www.rudn.ru/#pagec=13

شاهکار جدید تلویزیون علیه روحانی!

در حاشیه تحریف سخنان رئیس جمهور در شبکه خبر، احمد رضا کاظمی این طنز را در روزنامه قانون منتشر کرد.

استرپ TV

احمد رضا کاظمی

روحانی: چند بار به قوه قضاییه [برای کار] «دعوت» شدم ولی ترسیدم بروم
زیر نویس صداوسیما: چند بار به قوه قضاییه «احضار» شدم ولی ترسیدم بروم

در حاشیه تحریف سخنان ریسی جمهور در صداوسیما



کابینه دولت دوازدهم؛ وزیر دفاع جدید کیست؟ | وزیر دفاع از ارتش می آید یا سپاه؟ | افشاگری جدید حضرتی



Elyas Hazrati
@elyashazrati

#تغییرات_احتمالی_کابینه :

رئیس جمهور به دنبال انتخاب وزیر دفاع از
میان یکی از فرماندهان ارتش هستند.

۱۱:۱۱، ۲۰۱۷/۷/۳

کابینه دولت دوازدهم | انتخاب وزیر دفاع کابینه دولت دوازدهم، موضوع توییت جدید الیاس حضرتی است. او در ادامه افشاگری های روزهای گذشته اش درباره کابینه دولت دوازدهم، خبر داده که روحانی می خواهد یک فرمانده ارتش را برای وزارت دفاع دولت دوازدهم انتخاب کند.

کابینه دولت دوازدهم | انتخاب وزیر دفاع کابینه دولت دوازدهم، موضوع توییت جدید الیاس حضرتی است. او در ادامه افشاگری های روزهای گذشته اش درباره کابینه دولت دوازدهم، خبر داده که روحانی می خواهد یک فرمانده ارتش را برای وزارت دفاع دولت دوازدهم انتخاب کند. الیاس حضرتی، نماینده تهران در صفحه تویتر خود نوشته است که رئیس جمهور به دنبال وزیر دفاعی از میان فرماندهان ارتش است.

به گزارش آفتاب الیاس حضرتی دیروز هم خبر داده بود **واعظی می خواهد جایگزین ظریف در کابینه دولت دوازدهم شود!**

نماینده ولی فقیه در اصفهان نسبت به آنچه "بدحجابی" خواند انتقاد کرد و گفت:
"من به عنوان رئیس ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر استان اعلام می‌کنم
دیگر کاری از ما بر نمی‌آید."

به گزارش رادیو فرانسه، طباطبایی گفته: "عکس‌هایی به دفتر من رسیده است که
زنان در کنار زاینده‌رود مثل اروپا عکس گرفته‌اند همین کارها را می‌کنید رودخانه
خشک می‌شود."

نماینده رهبر جمهوری اسلامی درباره حضور زنان در شبکه‌های اجتماعی نیز گفت:
"به وزارت ارتباطات و مخابرات می‌گویم اگر می‌توانید با سردسته شبکه‌هایی که
موجب بی‌عفتی می‌شوند برخورد کنید اگر این کار را نکنید رسالت خود را انجام
نداده‌اید، مخابرات می‌تواند این افراد را پیدا و آنها را خفه کند."

.....

آیت الله علوی بروجردی دور روز پیش در دیدار شیخ خالد مطر التمیمی، مسئول گروه حقوق دانشگاه بحرالعلوم نجف، گفته بود: "ما امروز در حوزه‌ها نیاز داریم که فقه حقوق انسان را تدوین و تدریس کنیم. حتی این مشکل را در خود ایران هم داریم. بهایی‌ها مسئله ما هستند. با بهایی‌ها چه کنیم؟ بر اساس مبانی خود اسلام هم اینها شهروند هستند و حقوقی دارند. **ما حق کشتن و حبس آنان را به جرم عقیده نداریم. آنها حق زندگی دارند و حقوق انسان در فقه، موضوع مستقلى است.**"

این روحانی بلندپایه با تأکید بر اینکه "باید در حوزه‌ها بحثی راجع به حقوق انسان به طور جدی راه بیندازیم. این نیاز به تألیف و مکتوباتی دارد که آقایانی که در این راه تلاش کردند حتماً باید همت کنند"، گفته بود: "متأسفانه ما نتوانستیم آنچه را امروز به عنوان حقوق بشر مطرح است به دنیا بشناسانیم."

آیت الله علوی بروجردی به نقل از کلام امام علی، **امام اول شیعیان در عهدنامه مالک اشتر، تأکید کرده بود که "اگر کسی برادر دینی تو نباشد و به خدا یا هیچ مذهبی معتقد نباشد باز هم شهروند است و حقوقی دارد"**، و گفته بود "این را امام علی 1400 سال پیش گفته است؛ یعنی **هنگامی که در اروپا اصلاً بحثی درباره حقوق بشر مطرح نبوده است.** ما این حقایق را در کلام ائمه داریم" و البته "ما امروز به منشور کوروش هم افتخار می‌کنیم و البته این منشور افتخارآمیز هم هست و در عصر خودش خوب است."
..... و اما در سایت آیت الله اینطور نوشته شده انهم روز بعد!

یک روز بعد انتشار سخنان و تأکید این روحانی بلندپایه درباره "حقوق شهروندی بهائیان" در سایت رسمی حوزه علمیه قم، دفتر آیت الله علوی بروجردی با انتشار اطلاعیه ای ضمن اشاره به اینکه "به دنبال پاره ای سؤالات از این دفتر پیرامون بیانات آیت الله علوی بروجردی در دیدار با الشیخ خالد مطر التمیمی مسئول گروه حقوق دانشگاه بحرالعلوم نجف اشرف و انعکاس آن در خبرگزاریها و سایتهای خبری" لازم دیده تا اعلام کند که "بهائیت همانند وهابیت و قادیانی از مذاهب ساخته و پرداخته قدرتهای استعماری در میان جوامع مسلمان" می‌داند.
در این اطلاعیه البته تأکید شده است که "**مطالب مطرح شده در دیدار با شیخ خالد مطر التمیمی مسئول گروه حقوق دانشگاه بحرالعلوم نجف در مقام تبیین کلام امام علی خطاب به مالک اشتر نخعی بوده است که شرح حقوق انسانها فارغ از هر عقیده است**" اما "شامل موارد ترتب عناوینی چون اضلال، افساد و ارتداد" نیست.

دفتر آیت الله علوی بروجردی همچنین در اطلاعیه خود اعلام کرده که "حق شهروندی از نظر حقوقی همان حق تابعیت است که برای همه متولدین در هر کشور در قوانین اساسی در نظر گرفته شده، و در قانون اساسی ما نیز به رسمیت شناخته شده است. و مراد از آن حمایت از ارباب جرم و مصونیت از حدود شرعی و قانونی نیست. و تجلیل از منشور کوروش تجلیل از مردمی است که با چنین تفکر و تمدن و میراثی اسلام را در آن روزگار جهل و ظلمت با شیفتگی پذیرفتند و در اندک زمانی خود میراثدار اسلام در همه فنون و علوم شدند و در نهایت خیمه در آب و گل مزرعه اهل بیت معصومین زدند و عاشقانه بر تحفظ بر میراث غنی و بینظیر آنان پای فشردند، و در این راه مظلومانه خونها دادند و هزینه ها پرداختند و هنوز می پردازند."

« انتقاد علی‌لاریجانی از محسنی اژه‌ای؛ سرمایه‌گذاران را از کشور فراری ندهیم

یکشنبه، ۱۱ تیر، ۱۳۹۶

چکیده: سرمایه‌گذاران باید مطمئن شوند که قوه قضاییه پشت آنها است. آنان باید دلگرم شوند به هنگام مشکلات سرمایه حذف می‌شود، نباید در کشاکش رسانه‌ها افتاد، برادر عزیزم آقای محسنی‌اژه‌ای حرف‌هایی که سرمایه‌گذاران را از کشور فراری می‌دهد بیان نکنیم. نباید در دامن رسانه‌ها افتاد. مسائل را در محافل خصوصی حل و فصل کنید، مسائل تنش‌زا مطرح نکنید مردم باید احساس سکینه کنند

علی لاریجانی در همایش سراسری قوه قضاییه در سالن اجلاس با انتقاد از سخنان محسنی اژه‌ای درباره سرمایه‌گذاران گفت: برادر عزیزم آقای محسنی‌اژه‌ای حرف‌هایی که سرمایه‌گذاران را از کشور فراری می‌دهد بیان نکنیم.

رئیس مجلس با اشاره به سخنرانی رئیس‌جمهور در این همایش به شوخی عنوان کرد: اگر جای رئیس قوه قضاییه بودم از پیشنهاد رئیس‌جمهور در مورد تعطیلی دو روزه قضات در هفته استقبال می‌کردم.

لاریجانی با اشاره به اینکه برخی افراد با درشتی نسبت به شهید بهشتی صحبت می‌کردند و بعدها عوض شدند و حتی عضو حزب جمهوری شدند، یادآور شد: ایشان با این روش در مقابل دشمنان سرسخت و شجاع بودند و نسبت به دوستانی که کاستی در بینش و تحلیل داشتند، مدارا می‌کردند و این سیاستی بود که کارآمد بود. مدارای ایشان کارساز بود و امروز هم ما به این سبک نیاز داریم.

رئیس قوه مقننه با تاکید بر اینکه گاهی خطبازی‌ها در داخل کشور به منزله تیراندازی به دوستان است تا دشمن، گفت: این خطای استراتژیک است که ما جای دوست و دشمن را اشتباه بگیریم.

او با تاکید بر اینکه باید حواشی را کاهش دهیم و همه باید مسئول باشیم، گفت: در صحبت‌ها و مصاحبه‌ها باید تلاش کنیم این حواشی این کاهش پیدا کند.

رئیس مجلس خاطرنشان کرد: سرمایه‌گذاران باید مطمئن شوند که قوه قضاییه پشت آنها است. آنان باید دلگرم شوند به هنگام مشکلات سرمایه حذف می‌شود، نباید در کشاکش رسانه‌ها افتاد، برادر عزیزم آقای محسنی‌اژه‌ای حرف‌هایی که سرمایه‌گذاران را از کشور فراری می‌دهد بیان نکنیم. نباید در دامن رسانه‌ها افتاد. مسائل را در محافل خصوصی حل و فصل کنید، مسائل تنش‌زا مطرح نکنید مردم باید احساس سکینه کنند.

« انتقاد روزنامه جمهوری اسلامی از سخنان سخنگوی قوه قضاییه علیه دولت در نماز جمعه تهران

چکیده: اگر جناب‌عالی با شامه تیز و تجربیات طولانی خود در حوزه امنیت، فقط به خاطر یک انتقاد ساده از نحوه عملکرد اقتصادی نهادی انقلابی، خبر از فتنه و توطئه جدید می‌دهید پس چگونه بود وقتی رئیس‌جمهور سابق عبارت زننده "برادران قاچاقچی" را بکار برد، احساس فتنه نکردید؟

روزنامه جمهوری اسلامی نوشت:

هفته قوه قضائیه گذشت و آنقدر که بنی صدر مطرح شد، بهشتی نشد، زیرا برای این ملت دیگر تمام شده بود اما پروژه شبیه سازی شرایط کنونی با حوادث آن دوران، موجب گردید برای نسلی که این حوادث و اسامی را در کتاب‌های تاریخ خوانده بودند و یا از زبان پدر و مادران خویش شنیده‌اند، انگیزه‌ای برای ورود پیدا کنند و متأسفانه فریب‌های دنیای مجازی برای آنها چهره دیگری می‌سازد. و برای همین باید نوشت: "بهشتی باز مظلوم".

اگر این شبیه سازی‌ها منحصر به همان شعارهای روز قدس و مداحی سیاسی عید فطر و نشریاتی که به مقایسه رفتار بنی صدر با رئیس‌جمهور کنونی می‌پرداختند، محدود می‌شد خیلی جای نگرانی نبود اما با گفته‌های سنگین سخنگوی دستگاه قضا چه باید کرد؟

ایشان در قالب بیان تاریخ و شرح خصوصیات بنی صدر و اینکه او مغرور به رای مردم نهادها را تخریب می‌کرد به زمان حال نقبی می‌زنند و می‌فرمایند: "در داخل بعضا از لسان مسئولان ملت، نهادهای انقلابی، سپاه و دستگاه قضایی تحقیر می‌شوند، امروز تخریب علیه این نهادها شدت گرفته، به تجربه گذشته که نگاه می‌کنیم یک توطئه و فتنه جدید در راه است یک اقدام جدید در پیش است..." اکنون که یک مقام رسمی کشور و یک چهره امنیتی شاخص بطور زنده با جهان سخن می‌گوید، این نگرانی تقویت می‌گردد که جریان‌ی مصمم است جامعه را به سمت و سوی اختلاف و رودرویی ببرد، آن هم در شرایط حاد تهدیدات ترامپ و شیوخ مرتجع منطقه بر علیه کشورمان.

شاید لازم باشد سخنگوی محترم دستگاه قضا به چند سؤال ساده یک شهروند جواب دهند:

۱- منش و شیوه رفتار شهید بهشتی حتی در قبال بنی صدر، دعوت به آرامش و وحدت بود. آیا جناب‌عالی با مرور سخنان خود چنین برداشتی دارید؟

۲- منظور از مسئولینی که نهادهای انقلابی و قوه قضائیه را تخریب می‌کنند کیستند؟ اگر ضد انقلاب باشد که واقعه جدیدی نیست ولی اگر خدای ناکرده کنایه به رئیس‌جمهور مستقر و منتخب اکثریت ملت است، باید درپیشگاه خداوند متعال و مردم پاسخگو بود. زیرا هیچ سندی وجود ندارد که ایشان نهادهای انقلابی و قوه قضائیه را تخریب کرده باشند.

۳- اگر جناب‌عالی با شامه تیز و تجربیات طولانی خود در حوزه امنیت، فقط به خاطر یک انتقاد ساده از نحوه عملکرد اقتصادی نهادی انقلابی، خبر از فتنه و توطئه جدید می‌دهید پس چگونه بود وقتی رئیس‌جمهور سابق عبارت زننده "برادران قاچاقچی" را بکار برد، احساس فتنه نکردید؟

و نهایتا باید گفت شرایط امروز هیچ شباهتی به سال ۶۰ ندارد مسئولان کشور همه انقلابی و یکپارچه زیر چتر قانون و ولایت هستند و در میان آنها حتی یک نفر نیست که با سپاه یا هر نهاد دیگری که جناب‌عالی در قیاس با حوادث اوایل انقلاب بیان کردید، کوچکترین زاویه‌ای در مشروعیت و تلاش برای استحکام آن داشته باشد. پس هدف از این بیانات چیست؟ چرا مردم باید همواره در ترس و نگرانی از آینده باشند؟ همان گونه که رهبر انقلاب فرمودند اجازه دهید دولت جدید هرچه زودتر مستقر شود و با همکاری همه نهادها بویژه قوه قضائیه برای پیشرفت کشور و آرامش مردم تلاش نماید.

« اسناد همراهی آمریکا با حملات شیمیایی عراق علیه ایران

پنج شنبه، ۸ تیر، ۱۳۹۶

چکیده: حمله شیمیایی عراق به سردشت، ۹ ماه پس از آن صورت گرفت که واشنگتن، تلاش اکثریت اعضای شورای امنیت را برای صدور یک بیانیه در محکومیت استفاده از سلاح های شیمیایی از سوی عراق ووتو کرد. تصمیم دولت ایالات متحده برای حمایت از عراق، در دستورالعمل امنیت ملی شماره ۱۱۴ ایالات متحده به تاریخ ۲۶ نوامبر ۱۹۸۲ توضیح داده شده و تصریح دارد باید با استفاده از "هر اقدام لازم و قانونی" جلوی شکست عراق در مقابل ایران گرفته شود

حسین باستانی:

دیروز سی امین سالگرد حمله شیمیایی ارتش عراق به شهر گردنشین سردشت در ۷ تیر ۱۳۶۶ است. این حمله هزاران مصدوم و بیش از ۱۱۰ کشته بر جای گذاشت. با وجود حملات شیمیایی مکرر عراق علیه نیروهای ایرانی، واقعه سردشت نخستین مورد حمله شیمیایی به یکی از شهرهای ایران بود.

"مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس" سال پیش، در گزارشی یادآوری کرد که در پی بمباران سردشت، ایران اخبار این حمله را رسانه‌ای نکرد چون نگران بود سبب "ایجاد ترس و وحشت عمومی" شود. رسانه‌ای نشدن ماجرای سردشت در ایران باعث شد تا این واقعه، عمدتاً از دید افکار عمومی پنهان بماند. در چنین فضایی، تعجبی ندارد که در منابع موجود درباره جنگ ایران و عراق، اشارات مختصری به حمله شیمیایی سردشت شده است.

پوشش رسانه‌ای بسیار ناچیز ماجرای سردشت در داخل ایران، در شرایطی بود که قدرت‌های جهانی نیز انگیزه‌ای برای برجسته کردن تخلفات جنگی عراق نداشتند.

حمله به سردشت، ویژه در بستری از بی تفاوتی ایالات متحده نسبت به استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران صورت گرفت. بی تفاوتی همراهان‌های که مدتی بعد، به بمباران شیمیایی حلبچه با بیش از ۵ هزار کشته منجر شد.

حمله شیمیایی عراق به این شهر، مشخصاً ۹ ماه پس از آن صورت گرفت که واشنگتن، حتی تلاش اکثریت اعضای شورای امنیت را برای صدور یک بیانیه (و نه قطعنامه) در محکومیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق ووتو کرده بود.

گزارش حاضر، مروری دارد بر نقشی که دولت آمریکا، در سکوت جامعه جهانی در مقابل استفاده صدام حسین از اسلحه شیمیایی علیه ایران بازی کرده است.

اطلاع آمریکا از فعالیت های شیمیایی عراق

شش ماه مانده به سرنگونی حکومت صدام حسین، جورج بوش در بخشی از سخنرانی ۷ اکتبر ۲۰۰۲ خود در توجیه حمله به عراق گفت: "صدام حسین دستور انجام حملات شیمیایی علیه ایران و بیش از ۴۰ روستای عراق را داد. این حملات، منجر به کشته و زخمی شدن حداقل ۲۰ هزار نفر شد."

استفاده عراق از سلاح های شیمیایی علیه ایران، موضوعی نبود که دولت ایالات متحده به تازگی در جریان آن قرار گرفته باشد. با وجود این، واشنگتن تا زمانی که جنگ ایران و عراق ادامه داشت، درعمل مخالفتی با استفاده صدام حسین از اسلحه شیمیایی نشان نداد.

نشریه فاینانشال تایمز در ۲۳ فوریه ۱۹۸۳، به گزارشی از سازمان اطلاعات نظامی ایالات متحده (دی آی ای) در سال ۱۹۸۰ اشاره دارد که مطابق آن، بغداد حتی از پیش از پیروزی انقلاب ایران، یعنی از اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی، "فعالانه" در صدد به دست آوردن سلاح های شیمیایی بوده است.

عراق از سال ۱۹۸۲، که ایران پس از آزادی خرمشهر وارد خاک این کشور شد، به استفاده از سلاح های شیمیایی علیه ایرانی ها پرداخت و در سال ۱۹۸۳، استفاده از این سلاح ها را به میزان قابل ملاحظه ای افزایش داد.

روزنامه واشنگتن پست، در گزارشی در ۴ سپتامبر ۲۰۱۲، یادآوری کرده که دولت رونالد ریگان نیز از سال ۱۹۸۳ و به دنبال تلاش های ایران برای تصرف بصره، مصمم شده بود جلوی پیروزی تهران را در جنگ بگیرد.

تصمیم دولت ایالات متحده برای حمایت از عراق، در دستورالعمل امنیت ملی شماره ۱۱۴ ایالات متحده به تاریخ ۲۶ نوامبر ۱۹۸۲ توضیح داده شده و تصریح دارد باید با استفاده از "هر اقدام لازم و قانونی" جلوی شکست عراق در مقابل ایران گرفته شود.

بنا بر یک گزارش تحقیقی نشریه آمریکایی فارین پالیسی در ۲۶ اوت ۲۰۱۲، مصاحبه با افسران سابق اطلاعاتی آمریکا و اسناد سازمان سیا که در همین سال از طبقه بندی محرمانه خارج شده نشان می دهند آمریکایی ها از آغاز ۱۹۸۳ به "شواهد قطعی" استفاده عراق از سلاح های شیمیایی دسترسی داشته اند.

روزنامه نیویورک تایمز در ۳۰ مارس ۱۹۸۴، از قول مقام های اطلاعاتی نوشته است بر مبنای "شواهدی که خدشه ناپذیر به نظر می‌رسند" عراق در جنگ با ایران "از گاز اعصاب استفاده کرده و ساخت مراکز بزرگ را برای تولید انبوه گازهای کشنده شیمیایی به پایان رسانده است".

همچنین بعد از بمباران شیمیایی حلبچه (در اکتبر ۱۹۸۸)، کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا گزارشی را تحت عنوان "استفاده از سلاح های شیمیایی در کردستان: آخرین حمله عراق" منتشر کرده که تصریح دارد بین سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۸ "عراق به طور مستمر و موثر از گازهای سمی علیه ایران استفاده کرده است".

واشنگتن پست نیز در گزارشی در ۴ سپتامبر ۲۰۱۲، یادآوری کرده که در نوامبر ۱۹۸۳، یک مسئول ارشد وزارت امور خارجه به وزیر وقت، جورج شولتز، گفته است گزارش های اطلاعاتی آمریکا از استفاده نیروهای عراقی از گلوله های شیمیایی علیه ایرانی ها "به صورت تقریباً روزانه" حکایت دارند (استفاده از تسلیحات شیمیایی در مقیاس بزرگ، در موارد خاص صورت گرفته، اما شواهدی وجود دارد که عراقی ها مستمراً از گلوله های توپ یا خمپاره دارای ترکیبات سمی استفاده می‌کرده اند که شاید بسیاری از آنها برای آزمایش تاثیرات این مواد بوده).

واشنگتن پست، در گزارش جداگانه ای که سه ماه پیش از حمله ایالات متحده به عراق در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۲ منتشر شده، از وجود اسناد حاکی از موافقت رونالد ریگان و سپس جورج بوش (پدر) با فروش "مواد شیمیایی سمی و ویروس های کشنده بیولوژیک" به دولت صدام حسین خبر داده است. موادی که البته، دارای کاربرد دوگانه نظامی و غیرنظامی بوده اند.

به گزارش لس آنجلس تایمز (۱۳ فوریه ۱۹۹۱) یکی از این تولیدات دارای کاربرد دوگانه، هلیکوپترهایی بود که در سال ۱۹۸۳ به عراق فروخته شده و سپس، برای انجام حملات شیمیایی علیه کردهای عراق در سال ۱۹۹۸ مورد استفاده قرار گرفته است.

تمام اینها در حالی بود که در طول جنگ ایران و عراق، چند بارروسای وقت شورای امنیت با صدور بیانیه های غیرالزام آور عراق را به خاطر استفاده از سلاح های شیمیایی محکوم کردند. اما این شورا، به خاطر نفوذ و حق وتوی قدرت های بزرگ، هیچ گاه نتوانست با صدور قطعنامه الزام آور، عراق را به خاطر استفاده از این سلاح ها محکوم کند.

در یکی از آخرین تلاش ها پیش از حمله سردشت، در ۲۱ مارس ۱۹۸۶، تلاش اکثریت اعضای شورای امنیت برای تصویب یک بیانیه در محکومیت حملات شیمیایی مکرر عراق علیه نیروهای ایرانی، با رای منفی ایالات متحده ناکام ماند. ۱۰ کشور دیگر عضو شورا به این متن رای مثبت دادند و کشورهای بریتانیا، فرانسه، استرالیا و دانمارک، در رای گیری شرکت نکردند.

از سردشت تا حلبچه

بی تفاوتی جهانی نسبت به استفاده مکرر بغداد از سلاح های شیمیایی، حدود ۸ ماه پس از بمباران سردشت، به پرتلفات ترین بمباران شیمیایی یک شهر در تاریخ جهان منجر شد.

در ۲۵ اسفند ۱۳۶۶، ارتش عراق شهر کردنشین حلبچه در کردستان عراق را، به تلافی همکاری عده ای از کردها با نیروهای ایرانی بمباران شیمیایی کرد و حداقل ۵ هزار نفر را کشت. تعداد کشته شدگان حلبچه، تا ۶۸۰۰ نفر نیز گفته شده است.

بعد از بمباران حلبچه، شورای امنیت به مدت ۷ هفته موضعی در مقابل این حمله نگرفت. حتی پس از آن هم، از مقصر دانستن حکومت صدام حسین خودداری کرد و درعوض، به محکوم کردن "ادامه استفاده از سلاح های شیمیایی در مناقشه میان جمهوری اسلامی ایران و عراق" پرداخت. شورای امنیت، در ادامه از "هر دو طرف" خواست از "استفاده بیشتر از سلاح های شیمیایی خودداری کنند".

واشنگتن پست در بررسی مفصلی که در ۱۷ ژانویه ۲۰۰۳ منتشر کرده تاکید دارد که تحلیل هزاران سند پلیس مخفی عراق که (قاعدتا بعد از جنگ اول خلیج فارس) به دست آمریکایی ها افتاده، اسناد ازطبقه بندی خارج شده دولت آمریکا و مستندات دیگر نشان می دهد که آمریکا شکی نداشته حمله شیمیایی به حلبچه کار عراق بوده است.

بعد از این حمله شیمیایی، ایران که شهر را در اختیار داشت، انبوهی از خبرنگاران غربی را به حلبچه دعوت کرد. صحنه های تکان دهنده شهر، به فاصله چند روز در بخش های خبری اصلی شبکه های تلویزیونی دنیا و از جمله آمریکا به نمایش در آمد.

با وجود این، موضع واشنگتن بعد از حمله شیمیایی عراق به حلبچه این بود که ایران نیز در حمله سهم داشته و مقام های وزارت جنگ، در مصاحبه های گوناگون با شبکه های خبری، بر این ادعا پافشاری کردند. یک سند دولت آمریکا که در سال ۲۰۰۳ از طبقه بندی محرمانه خارج شده نشان می دهد که دیپلمات های آمریکا دستورالعملی را از وزارت خارجه دریافت کرده بودند که بر لزوم پافشاری بر این موضع در گفتگو با متحدان آمریکا و پرهیز از "بحث درباره جزئیات" تاکید داشته است.

مجله فارین پالیسی، در گزارشی در ۲۶ اوت ۲۰۱۳، حتی به توضیح اسنادی پرداخته که از نقش غیرمستقیم آمریکا در اقدامات ارتش عراق در کردستان عراق در ماه های پایانی جنگ حکایت دارند.

مطابق این اسناد در سال ۱۹۸۸، ماهواره های جاسوسی آمریکا کشف کرده بودند که ایران با استفاده از شکافی در خطوط دفاعی عراق، در آستانه یک پیروزی استراتژیک مهم است. به نوشته فارین پالیسی دولت آمریکا در این مقطع، با "اطلاع کامل" از اینکه ارتش عراق برای متوقف کردن ایرانی ها از سلاح های شیمیایی استفاده خواهد کرد، محل استقرار نیروهای ایرانی را به عراقی ها اطلاع داده است.

هرچند فارین پالیسی مشخص نکرده در چه ماهی از سال ۱۹۸۸ ایران قصد نفوذ استراتژیک به داخل عراق را داشته، اما تنها عملیات تهاجمی بزرگ ایرانی ها در سال ۱۹۸۸، عملیات والفجر ۱۰ بوده که در اسفند ۱۳۶۶ (مارس ۱۹۸۸) صورت گرفته و تصرف شهر حلبچه در کردستان عراق، از جمله دستاوردهایش بوده است.

در نتیجه، به نظر می رسد اطلاع آمریکا از امکان واکنش شیمیایی عراق به عملیات در دست انجام ایران در سال ۱۹۸۸، درواقع پیش بینی همان چیزی بوده که در عمل، به فاصله کوتاهی در حلبچه اتفاق افتاده است.

سرانجام سلاح های شیمیایی عراق

چشم پوشی ایالات متحده نسبت به سلاح های شیمیایی حکومت صدام حسین، پس از حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۱ به پایان رسید.

حکومت عراق، بعد از حمله به کویت و اخراج از این کشور در سال ۱۹۹۱، مجبور به انهدام سلاح های کشتار جمعی خود شد.

عراق در ابتدا، بخش کوچکی از توان شیمیایی خود را برای استفاده احتمالی علیه ایران در صورت درگیری مجدد نگه داشت، اما اندکی بعد از شکست کامل در جنگ خلیج فارس، از ترس تبعات نگاهداری سلاح های ممنوعه، این سلاح ها را هم منهدم کرد.

دستگاه های اطلاعاتی ایالات متحده، به خوبی از فرایند انهدام سلاح های ممنوعه بغداد مطلع بودند.

با وجود این، بعد از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ طیفی از سیاستمداران تاثیرگذار آمریکایی، از دیک چنی معاون اول رئیس جمهور و دونالد رامسفلد وزیر دفاع گرفته تا نهایتا شخص جورج بوش (پسر)، به دفاع از حمله به عراق به بهانه در اختیار داشتن سلاح های کشتار جمعی و نیز ارتباط با القاعده پرداختند.

توضیح دلایل اصرار چنین سیاستمدارانی بر حمله به عراق، نیاز به گزارش جداگانه ای دارد، اما شواهدی موجود است که نشان می دهد مدافعان این حمله، از همان روز ۱۱ سپتامبر، تصمیم خود را برای زمینه سازی چنین حمله ای گرفته بودند.

تصمیمی که در فرصت یک و نیم ساله میان حملات ۱۱ سپتامبر تا حمله به عراق، دولت و سازمان های اطلاعاتی آمریکا و بریتانیا، به توجیه آن بر مبنای "ادعاهای جاسوسی" به کلی بی اعتبار پرداختند.

منبع: بی بی سی

«انتخاب» گزارش می دهد؛

گزارشی از تحولات راست گرایان با تصمیم سرنوشت ساز آیت الله موحدی کرمانی؛ عبور از اینارگران و پایداری، رجعت به ناطق نوری این روزها گمانه زنی پیرامون آیت الله موحدی کرمانی بیشتر از همیشه شده است؛ خبرهای تازه ای در محافل سیاسی مطرح است که حکایت از نقش جدید او در سیاست ایران دارد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

سرویس سیاسی «انتخاب»؛ محسن پورحسین: این روزها گمانه زنی پیرامون آیت الله موحدی کرمانی بیشتر از همیشه شده است؛ خبرهای تازه ای در محافل سیاسی مطرح است که حکایت از نقش جدید او در سیاست ایران دارد.

تازه ترین گمانه ها، خداحافظی او با دبیرکلی جامعه روحانیت مبارز و بر عهده گرفتن ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام است. خودش اما می گوید: «در این رابطه چیزی نشنیدم و با من صحبتی نشده است» رسانه ها اما راوی خبر شده اند: «آیت الله محمد علی موحدی کرمانی که در حال حاضر دبیر کلی جامعه روحانیت مبارز را بر عهده دارد از آیت الله محسن مجتهدشبهستری خواسته است تا دبیر کلی این تشکیلات مرکزی روحانیت را بر عهده بگیرد. البته در مقابل پیشنهاد موحدی کرمانی برای دبیر کلی، مجتهد شبهستری تاکنون پاسخی نداده است البته رایزنی سایر عناصر جامعه روحانیت به توصیه موحدی کرمانی همچنان ادامه دارد.» این شایعات بعد از آن قوت گرفته که آیت الله محسن مجتهدشبهستری از تبریز راهی تهران شده است.

این البته اولین باری نیست که احتمال دبیر کلی آیت الله محسن مجتهدشبهستری بر جامعه روحانیت جدی شده است. او یکبار دیگر نیز زمانی که جامعه روحانیت مبارز در پی جایگزین کردن فردی به جای مرحوم آیت الله مهدوی کنی بود از گزینه های جدی دبیرکلی شده بود. در آن زمان بسیاری گمان می بردند سکان هدایت این تشکل روحانی با سابقه به او واگذار خواهد شد.

تحولات اما در آن زمان به شکلی دیگر پیش رفت. مصباحی مقدم، سخنگوی جامعه روحانیت مبارز ماجرای شبی که اعضای جامعه روحانیت در یک جلسه فوق العاده دبیر کل را انتخاب کردند را اینگونه روایت می کند: «شنبه شب جلسه فوق العاده جامعه روحانیت مبارز برگزار شد و آیت الله موحدی کرمانی با اجماع اعضا به عنوان دبیرکل جدید جامعه روحانیت مبارز انتخاب شد. حضرات آیات امامی کاشانی،

مجتهد شبستری و موحدی کرمانی برای دبیرکلی این تشکل مطرح بودند . البته هیچ‌کدام از این گزینه‌ها خواهان کاندیداتوری برای دبیرکلی نبودند. دبیرکلی آیت‌الله مجتهد شبستری منوط به این بود که ایشان تبریز را رها کند اما با مشورتی که با دفتر رهبر معظم انقلاب انجام دادند، از آنجا که معظم‌له جایگزینی برای ایشان نیافتند و روی ادامه حضور ایشان به عنوان نماینده ولی‌فقیه در استان آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز تأکید داشتند، لذا بحث دبیرکلی آیت‌الله مجتهد شبستری منتفی شد. آیت‌الله امامی‌کاشانی نیز با اصرار خود کاندیداتوری برای دبیرکل جامعه روحانیت مبارز را نپذیرفت. لذا کاندیداتوری از طرف خود هیچ‌کدام از گزینه‌ها مطرح نشده بود و صرفاً به آنان پیشنهاد شده بود. در نهایت پس از رأی‌گیری آیت‌الله محمدعلی موحدی کرمانی بدون حتی یک مخالف به‌عنوان دبیرکل جامعه روحانیت مبارز انتخاب شد.»

جانشین آیت الله در مجمع ؟

بعد از درگذشت آیت الله هاشمی رفسنجانی مهمترین سوال این بود که چه کسی جانشین او در مجمع تشخیص مصلحت نظام خواهد شد ، گمانه ها زیاد اما در نهایت این موحدی کرمانی بود که به عنوان رییس موقت انتخاب شد . این انتخاب موجب شد که برخی تحلیلگران اقبال او را برای رسیدن به کرسی ریاست بیش از سایرین بدانند. در این میان البته کسان دیگری هم بودند که نظری متفاوت داشتند . از جمله این افراد مصطفی میرسلیم است که گفته : « فکر می‌کنم اداره مجمع تشخیص مصلحت نظام برای وی مشکل باشد.»

راستگرای متفاوت

حالا که شایعات و گمانه زنی در مورد آیت الله موحدی کرمانی افزایش یافته بحث ها هم بر سر این بالا گرفته است که اساسا او در کجای سیاست ایران قرار دارد و براساس رفتار شناسی چه قضاوتی در مورد خط مشی این روحانی باسابقه می توان داشت.

در سطح نخست تحلیل در این مورد می توان آیت الله موحدی کرمانی را یک محافظه کار سنتی دانست که البته گاهی تصمیماتش با کسان دیگری که هم چون او در این طیف جای می گیرند بسیار متفاوت بوده. برخی معتقدند اگر طیف سنتی های راستگرا دو سر داشته باشد آیت الله موحدی کرمانی در منتهی الیه چپ این طیف قرار دارد. شاید

همین مساله هم موجب شده که او در برخی مواقع تمایلاتی به ایثارگران، رهپویان و یا حتی جبهه پایداری داشته باشد. نگاهی به گذشته و تصمیمات سیاسی او در مواقع حساس می تواند تصویری روشن تر از خط مشی آیت الله را در اختیار ما قرار دهد. او در سال 88 در هنگامه برگزاری انتخابات موضعی جالب داشت و گفت: «اینجانب با احترام به همه نامزدهای مورد تأیید شورای محترم نگهبان، جناب آقای دکتر محسن رضایی را تأیید و از درگاه حضرت حق برای ایشان، دوام توفیق مسئلت می نمایم.»

بعد از آن اما از وقتی در قامت دبیر کلی جامعه روحانیت قرار گرفت تصمیمات مهمی را اتخاذ کرد. در سال 94 هنگامی که همه منتظر انتشار لیست جامعین برای انتخابات خبرگان بودند ناگهان از قم خبر آمد که برخی افراد به صورت جدی مخالف حضور آیت الله هاشمی رفسنجانی در لیست هستند. حالا نگاه ها به موحد یکرمانی دوخته شده بود. آیا او حاضر بود کسی را که سال ها نزدیکترین روابط را با او داشت و از مهمترین و اصلی ترین افراد جامعه روحانیت بود را حذف کند؟ او یک تصمیم غیر منتظره گرفت؛ با نظر او برای اولین بار لیست جامعه روحانیت و جامعه مدرسین به صورت یک شکل منتشر نشد و او در نامه اش خطاب به آیت الله هاشمی نوشت: «حضرت آیت الله جناب آقای اکبر هاشمی بهرمانی دام عزه

با عنایت به شایستگی های علمی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی جناب عالی، جامعه روحانیت مبارز حضرت عالی را به عنوان نامزد مورد تأیید خود از حوزه انتخابیه استان تهران برای انتخابات مجلس خبرگان رهبری انتخاب نمود. تأییدات بیشتر شما را از خداوند متعال خواستارم.

»

آن روزها البته بسیار پرحاشیه و پر خبر بود. اتفاقات منحصر به فردی در سیاست ایران رخ داد از جمله اینکه یک لیست دیگر هم برای انتخابات خبرگان انتشار یافت. فهرستی که به آیت الله هاشمی منسوب شد. مخالفان آیت الله هاشمی حاشیه های زیادی برای این لیست به وجود آوردند و کار را به آنجا رساندند که موحدی کرمانی که او هم نامش در این لیست بود گفت: «من اصلاً راضی نبودم و نیستم که اسمم در لیست آقای هاشمی باشد و به همین دلیل هم می گویم که مردم بدانند، من فقط عضو لیست جامعین هستم. برخی می گویند که من از این لیست خارج شوم که این بی معنی است چون من خودم در لیست نرفتم که حالا خارج شوم و ابتدائاً در این لیست

نبودم که حالا بگویم من از این لیست خارج می‌شوم. به عموم مردم توصیه می‌کنم که در انتخابات خبرگان، در ابتدای برگه رأی نام آیات یزدی، جنتی و مصباح را بنویسند؛ بنده هم قبل از همه در انتخابات خبرگان ابتدا اسم این سه بزرگوار را خواهم نوشت.»

شاید از این همین نقطه تاریخی است که روابط این دو آیت الله با تغییراتی مواجه می‌شود. چه اینکه وقتی که سخنگوی جامعه روحانیت از تلاش برای بازگشت مجدد آیت الله هاشمی به جلسات جامعه روحانیت خبر و حتی گفت که ممکن است جلسات در دفتر آیت الله هاشمی تشکیل شود، آیت الله موحدی کرمانی، رک و صریح گفت: «به هیچ عنوان چنین چیزی ممکن نیست.»

نکته اما این است که این حاشیه های سیاسی موجب نشد روابط صمیمی این دو آیت الله به دلگیری های عمیق منجر شود. همه دیدند که وقتی پیکر آیت الله هاشمی برای نماز در دانشگاه تهران قرار گرفته بود چگونه آیت الله موحدی کرمانی به سمت او رفت، نشست و بر پیکر دوست قدیمی اش گریست. او در اولین جلسه مجمع تشخیص مصلت نظام بعد از درگذشت آیت الله هاشمی درباره او چنین گفت: «از اینکه جای ایشان را در جلسه خالی می‌بینم، کوهی از غم بر دل من نشسته است. به ویژه برای شما اعضای مجمع که سال‌های سال با ایشان انس داشتید و از نظرات و دیدگاه‌های ارزشمند ایشان در موضوعات مختلف بهره‌های فراوان برده‌اید و در اولین جلسه مجمع تشخیص، در سال 1327 آیت‌الله هاشمی در سن 14 سالگی وارد حوزه علمیه قم شد که بنده هم هفده، هجده ساله بودم که از آن سال آشنایی و انس بنده تا سال 95 و زمان رحلت ایشان ادامه داشت و فضای عاطفی خوبی بین ما حاکم بود.»

شاید در برخی موارد اختلاف نظرهایی هم داشتیم، ولی در بعد عاطفی ما هیچ اثری نداشت و تا پایان عمر شریف ایشان همچنان به قوت خود باقی بود.»

نسبت سیاسی با حسن روحانی

در مورد آیت الله موحدی کرمانی می‌توان گفت نسبت سیاسی او با دولت حسن روحانی در بسیاری از موارد شباهت‌هایی دارد با طیف چپ جریان اصولگرا. او از منتقدان حسن روحانی به شمار می‌رود. حتی وقتی چهره های شاخصی از جامعه روحانیت تلاش کردند برای انتخابات ریاست جمهوری امسال نام حسن روحانی هم در فهرست

افراد مورد بررسی این تشکل روحانی برای حمایت احتمالی قرار بگیرد او یکبار دیگر از آن نوع مواضع صریح خود را اعلام کرد و گفت: «این کار امکان پذیر نیست»

او حتی در دولت یازدهم گاهی مواجهه کلامی هم با حسن روحانی داشته است. یکبار در واکنش به این سخنان سخنان روحانی که گفته بود: «این دولت عصای موسی به دست ندارد و ید بیضایی هم ندارد و آن کلمه الله و کسی که می‌توانست با اشاره همه را شفا بدهد ندارد.» این چنین واکنش نشان داده بود: «درست است که دولت نه عصای موسی در دست دارد و نه اینکه ید بیضا در اختیارش است، اما بحمدالله کلید دارد؛ پس این کلید را به کار بیندازد و مشکلات از جمله گرانی سرسام‌آور را حل کند».

نکته اما این است که برخی معتقدند آیت الله موحدی کرمانی تغییراتی در مشی سیاسی اش خواهد داشت و بعد از چند شکست متوالی که به سبب تمامیت خواهی طیفی از جناح اصولگرا رخ داده اکنون نگاهش را به سنتی ها و با سابقه های جناح اصولگرا دوخته است. شاید به همین دلیل هم باشد که او اخیرا گفته است: «با ناطق نوری خصوصی هم صحبت کردم گفتم چرا نمی آیی جامعه؟ بیا تو هم نظر داری، نظرات خوب داری نظرات خودت ارائه بده، نظرات خوبی داری حیف است نیایی، ولی نمی آید. یک آزرده خاطری از زمان آقای مهدوی داشت و قدری روی او اثر گذاشته بود که آزرده خاطر شده بود و در مجموع من مُصر بودم و هستم که ایشان بیاید.»

آیا دوره جدیدی در زندگی سیاسی آیت الله موحدی کرمانی آغاز خواهد شد؟ سوال مهمی است که برای پاسخ به آن چندان معطل نخواهیم شد. به هر صورت، به نظر می رسد او اگر بنای رفتن از جامعه روحانیت داشته باشد قبل از تحویل صندلی دبیرکلی تغییراتی را کلید خواهد زد. گمانه ای که چندان دور از ذهن نخواهد بود.

ایران و توتال فرانسه بزرگترین قرارداد انرژی بعد از توافق هسته‌ای را امضا کردند

Image caption مراسم امضای قرارداد نهایی توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی در تهران

بی بی سی. ایران و کنسرسیومی به ریاست شرکت نفتی توتال فرانسه، پر ارزش‌ترین قرارداد انرژی بعد از توافق هسته‌ای ایران با قدرت‌های جهانی را برای توسعه فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی در تهران امضا کرده‌اند.

این کنسرسیوم متشکل از شرکت‌های توتال، سی‌ان‌پی‌سی چین و پتروپارس ایران به امضا رسیده و ارزش این قرارداد نزدیک به ۵ میلیارد دلار اعلام شده است.

بیژن زنگنه، وزیر نفت ایران و فرانسوا سنمو، سفیر فرانسه در تهران هم در این مراسم حضور داشتند.

میدان گازی پارس جنوبی از بزرگ‌ترین مخازن گاز طبیعی جهان است و شرکت توتال پیش از این، فازهای ۲ و ۳ طرح توسعه این میدان را اجرا کرده بود.

مساحت این میدان ۹۷۰۰ کیلومتر مربع است که سهم ایران از این میدان مشترک با قطر ۳۷۰۰ کیلومتر مربع است.

به گزارش خبرگزاری شانا، وابسته به وزارت نفت ایران، حمید اکبری، مدیر عامل شرکت پتروپارس پیش از امضای این قرارداد گفت: "توتال برای انتقال فناوری به شرکت پتروپارس برنامه مجزا دارد."

علی کارد، مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران هم در همین مراسم گفته: "اجرای طرح توسعه بخش فراساحل پارس جنوبی در مجموع بیش از ۸۰ میلیارد دلار برای کشور درآمدزایی می‌کند."

شرکت توتال گفته است با سرمایه‌گذاری اولیه یک میلیارد دلار توسعه میدان گازی پارس جنوبی را طی تابستان امسال و از منابع مالی خود به یورو، تامین خواهد کرد.

این قرارداد، بزرگ‌ترین قرارداد نفتی بعد از برداشتن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران است که بر اساس الگوی جدید قراردادهای نفتی امضا شده است.

در این الگو هر شرکت نفتی خارجی ملزم است یک شریک ایرانی داشته باشد و به همین دلیل شرکت پتروپارس هم به این کنسرسیوم پیوسته است.

سهم توتال در این کنسرسیوم بیش از ۵۰ درصد است.

شرکت نفتی سی‌ان‌پی‌سی چین ۳۰ درصد در این پروژه سهم دارد و پتروپارس ایران با نزدیک به ۲۰ درصد عضو دیگر این کنسرسیوم است.

به گزارش «**نسیم آنلاین**»، نخستین قرارداد جدید نفتی در دوران پساتحریم بین شرکت ملی نفت و کنسرسیوم بین‌المللی به رهبری شرکت نفتی توتال فرانسه برای توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی به ارزش ۴.۸ میلیارد دلار عصر دیروز در تهران امضا شد.

تولید گاز ۴۰ ماه پس از امضای قرارداد آغاز خواهد شد که با به ثمر رسیدن آن، روزانه ۵۶ میلیون متر مکعب، یعنی (معادل ۲ میلیارد فوت مکعب) به ظرفیت برداشت ایران از میدان گازی پارس جنوبی مشترک با قطر افزوده می‌شود.

سه سال پس از تولید در فاز ۱۱ پارس جنوبی، میدان مذکور دچار افت فشار خواهد شد که در آن زمان، سکوهاى تقویت فشار هم در این میدان راه اندازی می‌شود. گفته شده که تا پایان برنامه ششم توسعه، میزان تولید نفت و میعانات گازی کشور باید به ۶ میلیون بشکه در روز افزایش یابد.

واکنش وزیر به انتقاد برخی از اصولگرایان نسبت به قرارداد توتال و چین / **منافع این قرارداد:**

- 1- جذب سرمایه گذاری خارجی
- 2- «رفع شک و تردید شرکت های خارجی برای فعالیت و سرمایه گذاری در ایران»
- 3- هیچ محدودیتی در مشارکت شرکت های ایرانی در این قرارداد وجود ندارد.
- 4- کارهای خدماتی، ساخت سکو، نصب لوله و... باید به شرکت های ایرانی واگذار شود و اضافه کرد: برآورد می شود حدود 70 درصد از ارزش این قراردادها برای اجرا به شرکت های ایرانی واگذار شود.
- 5- از شرکت های مختلف برای حضور در مناقصه دعوت شده است.
- 6- روزانه 56 میلیون مترمکعب (معادل 2 میلیارد فوت مکعب) به ظرفیت برداشت ایران از میدان گازی پارس جنوبی مشترک با قطر افزوده می شود. که امروز این مقدار عظیم برداشات نمی شود و توسط قطر برداشت می شود
- 7- خواسته و فرمایشات رهبر معظم انقلاب نیز در روند تدوین و تصویب چهارچوب مدل جدید قراردادهای جدید نفتی رعایت شده است.



وزیر نفت در روزی که امضای قرارداد توتال را سبب «رفع شک و تردید شرکت های خارجی برای فعالیت و سرمایه گذاری در ایران» خواند، درباره آخرین تحولات در پرونده متهم نفتی گفت: بابک زنجانی یک پدیده استثنایی در تاریخ کلاهبرداری بین المللی است که نفر دوم با آن فاصله زیادی دارد.

به گزارش «انتخاب»، «بیژن زنگنه» عصر امروز (دوشنبه) در حاشیه مراسم امضای قرارداد توسعه بخش فراساحل فاز 11 پارس جنوبی در جمع خبرنگاران، بیان داشت: نخستین قرارداد نفتی ایران پس از برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) با سه شرکت معتبر، در حالی به امضا رسید که دشمنان ما در آن سوی اقیانوس ها و برخی همسایگان، نمی خواستند عزت ایران را ببینند.

وی ارزش این قرارداد را پنج میلیارد دلار اعلام و ابراز امیدواری کرد حجم زیادی از منابع سرمایه گذاری از طریق این قرارداد وارد کشور شود.

به نوشته ایرنا، وزیر نفت به سهم شرکت های ایرانی از این قرارداد اشاره کرد و ادامه داد: هیچ محدودیتی در مشارکت شرکت های ایرانی در این قرارداد وجود ندارد.

زنگنه تاکید کرد کارهای خدماتی، ساخت سکو، نصب لوله و... باید به شرکت های ایرانی واگذار شود و اضافه کرد: برآورد می شود حدود 70

درصد از ارزش این قراردادها برای اجرا به شرکت های ایرانی واگذار شود.

وی ادامه داد: علاوه بر قانون استفاده حداکثری از توان ساخت داخل، سهم شرکت های ایرانی می تواند افزایش بیشتری نیز داشته باشد. وزیر نفت درباره کارشناسی احتمال در روند اجرای برجام و یا قراردادهای نفتی، گفت: این قرارداد به چیزی مانند تایید اوفک (دفتر کنترل دارایی های خارجی آمریکا) مشروط نشده است.

وی اضافه کرد: امضای این قرارداد، نقطه ای برای بازگشت شرکت هایی خواهد بود که می خواهند به ایران بیایند و چه در صنعت نفت و چه در سایر بخش ها سرمایه گذاری کنند.

وزیر نفت تاکید کرد این قرارداد، پیام بسیار مهمی است که به فعالان اقتصادی اروپایی و آسیایی برای سرمایه گذاری در ایران داده می شود.

زنگنه با بیان این که بحث تحریم، ارتباطی با این قرارداد ندارد، بیان داشت: البته پیش بینی هایی برای نحوه مواجهه در زمان رخ دادن حالت های غیرعادی انجام شده است.

وی با بیان این که هیات هفت نفره ای که تشکیل شده این قرارداد را تایید کرده است، گفت: این هیات که شامل چهار وزیر پیشین و کارشناسان و نمایندگان ریاست جمهوری، شورای عالی امنیت ملی و حسابرسی هستند، این قرارداد را منطبق با قوانین و مقررات دانسته است.

وزیر نفت تاکید کرد: خواسته و فرمایشات رهبر معظم انقلاب نیز در روند تدوین و تصویب چهارچوب مدل جدید قراردادهای جدید نفتی رعایت شده است.

وی به برگزاری مناقصه میدان آزادگان اشاره کرد و گفت: از شرکت های مختلف برای حضور در مناقصه دعوت شده است. شرکت ها باید ابتدا پیشنهادهای فنی خود را ارائه و سپس پیشنهادات مالی و قراردادی را مطرح می کنند.

زنگنه درباره چگونگی همکاری با شرکت های روسی با توجه به تحریم آنها توسط کنگره آمریکا، گفت: ما تحریم های آمریکا را غیرقانونی و فرامرزی می دانیم. کشوری نمی تواند سایر کشورها را مجبور به رعایت خواسته های خود کند.

وی درباره بازار نفت و توافق اوپک، نیز بیان داشت: بزرگترین مشکل اوپک این است که میزان تولید نفت آمریکا، بیش از پیش بینی ها افزایش یافت.

وزیر نفت اضافه کرد: اعضای اوپک، توافق کاهش تولید را رعایت کرده اند و حتی برخی از آنها، بیش از 100 درصد به تعهد خود عمل کرده اند.

وزیر نفت درباره پرونده بابک زنجانی و ادعاهای جدید وی برای پرداخت بدهی گفت: بابک زنجانی یک پدیده استثنایی در تاریخ کلاهبرداری بین المللی است که نفر دوم با آن فاصله زیادی دارد.

وی با بیان اینکه زنجانی به دنبال پرداخت بدهی خود نیست، بیان داشت: داستان ها و اخبار مربوط به آمدن شریکان خارجی بابک زنجانی به ایران، را خودشان درست کرده اند.

زنگنه درباره ادعای یک نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی مبنی بر لزوم حمله به امضای قرارداد با توتال و آتش به اختیار بودن افراد، گفت: هر کس به هر نحو که می خواهد می تواند صحبت کند اما ملت ایران در انتخابات 29 اردیبهشت تصمیم خود را گرفتند.

انتخابات دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، پنجمین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا و میاندوره مجلس دهم شورای اسلامی (در چهار حوزه) بیست و نهم اردیبهشت ماه برگزار شد و از میان چهار نامزد حاضر در انتخابات ریاست جمهوری، «حسن روحانی» 23 میلیون و 549 هزار و 616 رای یعنی 57 درصد آرا را به خود اختصاص داد.

وزیر نفت اضافه کرد: ملت ایران با وجود همه شایعه ها و بحث ها، تصمیم گرفت رئیس جمهوری دولت یازدهم به فعالیت خود ادامه دهد و این سیاست ها ادامه یابد.

وی تاکید کرد برکت آزادی بیان، افراد صحبت های خود را مطرح می کنند و ادامه داد: در این کشور، نظام وجود دارد و این قرارداد نیز در چهارچوب قانون به امضا رسیده است.

نخستین قرارداد جدید نفتی در پساتحریم بین شرکت ملی نفت و کنسرسیوم بین المللی به رهبری شرکت نفتی توتال فرانسه برای توسعه فاز 11 پارس جنوبی به ارزش 4.8 میلیارد دلار امضا شد.

قرارداد توسعه بخش فراساحل فاز 11 پارس جنوبی، عصر امروز - دوشنبه - توسط «علی کاردور» مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، «پاتریک پویانه» مدیرعامل توتال، «لو» مدیرعامل شرکت ملی نفت

چین (اینترنشنال) و «عزت الله اکبری» مدیرعامل شرکت پتروپارس، امضا شد.

سفیر فرانسه در تهران نیز از میهمانان آیین امضای قرارداد توسعه فاز 11 پارس جنوبی میان شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیوم ایرانی-فرانسوی-چینی بود.

ارزش قرارداد توسعه فاز 11 پارس جنوبی چهار میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار است که با به ثمر رسیدن آن، روزانه 56 میلیون مترمکعب (معادل 2 میلیارد فوت مکعب) به ظرفیت برداشت ایران از میدان گازی پارس جنوبی مشترک با قطر افزوده می‌شود.

مخالفان {توسعه برداشت از منابع مشترک نفتی و گازی} بخوانند

تلاش بی‌سابقه قطر برای استخراج گاز خلیج فارس، پس از توافق ایران با توتال

سعد الکعبی، رئیس شرکت "قطر پترولیوم"، در یک کنفرانس خبری در دوحه. سه‌شنبه ۱۳ تیر/ ۴ ژوئیه ۲۰۱۷

یک روز پس از امضای توافق میان ایران و "توتال" برای توسعه "فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی"، قطر، بزرگترین صادرکننده گاز طبیعی در جهان، روز سه‌شنبه ۴ ژوئیه، از افزایش ۳۰ درصدی تولید گاز خود خبر داد. این درحالی است که سه ماه پیش قطر اعلام کرده بود که این کشور استخراج گاز از میدان گازی مشترک با ایران را به مقدار ۱۰ درصد افزایش خواهد داد.

سعد الکعبی، رئیس شرکت "قطر پترولیوم"، در یک کنفرانس خبری در دوحه گفت که این امیرنشین تا سال ۲۰۲۴ میلادی، سالانه ۱۰۰ میلیون تن گاز طبیعی تولید خواهد کرد. وی تأکید کرد که طرح جدید قطر برای افزایش تولید گاز، مقام این کشور را به عنوان اولین تولیدکننده و صادرکننده گاز طبیعی در جهان حفظ خواهد کرد و قطر «به مدت طولانی رهبر صنعت گاز جهان باقی می‌ماند».

رئیس شرکت قطر پترولیوم اضافه کرد که قطر اکنون سالانه ۷۷ میلیون تن گاز تولید می‌کند. این افزایش تولید گاز برای این کشور کوچک حاشیه خلیج فارس، معادل تولید ۶ میلیون بشکه نفت در روز خواهد بود.

خبر افزایش ۳۰ درصدی گاز قطر درحالی است که این کشور از سوی همسایگان عرب خود تحت تحریم قرار دارد. کشورهای عربستان سعودی، بحرین، امارات متحده عربی و مصر با وارد کردن اتهام «حمایت از تروریسم»، روابط سیاسی و اقتصادی خود با قطر را قطع کردند. با این حال رئیس شرکت قطر پترولیوم گفت که افزایش تولید گاز این کشور با همکاری شرکت‌های بین‌المللی خواهد بود و حتی اگر عربستان سعودی و متحدانش از این همکاری جلوگیری کنند، قطر به این هدف خود خواهد رسید.

همچنین اعلام خبر افزایش تولید گاز قطر در شرایطی است که ایران به عنوان تنها شریک این کشور در منابع گاز میدان پارس جنوبی (گنبد شمال)، بعد از لغو تحریم‌های بین‌المللی قصد دارد تولید گاز خود را افزایش دهد.

روز دوشنبه، شرکت فرانسوی "توتال" قرارداد توسعه "فاز ۱۱ پارس جنوبی" با ایران را به ارزش نزدیک به ۵ میلیارد دلار امضا کرد.

پارس جنوبی که قطری‌ها به آن "گنبد شمال" می‌گویند، یک میدان مشترک گازی میان ایران و قطر است که بزرگترین میدان گاز طبیعی در جهان به شمار می‌رود.

قطر از سال ۲۰۰۵ تاکنون، هرگونه طرح افزایش استخراج از میدان "گنبد شمال" را با هدف تحقیقات در زمینه استخراج پایدارتر و مؤثرتر به حالت تعلیق درآورده بود، اما رئیس شرکت نفت قطر سه ماه پیش اعلام کرد که با صرف صدها میلیارد دلار در این زمینه، اکنون زمان برداشته شدن این تعلیق فرا رسیده است.

در حالی که قطر از سال ۱۳۶۸ بهره‌برداری از میدان مشترک گازی خود با ایران را آغاز کرده، ایران در این برداشت ۱۲ سال تأخیر دارد. همچنین قطر در سال‌های گذشته، ۲ برابر ایران و گاهی بیش از ۲ برابر، از این میدان مشترک گازی برداشت کرده است.

عربستان ۳۰۰ برابر ایران از میدان مشترک گاز برداشت می‌کند

تکرار سرنوشت «پارس جنوبی» در «فرزاد»؛

سرقت گاز ایران توسط عربستان / سعودی‌ها ۳۰۰ برابر ایران گاز می‌برند



شناسه خبر: ۳۷۷۱۹۵۵ - یکشنبه ۲۸

شهریور ۱۳۹۵ - ۰۸:۰۰

اقتصاد > انرژی

عربستان سعودی درحالی روزانه ۳۰۰ میلیون فوت مکعب گاز از میدان مشترک با ایران برداشت می‌کند که ایران حتی یک دکل حفاری هم برای توسعه این میدان مشترک در خلیج فارس ندارد.

به گزارش **خبرنگار مهر**، سناریوی عقب ماندگی در میادین مشترک نفت و گاز ایران این بار در میدان مشترک فرزاد در حال اجرا بود و با وجود لغو تحریم‌ها اما توسعه این میدان مشترک گازی با عربستان سعودی متوقف مانده است.

بر این اساس، پس از عقب ماندگی‌های گسترده در توسعه میادین مشترک نفت و گاز ایران با کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس به ویژه در میادینی همچون فروزان و اسفندیار (مشترک با عربستان)، سلمان و نصرت و فرزام (مشترک با امارات) و لایه نفت و گازی پارس جنوبی (مشترک با قطر) حالا نوبت به درجا زدن در توسعه میدان مشترک فرزاد رسیده است.

عربستان ۳۰۰ برابر ایران گاز می‌برد

«کریم زبیدی» رئیس شورای عالی مخازن شرکت ملی نفت ایران با اشاره به عقب ماندگی در توسعه میادین مشترک فرزاد A و B، گفت: در حال حاضر عربستان سعودی با استفاده از فناوری‌های خارجی، روزانه از برخی چاه‌های میادین فرزاد «حصبه» تا ۳۰۰ میلیون فوت مکعب گاز برداشت می‌کند.

معاون برنامه‌ریزی شرکت ملی نفت ایران با تاکید بر اینکه هم اکنون ایران برداشت گازی از میادین فرزاد انجام نمی‌دهد، تصریح کرد: باید با استفاده از تکنولوژی‌های جدید نسبت به آغاز تولید گاز طبیعی از میادین رزاد A و B در دوران پسا تحریم اقدام کنیم.

یک دکل هم برای توسعه فرزاد نداریم

از سوی دیگر درحالی در بخش ایرانی میدان گازی فرزاد حتی یک دستگاه دکل حفاری هم مشغول به کار نیست و عملاً هیچ برنامه جامعی تاکنون برای توسعه این میدان مشترک گازی در شرکت ملی نفت ایران تعریف و اجرا نشده است که

آرامکوی عربستان سعودی قراردادی یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلاری با دو شرکت هندی و سنگاپوری برای توسعه این میدان امضا کرده است.

به عبارت دیگر همزمان با توقف و تعلیق توسعه میدان مشترک گازی فرزاد در بخش ایرانی، آرامکوی عربستان سعودی به دنبال افزایش ظرفیت تولید گاز میدان حصه به دو میلیارد فوت مکعب تا سال ۲۰۱۹ میلادی بوده که در صورت تحقق معادل تولید دو فاز پارس جنوبی از این میدان مشترک با ایران گاز برداشت می کند.

در شرایط فعلی، عربستان سعودی با کسری شدید گاز طبیعی دست و پنجه نرم می کند به طوری که در فصل تابستان امسال بخش عمده ای از سوخت نیروگاه های برق این کشور عربی با استفاده از فرآوری نفت خام تامین شده و در صورت افزایش برداشت گاز از میدان مشترک با ایران، علاوه بر تامین سوخت نیروگاه ها می تواند خوراک بیشتری هم در اختیار صنایع پتروشیمی خود قرار بدهد.

زنگنه: قول فرزاد را به هندی ها داده ایم

همزمان با برنامه ریزی گسترده عربستان برای برداشت گاز از میدان مشترک با ایران، شرکت ملی نفت ایران در طول ۱۵ سال گذشته تاکنون با شرکت ONGC هند مذاکرات متعددی را برای توسعه بخش B این میدان مشترک گازی آغاز کرده که تاکنون این مذاکرات حتی منجر به امضای یک تفاهم نامه همکاری بین دو طرف نشده است.

در همین حال بیژن زنگنه وزیر نفت بهمن ماه سال گذشته در نشست خبری در جمع خبرنگاران درباره آخرین وضعیت مذاکرات با شرکت های هندی برای توسعه میدان فرزاد B، گفته بود: «تنها میدانی که قول توسعه آن به یک شرکت خارجی داده شده، میدان فرزاد B بوده که قول آن در سطح روسای جمهور دو کشور به هندی ها داده شده است.»

علی اکبر شعبانپور، مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس هم چند هفته قبل در تشریح مذاکرات انجام گرفته با شرکت ONGC هند برای توسعه بخش B میدان گازی فرزاد، گفته بود: در مذاکرات اخیر نظرات دو طرف بسیار به یکدیگر نزدیک شده و اختلافات در خصوص مسائل مالی و فنی به حداقل رسیده و پیش بینی می شود تا مهر ماه یک قرارداد HOA بین دو طرف امضا و سپس مذاکرات وارد روند اجرایی تری شود.

این مقام مسئول با بیان اینکه بر اساس برآوردهای انجام گرفته، بار مالی توسعه فاز اول این میدان گازی بین ۴.۵ تا ۵ میلیارد دلار است، تاکید کرده است: تعیین مدل مالی یکی از محورهای مذاکرات آتی برای توسعه این میدان گازی خواهد بود.

از سوی دیگر ایران اخیرا برای ظرفیت تولید گاز میدان فرزاد B با هندی ها به توافق رسیده به طوری که قرار است در فاز اول این میدان مشترک حدود ۲ میلیارد فوت مکعب گاز برداشت شود.

به گزارش مهر، بلوک فارسی حوزه‌ای هیدروکربنی در خلیج فارس شامل میدان نفتی بینالود و میدان گازی فرزاد B است که پس از کشف ذخایر هیدروکربنی در این منطقه، قرارداد توسعه این میدان با کنسرسیومی متشکل از سه شرکت دولتی هند در سال ۲۰۰۲ میلادی امضا شد.

در حال حاضر میدان فارسی با در اختیار داشتن ۵۰۸ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی و ۲۱۲ میلیون بشکه میعانات گازی حدود ۲۵ درصد بیش از تولید گاز بزرگترین شرکت هند در جنوب این کشور است

وزیر نفت:

بعضی‌ها گفته‌اند 70 درصد کل درآمد میدان نفتی‌مان را به خارجی می‌دهیم، این حرف غلط است / درآمد توتال کمتر از 15 درصد درآمد کل میدان است

ایران صرفا از محل بخشی از میدان پرداخت را انجام می‌دهد. این کار مهمترین ضمانت برای این است که طرف‌هایی که سرمایه گذاری می کنند مانع هرگونه اقدامی شوند که سرمایه گذاری آنها را به خطر بیندازد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir):

وزیر نفت گفت: بعضی‌ها گفته‌اند 50 درصد و بعضی‌ها گفته اند 70 درصد کل درآمد میدان نفتی‌مان را به خارجی می‌دهیم، این حرف غلط است. حدود 84 میلیارد دلار سهم ایران از قرارداد توتال خواهد بود.

به گزارش «انتخاب» به نقل از خبرگزاری ها، بیژن زنگنه در حاشیه جلسه هیات دولت در ارتباط با قرارداد نفتی با شرکت توتال یادآورشد: پیش از این توضیحات لازم را ارائه کرده بودم و باز هم الان می‌گویم که ارزش خالص آنچه که سرمایه گذاری کردیم، حدود 5 میلیارد دلار است، البته توتال بیش از این و نزدیک 6 میلیارد دلار ارزش خواهد آورد. برآورد ما این است که 1 میلیارد آن صرف مالیات و عوارض به دستگاه‌های دولتی خواهد شد.

وی ادامه داد: همانطور که پیش از این هم گفته بودیم، 50.1 درصد این قرارداد سهم توتال و 30 درصد سهم شرکت ملی نفت چین است و 19.9 درصد سهم شرکت ایرانی پترو پارس است. اصل پول و سود آن حداکثر 50 درصد تولید میدانی است.

زنگنه در پاسخ به برخی شایعات گفت: بعضی‌ها گفته‌اند 50 درصد و بعضی‌ها گفته اند 70 درصد کل درآمد میدان را به خارجی‌ها دادیم، این حرف غلط است. ما گفته‌ایم درآمد ما از این میدان در طول عمرش با نفت 50 دلار حدود 84 میلیارد دلار خواهد شد ولی آنچه که توتال و مجموعه‌اش طی 20 سال، طبق آنچه که به تصویب شورای اقتصاد هم رسیده حدود 12 میلیارد دلار خواهد بود، یعنی چیزی حدود کمتر از 15 درصد درآمد کل میدان در طول عمر میدان خواهد بود.

وزیر نفت در همین راستا ادامه داد: وقتی که دوره بازپرداخت طولانی می شود طبیعتا مبلغ هم بیشتر می‌شود. در قراردادهای متقابل هم که داشتیم همین مقدار دو برابر را تجربه می‌کردیم. این کاری است که نوعی سرمایه گذاری خارجی تلقی می‌شود و در شرایطی که بعضی ها از جمله دشمنان ما در آن طرف اقیانوس‌ها و چه دشمنان ما در منطقه، می‌خواستند تحریم‌ها ادامه پیدا کند و هرگونه سرمایه گذاری خارجی در ایران شکل نگیرد ما این حرکت بزرگ را توسط دو شرکت بزرگ معتبر نفتی دنیا انجام داده‌ایم. امیدواریم که این کار برای بخش نفت و سایر بخش‌ها راهگشا باشد.

وی در ارتباط با حضور شرکت توتال در حوزه پتروشیمی نیز گفت: بحث ایجاد سرمایه گذاری زنجیره‌ای توسط شرکت توتال انجام شده است که در دست مذاکره جدی است. یادداشت تفاهم آن برای نهایی شدن مذاکره می‌شود. بحث‌ها را تا نهایی نشدن خیلی اعلام نمی کنیم، وقتی که نهایی شد ان‌شاءالله آن را اعلام می‌کنیم.

زنگنه در ادامه این گفت‌وگو تصریح کرد: ما اولویت هایمان را در جلسه قرارداد با توتال اعلام کرده‌ایم و گفته‌ایم که میدان‌های مشترک اولویت ما هستند. میدان آزادگان، میدان یاران، میدان یادآوران، میدان‌های پارس جنوبی و میادین مشترکی که در ایلام داریم و همینطور میدان‌هایی برای افزایش بازیافت نیز جزو اولویت‌های ما هستند.

وزیر نفت در ارتباط با شرکت‌های مورد مذاکره قرار گرفته شده، خاطر نشان کرد: با شرکت‌های مختلفی مذاکره شده است و اصلا ما فرآیند مناقصه را هم شروع کرده‌ایم. از یک سری از شرکت‌هایی که تشخیص صلاحیت داده شده‌اند دعوت کردیم که بایند اطلاعات را بگیرند و پیشنهادهایشان را ارائه دهند.

وی در ادامه خاطر نشان کرد: توتال هیچگاه قرارداد خود با ایران را لغو نکرد، هیچ قراردادی نداشته‌اند با ما که برای توسعه صنایع بالا دستی حضور داشته باشند و آن را لغو کرده باشند. تضمین‌های لازم برای قراردادهای صورت گرفته هم دیده شده است. اگر زمانی به هر دلیلی آنها نتوانند کار را انجام دهند، تمام سرمایه گذاری که کردند همینطور باقی می‌ماند و بازپرداخت‌ها روزی انجام می‌شود که میدان به تولید برسد.

زنگنه در پایان گفت: ایران صرفا از محل بخشی از میدان پرداخت را انجام می‌دهد. این کار مهمترین ضمانت برای این است که طرف‌هایی که سرمایه گذاری می کنند مانع هرگونه اقدامی شوند که سرمایه گذاری آنها را به خطر بیندازد.

کد خبر: ۳۵۳۰۸۱

تاریخ انتشار: ۱۰: ۱۴ تیر ۱۳۹۶

صفحه نخست << سیاست

پ

«انتخاب» بررسی می کند:

آیا قرارداد با توتال واقعا «استعماری» است؟ / آیا فرانسوی ها، ایران را فریب داده اند؟

«بی سابقه ترین قرارداد، سرشار از منفعت نفتی پس از برجام»، تیتز خبری بود که ادعای پر سر و صدای به فنا رفتن جسم و روح برجام را شست. اما دلواپسان پس از آنکه پیش بینی هایشان در مورد تحقق نپذیرفتن این قرارداد با شکست مواجه شد، آتش را عوض کردند که مثلاً، وای که سهم ایران کمتر از ۲۰ درصد است! سهم توتال در این پروژه 50.1 درصد، سی ان پی سی 30 درصد و پتروپارس ایران فقط 19.9 درصد سهم دارد!

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir):



سرویس اقتصادی «انتخاب»؛ سیدمحمدهادی موسوی: «بی سابقه ترین قرارداد، سرشار از منفعت نفتی پس از برجام»، تیتز خبری بود که ادعای پر سر و صدای به فنا رفتن جسم و روح برجام را شست. اما دلواپسان پس از آنکه پیش بینی هایشان در مورد تحقق نپذیرفتن این قرارداد با شکست مواجه شد، آتش را عوض کردند که مثلاً، وای که سهم ایران کمتر از ۲۰ درصد است! سهم توتال در این پروژه 50.1 درصد، سی ان پی سی 30 درصد و پتروپارس ایران فقط 19.9 درصد سهم دارد!

سپس پا را فراتر گذاشته و در ادعایی شگفت انگیز بیان کردند که طبق قراردادهای جدید نفتی؛ اکتشاف، تولید، توسعه، بهره برداری و فروش و مالکیت مخازن به مدت ۲۵ سال به عهده طرف خارجی خواهد بود، ۵۰ درصد محصول از آن شرکتهای خارجی خواهد بود، ایران به هر دلیلی برای افزایش یا کاهش برداشت باید از طرف خارجی اجازه بگیرد!

و مثلاً تیر خلاص زدند که "ملی شدن نفت فرانسه رو به ملت فرانسه تبریک عرض میکنیم!" لذا باید به دقت ادعاهای دوستان دلواپس بررسی شود. پاسخ اجمالی اینکه، این درصدها، درصد مشارکت سرمایه گذاری کنسرسیوم هست نه سهم ایران! یعنی از حدود ۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری این طرح، ۵۱ درصد بر عهده توتال هست، 30 درصد بر عهده شرکت CNPC و حدود 20 درصد سهم شرکت پترو پارس است. در این روش شرکت ملی نفت ایران حتی به اندازه یک درصد هم نیاز به سرمایه گذاری ندارد و تمام ریسک سرمایه گذاری بر عهده و هزینه شرکتهای فوق الذکر است. به همین ترتیب سود و یا احیاناً خسارت ناشی از سرمایه گذاری نیز به همین نسبت بین اعضای کنسرسیوم تقسیم می شود. در این حالت نیز ریسکی متوجه شرکت ملی نفت ایران نیست.

آقایان باتقوای دلواپس این را بدانند که «مالکیت و سهم» در منابع نفت و گاز طبق شرع و قانون در عهده و انحصار دولت است و هیچ شرکتی سهمی در منابع ندارد، اما شرکتی که سرمایه گذاری می کند باید اصل پول و سودش را از قرارداد دریافت کند، بر این اساس طبق ماده 3 ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز یا همان IPC، نه تنها توتال و دو شریکش مالک منبع گازی نمی شوند بلکه مطالبی عرف متعارف بین المللی و مانند همه قراردادهای دیگر بین المللی درصدی از درآمد حاصل از فروش گاز و میعانات را تحویل می گیرند.

روش بدین صورت است که نرخ بازگشت سرمایه مشخصی در قرارداد توافق می شود و بعد براساس قیمت جهانی نفت و گاز، طول دوره بازپرداخت تغییر می کند اما پاسخ دقیق تر به هر دو شیطنت دلواپسان بدین صورت است که:

قراردادهای جدید نفتی یک تفاوت اساسی با قراردادهای Buy Back دارند. در مدل قدیم شرکت سرمایه گذار پس از تکمیل توسعه میدان و تحویل پروژه (انجام تست 21/28) به شرکت نفت هیچ مسئولیتی در قبال پروژه نداشت و دوره بازپرداخت آن بلافاصله پس از تحویل پروژه شروع می شد. این روش مشکلات زیادی را ایجاد می نمود چون میادین نفتی و گازی بعد از چند سال بهره برداری افت فشار پیدا کرده و ظرفیت تولید آن کاهش پیدا می کند و به صورت مرتب باید روشهای ازدیاد برداشت در آنها اعمال کرد. در روش قبلی معمولاً هزینه این کار بعد از چند سال بر عهده شرکت ملی نفت بود و پیمانکار مسئولیتی نداشت. مشکل دیگر این بود که پس از تحویل هر اتفاقی در پروژه می افتاد، پیمانکار دیگر مسئولیتی نداشت به طور مثال در یکی از طرحهای توسعه نفتی، بعد از حدود یک ماه از تحویل به شرکت ملی

نفت ایران از کار افتاد! و الان بیش از 4 سال است که نمی‌تواند نفت تولید کند. علت آن هم طراحی بد پیمانکار بود اما چون طبق قرارداد دیگر کار از کار گذشته و پروژه تحویل داده شده است شرکت نفت دستش به جایی بند نبوده و نمی‌تواند هیچ‌گونه خسارتی دریافت کند.

بر این اساس روش جدید پیشنهاد شد و آن اینکه شرکت‌های پیمانکار در بهره‌برداری از مخزن هم حضور داشته باشند تا هم مشکلات آتی را خودشان برطرف کنند و هم برای حفظ منافع خود که شده، مجبور به استفاده از روش‌های ازدیاد برداشت باشند تا بتوانند سطح تولید را ثابت نگه دارند. برای استفاده از روش‌های ازدیاد برداشت باید زمان‌های طولانی در نظر گرفت مثلاً روش‌های EOR در یک بازه 5 تا 10 ساله جواب می‌دهد پس باید طول دوره بهره‌برداری تا طولانی نمود که تا 20 سال در نظر گرفته شده.

و کاملاً برعکس ادعای مذکور، فروش نفت بر عهده هیچ پیمانکاری نیست و صرفاً در اختیار شرکت ملی نفت ایران است. مالکیت مخزن هم چون جزو "انفال" است به هیچ شرکتی حتی داخلی واگذار نشده و نخواهد شد (با روش Product Sharing خارجی‌ها متفاوت است).

جهت عبرت و بصیرت

والدین و خانواده های مخالف ازدواج

فرزندان در اول بلوغ

گزارش مجلس از اوضاع روابط جنسی در مدارس

مرکز پژوهش‌های مجلس گزارشی با عنوان «ازدواج موقت و تاثیر آن بر تعدیل روابط نامشروع جنسی» روی وبسایت خود منتشر کرده است.

این گزارش با استناد به نامه‌ای از وزارت آموزش و پرورش، مبنی بر نتایج تحقیق بر ۱۴۱ هزار و ۵۵۵ دانش آموز دختر و پسر دوره متوسطه در سال تحصیلی تهیه شده است.

بر اساس این تحقیق، ۱۰۵ هزار و ۴۶ نفر دانش آموز یعنی ۷۴.۳ درصد دارای رابطه «با جنس مخالف» بوده‌اند.

در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ از ۱۴۱۵۵۲ دانش آموز (دختر و پسر) دوره متوسط در کل کشور ۲۴۸۸۹ نفر (۱۷.۵ درصد) دارای روابط همجنسگرایی (لواط میان پسران) و همجنسگرایی میان دختران بودند.

سن روسپیگری به ۱۵ سال به بالا رسیده است. تحقیقات دانشگاه شهید بهشتی نشان داده است که آمار روسپیگری بین زنان متاهل بیشتر از مجردهاست و ۱۱ درصد روسپیان شهر تهران با اطلاع همسرانشان تن فروشی می کنند. ۸۰ درصد دختران مورد پرسش در چند دبیرستان دخترانه تهران گفته‌اند که رابطه با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند.

بر اساس گزارش‌های آموزش و پرورش، ۴۰ درصد دانش‌آموزان رابطه با جنس مخالف را از ۱۴ سالگی شروع کرده‌اند.

ارتباط پیش از دانشگاه دختران و پسران نسبت به ۳۰ سال پیش، سه برابر شده و زمان شروع رابطه جنسی نیز به دوره راهنمایی رسیده است.

۱- ازدواج به وقت از اول بلوغ و یا حتی نزدیک آن (اگر طبق تعالیم وحی) انجام شود، نیاز به پیشنهاد ازدواج موقت بین نوجوانان نیست!

۲- همچنانکه سکوت و چشم فرو بستن خانواده ها و تن دادن به وضع موجود؛ نشانه لایبالی کړي آنهاست، و هرگونه رفتار خشن و فشار بجای رویکرد صحیح؛ جز نادانی و جهل نبوده و غیرت و تدین نیست.

۳- البته این نوع گزارشها به هیچ معصومیت دختران و پسران خانواده های مؤمن را زیر سؤال نمی برد، اما در هر صورت وضعیت و محیط مخاطره امیز آنها را نشان می دهد که حتی اگر به عنایت الهی محفوظ بمانند اما در رنج و فشار بوده اند و والدین ناآگاه و مانع از ازدواج در اول وقت؛ در آلودگی آنها و رنج اینها شریک محسوب می شوند.

آمادگی مسکو برای نبرد "پایان جهان"

بنابر گزارش منابع آمریکایی، مسکو خود را برای نبرد "آرماگدون" (جنگ پایان جهان) آماده می کند.



به گزارش **افکارنیوز**، آژانس اطلاعات نظامی آمریکا گزارش داده است که کرملین با حفاظت از "پناهگاه های هسته ای" زیرزمینی در **مسکو** خود را برای نبرد **پایان جهان** آماده می کند. فرض بر این است که رهبران **روسیه** در صورت بروز جنگ **هسته ای** به این پناهگاه ها که هریک از آن هزاران نفر را در خوی جای می دهد، پناه ببرند.

بر اساس آخرین گزارش آژانس اطلاعات نظامی آمریکا، این مرکز موفق به کشف و شناسایی مقر فرماندهی پناهگاه روسیه در عمق زیر **زمین** کاخ **کرملین** و دیگری در زیر دانشگاه مسکو شده است و رهبران روسیه می توانند از این دو مخفیگاه به مخفیگاههای مشابه دیگر در رفت و آمد باشند.

در همین حال، روزنامه اینترنتی "پراودا" گزارش داد که آژانس اطلاعاتی آمریکا پیش از آن اعلام کرد که روسیه در حال ایجاد ده ها مقر زیرزمینی در سراسر این کشور است. امروزه تعبیر آرماگدون برای اشاره به پایان جهان به کار می رود.

دستور زبان رهبری و مجادلات دوران جانشینی

امید منتظر یروز نامه نگار



تنش‌های اخیر میان رهبر و سپاه پاسداران با رئیس‌جمهوری چه دلالت‌های پیدا و پنهانی دارد؟ چرا تعبیرهای آیت‌الله خامنه‌ای به حداکثر وضوح رسیده؟ دعوا بر سر چیست؟ این جدال سیاسی بر چه پس‌زمینه‌ای رخ می‌دهد؟ این مقاله کوشیده است پاسخی برای این پرسش‌ها باشد.

رهبر ایران به پیشانی صحنه آمده، مداخلات سیاسی‌اش رنگ و بویی متفاوت گرفته و از تعبیری سرراست استفاده می‌کند.

اما در ساحت سیاست، قدرت و صراحت رابطه‌ای معکوس دارند.

هر چه حاکم صریح‌تر سخن بگوید، بدان معناست که در فرایند اعمال قدرت وقفه یا اختلالی پیش آمده است.

اصولاً حاکم زمانی خود به جلوی صحنه می‌آید که سلسله مراتب و روابط قدرت به خوبی کار نمی‌کند.

قدرت امری فیزیکی است - درست به همین خاطر با خشونت و درد تداعی می‌شود-؛ اما قدرت بالقوه همواره از قدرت بالفعل هولناک‌تر و مؤثرتر است، چراکه غایت و حد نهایی آن مشخص نیست.

به همین خاطر شاید استعاره «اتاق تاریک» عکاسی بهترین توصیف برای جایگاهی است که حاکم مقتدر در آن قرار می‌گیرد؛ آنجا که شرط اساسی ظهور تصویری که او می‌خواهد از جامعه بازنمایی کند تاریکی است.

در کالبدشناسی قدرت مدرن که چیدمانی از روابط پنهان و سلسله مراتب است، "ابهام" از خصلت‌های اصلی حاکم به شمار می‌آید. این درست خلاف موقعیت فعلی آیت‌الله خامنه‌ای است.

او اکنون به شیوه سنتی اعمال قدرت می‌کوشد تا اراده‌اش را "بی‌واسطه" بر افراد و گروه‌ها و حتی دولت منتخب تحمیل کند.

ماجرای آنجا آغاز شد که او بر خلاف موضع بی‌طرفانه‌اش در انتخابات ۹۲، در جریان برگزاری دوازدهمین انتخابات ریاست جمهوری انتقادات صریحی را علیه حسن روحانی ایراد کرد.

از آن پس نیز در پی شکست ابراهیم رئیسی، رهبر ایران خود پیش‌تاز حمله به شخص رئیس‌جمهور یا برنامه‌های دولت بوده.

اما چه دلایلی رهبر ایران را متقاعد یا درواقع مجبور کرده تا در قبال دولت منتخب تغییر رفتار دهد؟



آیت‌الله خامنه‌ای در مقام رهبری اصولگرایان

شاید آیت‌الله خامنه‌ای مایل نباشد وحدتی که اصولگرایان از خلال اجماع بر سر رئیسی به دست آوردند به راحتی از کف برود.

علی‌الخصوص در شرایطی که رقیب سیاسی آنها یعنی اصلاح‌طلبان، مشغول تجدید سازمان‌اند و توانسته‌اند در چند انتخابات اخیر نقشی جدی ایفا کنند.

آیت‌الله خامنه‌ای باید نگران باشد، نگران شکست‌های پیاپی اصولگرایان تندرو در چهار انتخابات اخیر.

این امر ممکن است بخش معتدل اصولگرایان را بیش از پیش به روحانی و اعتدال‌گرایان نزدیک کند.

بدین ترتیب، آیت‌الله خامنه‌ای از طریق موضع‌گیری علیه دولت و دو قطبی کردن فضا می‌تواند از همبستگی بخشی از اصولگرایان با اعتدال‌گرایان پیشگیری کند.

در واقع، کاربرد استعاره "بنی صدر" بیش از آنکه هشدار به دولت یا تهدید به عزل باشد، زنهاری به اصولگرایان بود.

اصولگرایانی که می‌توانند توازن مجلس شورای اسلامی را به نفع یا علیه دولت تغییر دهند. اکنون آیت‌الله خامنه‌ای خط قرمز برای این دسته را زد و بند با حسن روحانی قرار داده است.

بدین معنا تندروی مواضع رهبر ایران اخطاری پیشگیرانه برای تشکیل کابینه دولت دوازدهم هم محسوب می‌شود. کابینه‌ای که گمان می‌رود روحانی با دست بازتری بچیند. از این رو، جلسات رأی اعتماد در مجلس به‌نحوی یک وزن‌کشی سیاسی هم هست.

شاید تمام این دلایل بود که سر آخر آیت‌الله خامنه‌ای را متقاعد کرد تا پس از شکست ابراهیم رئیسی، خود به ناچار در مقام عامل اتحاد اصولگرایان وارد صحنه شود.

حقیقت آن است که تندروهای محافظه‌کار ایرانی دیگر به جز خود آیت‌الله خامنه‌ای شخصیت سیاسی مورد وثوقی ندارند که بر سرش اجماع کنند. این امر پس از مرگ آیت‌الله خامنه‌ای خود را بیشتر هم نشان خواهد داد.

این موضوع پس از شکست ابراهیم رئیسی بیش‌تر هم به چشم آمد. تولیت آستان قدس که حتی در هیأت ولی فقیه هم تصویر شده بود، نه تنها عملکرد قابل قبولی در رقابت‌های انتخاباتی نداشت، بلکه پس از انتخابات حتی نتوانست در جایگاه یکی از ریش‌سفیدان اصولگرا ظاهر شود.

علاوه بر این، اصولگرایان که شکاف‌ها و انشعاب‌های متعددی را در دهه گذشته پشت سر گذاشته‌اند، هنوز برنامه‌ای عملی و عینی برای کشورداری و اقتصاد ندارند.

شاید به همین دلیل هویت این جریان بدل به هویتی واکنشی شده که جز از خلال ضدیت با دولت‌های مستقر شناخته نمی‌شود. از این جهت، شاید خیال حسن روحانی هم تا حدی راحت است؛ لفاظی و جدل جناح مقابل بدیل و رقیب برنامه‌های دولت اعتدال به شمار نمی‌آید.

در مجموع برای هسته‌سخت حکومت دوران آن ثبات اجتماعی-سیاسی که از پی کنترل اعتراضات سال ۸۸ پیش آمده بود، گذشته؛ هواپیما از حالت خلبان خودکار (autopilot) خارج شده و بار دیگر رهبر ایران ناچار است، خود مستقیماً پا به عرصه سیاسی بگذارد.

گرچه باید تصدیق کرد که در طول رقابت‌های انتخاباتی حسن روحانی نیز جایگاه تازه‌ای یافته. اگر در سال ۹۲، بزرگترین حامی روحانی اکبر هاشمی رفسنجانی بود، در انتخابات اخیر این محمد خاتمی بود که نقشی به سزا ایفا کرد؛ امری که به نزدیکی افزون‌تر روحانی با اصلاح‌طلبان ترجمه می‌شود.

بدین‌سان روحانی در جایگاهی قرار گرفته که او را بیش از پیش محکم‌تر قرار می‌دهد.

با این همه، به نظر می‌رسد تغییر شیوه حکمرانی آیت‌الله خامنه‌ای، یعنی مداخلات شدید و شتابان او بیش از همه در سایه بحرانی شکل گرفته که می‌توان از آن به "دوران جانشینی" یاد کرد.



دوران جانشینی و احتضار سیاسی

مسئله آنجاست که در نظام قانونی مثل ایران، جایگاه حقوقی رهبری به خاطر موقعیت خاص، ویژه اش با کالبد، خصوصیات و رفتار شخص حاکم در هم می‌آمیزد و ترکیبی یگانه و ویژه می‌سازد، که انتخاب یا ترانشیدن جانشین برای آن، کاری دشوار است.

در چنین موقعیت‌هایی فقدان یک حاکم جایگزین رقبا و نیروهای سیاسی را بر آن می‌دارد تا با شتابی فزاینده، یعنی توسل به روش‌های نامتعارف و بعضاً خشن، این «خلاء» را پُر کنند.

در ایران، چند سالی است که "دوران جانشینی" آغاز شده؛ دستکم از زمان جراحی پروستات رهبر در سال ۱۳۹۳.

گمانه‌زنی بر سر فوت و جانشینی آیت الله خامنه‌ای آنقدر از سوی جناح‌های سیاسی تکرار شده که به نحوی در فضای جامعه "قریب‌الوقوع" بودن آن القا شده است.

استمرار و فوریت این بحث مشخصاً بر سرنوشت انتخابات مجالس شورای اسلامی و خبرگان در ۱۳۹۴ و انتخابات ریاست جمهوری در ۱۳۹۶ تأثیرگذار گذاشت.

با وجود این، هر چقدر از احتمال فوت آیت‌الله خامنه‌ای صریح‌تر سخن گفته می‌شود، بحث‌ها درباره جایگزین احتمالی او نامشخص‌تر می‌شود.

این موضوع از یک سو برای آینده سیاسی حکومت در شرایط جدال‌های بین‌المللی مسئله‌ساز است، و از سوی دیگر به لحاظ روانی به بلوک اصولگرایی ضربه می‌زند.

یقیناً برای آیت‌الله خامنه‌ای این مسائل دغدغه‌هایی حیاتی به شمار می‌آیند. اینکه بیت مدرنی که او بنیان گذاشته چه سرنوشتی می‌یابد؟ چه کسی وارث این دولت عظیم موازی خواهد بود؟ جناح سیاسی بحران‌زده نزدیک به او، یعنی اصولگرایان، در غیابش چگونه بر اختلافات و انشعاباتشان غلبه می‌کنند؟

رهبر ایران برای پاسخ به این پرسش‌ها راه آسانی در پیش ندارد. شکست‌های منصوبانش در انتخابات‌های چهار ساله گذشته، رتق و فتق امور پس از فوت را برای آیت‌الله خامنه‌ای سخت کرده.

دستکم اگر شانس نامزدهای احتمالی و بالقوه رهبری یکی پس از دیگری سقوط نمی‌کرد، امروز نیروهای نزدیک به آیت‌الله خامنه‌ای و منصوبانش در وضعیت روانی بهتری قرار می‌گرفتند. آیت‌الله هاشمی شاهرودی بیمار است، و ابراهیم رئیسی هم عملکرد قابل قبولی نداشته و الی آخر.

به ازای تمام وزارتخانه‌های دولت، نهاد و نمایندگی دارد. در واقع رهبر جدید احتمالاً تنها تا رسیدن به صدارت آبرنهاد بیت رهبری راه سختی خواهد داشت

کار آسان رهبر آینده

هر چند نباید فراموش کرد که سومین رهبر جمهوری اسلامی کار چندان سختی برای حکمرانی در پیش ندارد. آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۶۸، به جای بیت کلاسیک آیت‌الله خمینی یک بوروکراسی تمام عیار ساخت. بیت او اکنون به ازای تمام وزارتخانه‌های دولت، نهاد و نمایندگی دارد. در واقع رهبر جدید احتمالاً تنها تا رسیدن به صدارت آبرنهاد بیت رهبری راه سختی خواهد داشت.

دفعه اول، دوران جانشینی رهبری جمهوری اسلامی مملوء از تحولاتی پر هزینه بود: پایان جنگ، تغییر قانون اساسی، برکناری آیت‌الله منتظری از قائم مقامی، حل مشکل زندانیان 67

اینبار باید دید آیت‌الله خامنه‌ای دوران قدرتش را چگونه به پایان می‌برد.

در حال حاضر با توجه به عدم انسجام جریان‌های اصولگرا، قوی‌ترین متحد رهبری ایران سپاه پاسداران است؛ نظامیانی که با بال‌های اقتصادی خود در کنار بوروکراسی بیت رهبری هسته سخت حکومت را تشکیل می‌دهند.

همزمان اصلی‌ترین رقیبان آیت‌الله خامنه‌ای برای سر و سامان دادن به آینده "نظام"، دولت و گروه‌ها و مجموعه‌های همبسته‌اش به شمار می‌روند.

شاید به همین حساب امروز جدی‌ترین رقیب روحانی نیز سپاه از کار درآمده. نهادی که رئیس جمهور آن را "دولت با تفنگ" می‌خواند.

هرچند گذشته از جنبه‌های اقتصادی، دیگر محور اساسی رقابت سپاه و دولت تفسیر "گفتمان امنیت ملی" است؛ گفتمانی که در سال ۹۲ راه روحانی برای ریاست‌جمهوری را باز کرد، اما به راحتی ممکن است در شرایط جنگی فعلی، این گفتمان بدل به تیغی دولبه شود و کار را از دست دولت به در کند.

از جمله مهم‌ترین تحولات و خبرهای خاورمیانه در 24 ساعت گذشته بوده‌اند. در این میان، باید به گزارش‌هایی مبنی بر ترور یا ناپدید شدن امیر قطر نیز اشاره کرد.

به گزارش «تابناک»؛ یک وبگاه فرانسوی متخصص در امور قطر، از ناپدید شدن امیر قطر از زمان بروز بحران با کشورهای عربی خبرداد.

«قطر اینفو» که به مقام‌های رده بالای قطر نزدیک است و متخصص شناساندن این کشور به فرانسوی‌ها و کشورهای غربی است، به نقل از «آنتونیو امانییرا» مؤسس این وبگاه، درباره شرایط مبهم ناپدید شدن شیخ تمیم بن حمد امیر قطر از زمان بروز تنش میان این کشور با کشورهای تحریم‌کننده آن، ابراز نگرانی کرد و از وجود خبرهای تأیید نشده مبنی بر در خطر بودن جان امیر قطر خبر داد.

این وبگاه به تحلیل‌هایی که سرشار از نگرانی برای جان امیر قطر است، اشاره کرد و با بیان اینکه شیخ تمیم، یک هفته است دیده نشده، آخرین حضور علنی او را در بازدید از موزه ملی در دوحه دانست که در این بازدید، خواهرش «شیخه میاسه» او را همراهی می‌کرد. این بازدید را رسانه‌های رسمی قطر، با چند ساعت تأخیر، منتشر کردند.



در این وبگاه آمده است: پس از بازدید از موزه، امیر قطر، در یکی از مراکز فرماندهی محرمانه در دوحه ناپدید شد و از آن تاریخ هیچ کس نمی داند شیخ تمیم کجاست.

با ناپدید شدن شیخ تمیم، ده ها تن از عناصر وابسته به گارد امیر قطر، از بیم ترور شدن او، در چندین منطقه از این کشور پراکنده شدند و به موازات آن به نیروهای ترکیه که در دوحه قطر مستقر هستند، آماده باش اعلام شد.

به موازات نیروهای گارد امیر قطر و نیروهای ترکیه، شمار دیگری از نیروهای امنیتی سری نیز در قطر پراکنده شدند که هیچ کس ملیت یا هویت آن ها را نمی داند.

در گفتگو مشرق با سفیر سابق کشورمان در قطر مطرح شد:

امیر قطر مدعی است که اجدادش شیعه بودند/ امیر قطر چندین بار درخواست ملاقات با رهبر انقلاب را داشت/ ماجرای گردن زدن شهروند یزدی در عربستان چیست؟

امیر فعلی قطر گفته بود که ما از قبیله بنی تمیم هستیم که این‌ها شیعه عراقی بوده‌اند و وقتی اجداد ما رفته‌اند به نجد عربستان، وهابی برگشته‌اند.

سرویس جهان مشرق - "عبدالله سهرابی" سفیر سابق کشورمان در قطر به بررسی ریشه‌های کینه‌ورزی سعودی‌ها با جمهوری اسلامی ایران پرداخت و دلیل این کینه‌ورزی را در واقع به شکلی همان دلیل خصومت امروز عربستان با قطر توصیف کرد و گفت: عربستان به اعتبار وجود حرمین شریفین و برخورداری از ثروت عظیم نفتی به دنبال برتری جستن بر منطقه است، اما جمهوری اسلامی ایران را در این مسیر مانع خود می‌داند و قطر نیز امروز نشان داده حاضر به پذیرفتن تداوم برتری عربستان نیست و این نقطه عطف روند فروپاشی شورای همکاری خلیج فارس است.

سهرابی در این گفتگو با ناگفته‌هایی درباره امیر فعلی قطر اشاره می‌کند که برای اهل پژوهش و کارشناسان عرصه سیاسی و بین‌المللی؛ قابل تأمل و پیگیری است، مطالبی همچون شیعه بودن اجداد تمیم بن حمد بن خلیفه آل ثانی و... متن کامل این مصاحبه را در ادامه می‌خوانیم:

**** آقای عبدالله سهرابی، با توجه به سابقه حضور شما در عربستان بفرمایید که این حقد و کینه عربستان علیه جمهوری اسلامی که در این سال‌ها حالت علنی‌تری پیدا کرده، ریشه‌اش در چیست؟**

بسم الله الرحمن الرحيم. واقعیت این است که امروز ایران و عربستان دو کشور مدعی سرمداری یا مدیریت عالی استراتژیک در جهان اسلام هستند. یک بال جمهوری اسلامی به‌عنوان محوریت تشیع و بال دیگر دولت عربستان سعودی به‌عنوان تفکر اهل سنت یا گرایش‌هایی که متأسفانه امروز با اتخاذ سیاست‌های غلط و نابجای حکام آل سعود، باعث معضل بسیار بزرگی در جهان اسلام شدند و

امروز شاهدیم چالش‌هایی که در جهان اسلام پیش آمده تلفات بسیار جبران‌ناپذیری را در بخش‌های مادی و معنوی و انسانی به جهان اسلام تحمیل کرده است. امروز در عوض اینکه در جهان اسلام در رویارویی با رژیم صهیونیستی انسجام داشته باشیم و این غده سرطانی را از منطقه بزداییم، کشورهای اسلامی به جان هم افتاده‌اند.

دولت عربستان سعودی به نظرم از زمانی که جاسوس انگلیسی به نام مستر همفر به این کشور وارد شد و به بهانه کارگری در یک نجاری با پایه‌گذار رژیم آل سعود ارتباط برقرار کرد و جریان وهابیت و محمد بن سعود ایجاد شد، این مسیر امروز را آغاز کرد.

محمد بن سعود فرد بسیار متدین، نماز شب خوان و دائم الصوم که همیشه با قرآن مأنوس بود، به‌جایی رسید که وسط ماه مبارک رمضان، سر ظهر سفره پهن می‌کرد و روزه‌خواری می‌کرد و به‌جایی رسید که بالاخره ریشه این انحراف را در جهان اسلام در دولت عربستان پهن کردند.



متأسفانه رژیم آل سعود به‌جای اینکه امروز سرمایه‌هایی که در اختیار دارد و ادعایی که به‌عنوان خادم‌الحرمین شریفین بر گردن دارد، در عوض اینکه تمام این پتانسیل را در جهت جذب غیرمسلمان‌ها به دین حق، که دین اسلام است و دین کامل است، صرف کند، مسیر را عوض کرده و این سرمایه مردمی و مادی بسیار بالایی که به طور متوسط الآن بیش از ۱۰ میلیون بشکه نفت در روز صادر می‌کنند و یک مقداری هم خارج از ضوابط اوپک دارند به بازار تزریق می‌کنند،

تمام این سرمایه را به بهانه کارهای خیریه‌ای و ساخت مساجد، صرف تربیت جوانان و مسلمان گرایی و این حرف‌ها کرده‌اند و از ۱۵ سال قبل، سالی حداقل ۱۵ میلیارد دلار اعتبار برای ترویج فرهنگ سلفی گری هزینه کرده‌اند. تمام اسناد این موجود است و این به‌عنوان استراتژی دولت آل سعود در دستور کار بوده است. این منهای سرمایه‌گذاری‌هایی است که در طول چند سال گذشته برای شکل‌گیری جریان داعش و پایه‌گذاری آن و برهم ریختن وضعیت کشورهای مثل بحرین و یمن و سوریه است که برابر اطلاعاتی که برخی شبکه‌های خارجی منتشر کرده‌اند، بیش از ۱۱۸ میلیارد دلار این‌ها در این جریان‌ها هزینه کرده‌اند. همان‌طور که در طول دوران ۸ سال دفاع مقدس هم با محوریت سعودی بیش از ۴۳ میلیارد دلار دولت عربستان به صدام پول و سلاح داد.

**** سابقه این کینه‌توزی‌ها به کجا برمی‌گردد؟**

این‌ها از همان زمان پایه‌گذاری جریان وهابیت این فاصله را با جهان تشیع ایجاد کردند. به‌واقع اهل سنت را تلاش کردند در مقابل ما قرار دهند. درحالی‌که این کذب محض است و جریان اهل سنت واقعی، اصلاً با شیعه مشکلی ندارد و ما باید در جمهوری اسلامی، این را به‌عنوان یک استراتژی و به‌عنوان یک نکته اصلی در دستور کار قرار دهیم که جریان داعش یک کار فرهنگی و جدای از مسائل اهل سنت است.

این جریان دعوا و اختلاف فرهنگی و اعتقادی ما با دولت عربستان سعودی است، اما ما همواره در طول دوران بعد انقلاب سعی کردیم به عربستان نزدیک شویم و ارتباطات داشته باشیم.

**** قبل از انقلاب هم این اختلافات سابقه داشته است؟**

بله. من فکر می‌کنم اوج این اختلاف دیدگاه مذهبی ما برمی‌گردد به موضوع دستگیری زائر ایرانی مرحوم حاج ابوطالب یزدی که خدا رحمتش کند. ایشان زائری بوده که از استان یزد مشرف می‌شود به حج. من این را در سوابق موجود در کنسول گری زمانی که سرپرست کنسولگری ایران در جده بودم، اسنادش را استخراج و مطالعه کردم و هنوز اسنادش در دفتر مطالعات ما وجود دارد.

این زائر ایرانی در شرایطی که در حال احرام بوده است در کنار کعبه در حجر اسماعیل حالت تهوع به او دست می‌دهد و استفراغ می‌کند. او را بازداشت می‌کنند و به او تهمت می‌زنند. باوجوداینکه این‌همه بر حرمت و جایگاه زائر بیت‌الله احرام تأکید شده و در قرآن می‌فرماید هر کس به این سرزمین وارد شد در امان است،

آن‌هم در ماه حرام که کشتار و جنگ حرام است، این زائر ایرانی مظلوم شیعه را گرفتند و حکام وهابی گفتند او مست بوده و تهمت زدند به او و در حال احرام او را بردند گردن زدند که در نتیجه این اقدام روابط ما یک‌دفعه به صفر رسید.

این اتفاق در اواخر دوره رضا شاه رخ می‌دهد. این اختلافی که امروز ما با دولت عربستان داریم که هر چند وقت یک‌باری این رخدادها اوج گرفته و روابط به هم می‌ریزد از اینجا شروع می‌شود.

**** روابط چگونه برقرار شد؟**

بعد از مدتی که رابطه ما کاملاً قطع بود، مصری‌ها واسطه شدند و یک دور مذاکراتی انجام شد و بالاخره سعودی‌ها عذرخواهی کردند و قرار شد خون‌بهای آن مرحوم پرداخت شود. دولت عربستان آن موقع در جده مستقر بود، پایتخت آنجا بود. تقریباً خانه همه امرای دولت عربستان و شاهزاده‌ها در جده بود. آمدند منزل امیر فیصل که یکی از شاهزاده‌های سعودی در جده که ۲۰۰ متری سرکنسول گری آمریکا در منطقه بود، آنجا را که یک باغ بزرگ ۶۴ هکتاری بود، به‌عنوان خون‌بها به دولت آن زمان ایران دادند که امروز سرکنسول گری جمهوری اسلامی ایران و سفارت ما در سازمان کنفرانس اسلامی همه آن‌ها در این مکان قرار دارد و الآن هم در اختیار جمهوری اسلامی است.

البته من خاطرم هست در زمان آقای خرازی که وزیر خارجه بودند در یک ملاقاتی با سعود الفیصل وزیر خارجه سعودی، در این ملاقات خصوصی سعود الفیصل یک برگ چک روی میز می‌گذارد و می‌گوید ما این ملک را لازم داریم، شما آن را به ما بفروشید و روی چک یک عدد یک و یک صفر می‌نویسد و می‌گوید شما هر چقدر می‌خواهید جلوی آن صفر بگذارید.

شاید یکی از استراتژی‌هایی بود که این‌ها در دستور کار داشتند و می‌خواستند سابقه این خون‌بها را پاک کنند که این از سوی ایران پذیرفته نشد. این با تصمیم مراجع بالای کشور اتخاذ شد. این اولین بار هم نیست، در حادثه حج خونین، در حادثه منا و سقوط جرثقیل که خود من هم آنجا بودم که منجر به شهادت جمع زیادی از زائران مظلوم ایرانی شد، ما هنوز از این‌ها طلبکاریم و پرداخت خون‌بهای آن‌ها در هاله‌ای از ابهام مانده است. این موضوع پیچیده‌ای است و مقداری به نظرم متخصصین باید عمیق‌تر روی عربستان کار کنند.

**** یعنی این اتفاقات از زمان اعدام حاج ابوطالب یزدی کلید خورده و هر چند سال یکبار تکرار شده است؟**

بله. ببینید ما با توجه به مجموعه توانمندی‌های اطلاعاتی و اشراف امنیتی که در منطقه داریم، رفتار دولت سعودی کاملاً تحت رصد ماست. خوشبختانه امروز با درایت مقام معظم رهبری و شورای عالی امنیت ملی، دستگاه‌های مراقب ما سوار بر تحولات منطقه هستند. یک مصداق را من فقط اشاره کنم. در جریان دستگیری عبدالمالک ریگی، این آدم جنایتکاری که بیش از ۱۸ نفر از بچه‌های نیروی انتظامی و شهروندان مؤثر ما در سیستان و بلوچستان را به شهادت رسانده بودند، در یکی از سال‌ها که او به دعوت رسمی دولت عربستان مهمان این‌ها بود، بچه‌ها و سربازان گمنام امام زمان آنجا رد او را شناسایی می‌کنند و با سر حلقه‌ها تماس می‌گیرند که اجازه دهید ما او را دستگیر کنیم، که دولت عربستان این موضوع را نمی‌پذیرد. اما بچه‌های نیروهای امنیتی رد کار را داشتند و خوشبختانه توانستند در یک عملیات بسیار پیچیده اطلاعاتی - امنیتی از پرواز هواپیمای قزاقستانی که از دوبی به‌جای دیگری در پرواز بود بالاخره ریگی را دستگیر کنند. جالب اینجاست که وقتی هواپیما می‌نشیند، نیروهای اطلاعاتی ما دقیقاً می‌دانستند که ریگی روی کدام صندلی نشسته است و مستقیم سراغ همان صندلی می‌روند.

**** با توجه به حضور چندساله شما در جده و اینکه سوابق کینه‌ورزی سعودی‌ها نسبت به حجاج ایرانی را از نزدیک مطالعه کرده‌اید، در مدتی که آنجا بودید، آیا مورد دیگری بوده است از این کینه‌ورزی‌ها که شما با آن برخورد مستقیم داشته باشید؟**

در دولت عربستان سعودی ۲ نگاه نسبت به جمهوری اسلامی وجود دارد. یک نگاه همان نگاه مثبت اهل سنت است که در لایه‌های مختلف وزارت خارجه و دیگر دستگاه‌های عربستان وجود دارند و بسیار افراد خوش‌اخلاق و دوستدار جمهوری اسلامی و واقعاً مسلمان هستند. وقتی کسی ادعا می‌کند خادم‌الحرمین است اولین ویژگی‌اش باید اخلاق‌مداری باشد. آن نگاه، نگاه بسیار خوبی است که در سطوح مختلف ما می‌دیدیم.

این نگاه امروز البته به نظرم غلبه ندارد و آن نگاه وهابی بیشتر در لایه‌های مختلف قوه قضائیه، در محکمه‌ها و در دستگاه‌های اطلاعاتی بیشتر نفوذ دارد. هر روز هم شاهدیم که این دارد تقویت می‌شود. با سر کار آمدن محمد بن سلمان که

جوان بسیار خام و تربیت شده و دست پرورده جریان‌های آمریکایی و غربی است ما این را متأسفانه پررنگ‌تر می‌بینیم.

من در ملاقاتی که با امیر عبدالمجید، امیر مکه داشتم روابط بسیار خوبی داشتیم و با نهایت احترام با ما برخورد می‌کرد. عبدالمجید امیر مکه بود و خیلی با ایرانی‌ها روابط خوبی داشت. درست است در بحث احکام قضایی و این‌ها مشکل داشتیم اما در کارهای اجرایی نه. به اعتراف آقای مدنی وزیر حج اسبق سعودی‌ها، آن‌ها می‌گفتند بهترین کشور از حیث خدمات رسانی نظم و انضباط و بهترین الگو در برگزاری مراسم حج جمهوری اسلامی ایران است. اما از روزی که من به مأموریت اعزام شدم در تمام مذاکرات سطح بالا یک نکته از ما می‌خواستند. می‌گفتند شما بعثه مقام معظم رهبری را جمع کنید و بعد هر قدر می‌خواهید زائر بیاورید.

**** چرا علت چه بود؟**

این‌ها نگران بودند که ما داریم آنجا چه کار پیچیده‌ای انجام می‌دهیم. جز کار فرهنگی و اینکه اگر کسی به ما رجوع می‌کند ما او را تشویق کنیم و راه حق را به او نشان دهیم و اعتقادات و باورهایمان را تشریح کنیم، کار دیگری نداریم. در فرصت حج که بهترین فرصت است و مسلمانان از همه جهان اسلام در آن حضور دارند، آنجا محل اتصال و ارتباط است ما ارائه می‌کنیم.

**** شما چه استدلالی با این مخالفت می‌کردید؟**

مأموریت اصلی کار فرهنگی به دست فرهنگی‌ها بود. اما آنچه ما می‌گفتیم این بود که شما چه واهمه‌ای دارید؟ شما افکارتان را تبلیغ کنید و ما هم تبلیغ می‌کنیم. کسی که باید انتخاب کند شنونده است. ما نیستیم. ما ابزاری نداریم آنجا. مهمان هستیم آن‌هم مدت کوتاهی که حداکثر سی‌وچند روز است. منتها به دلیل حقانیت فرهنگ تشیع این رویکرد ما تأثیرگذاری داشت و این‌ها نگران بودند. والا شما فکر کنید الان کل مجموعه شیعیان در عربستان سعودی در چه وضعیتی هستند؟

**** به شیعیان قطیف و این‌ها هم شما آنجا سر می‌زدید؟ ارتباطی داشتید؟**

نه. در عربستان ضابطه‌ای گذاشته‌اند که اتباع سعودی هر ۵ سال یکبار می‌توانند حج بروند. خوب از قطیف و دمام و مدینه و این‌ها هم به حج می‌آمدند و موقع نماز

خواندن و انجام اعمال و مناسک معلوم می‌شد که کی شیعه است و کی نیست دیگر.

**** شما با شیعیان عربستان دیالوگ و ارتباطی داشتید؟**

بله.

**** با شیخ النمر چه؟**

با شیخ النمر نه، ولی با مرحوم شیخ امری که بزرگ مدینه بود و بیش از ۹۰ سال داشت و بسیار هم مورد احترام بود، ارتباط داشتیم. خاطرم هست به دلیل علاقه وافر که مقام معظم رهبری به ایشان داشتند، ایشان را دعوت کردند به ایران و وقتی با آقا دیدار کردند به شدت تحت تأثیر مقام معظم رهبری و ساده زیستی، ادب و احترام ایشان قرار گرفتند. حتی مقام معظم رهبری پیغامی داده بودند به آیت‌الله طیبی وقتی ایشان را برده بودند زیارت، احترام ویژه‌ای کرده بودند به ایشان و ۱۲ تخته فرش‌های حرم امام رضا به ایشان هدیه شد تا برای حسینیه‌شان در مدینه ببرند که با موانعی مواجه شدند و نتوانسته بودند ببرند. در نهایت ما دخالت کردیم و به‌عنوان بار سفارت بردیم و یادگارهای امام رضا را آنجا پهن کردیم. ارتباطمان خیلی ارتباط خوبی بود، اما شیعیان آنجا به شدت در مضیقه هستند. نه الآن، همیشه تاریخ در مضیقه بودند. حتی یادم هست در انتخابات شوراهای شهر که به اصطلاح دولت سعودی خواست در سال ۸۱ ادای فضای باز در بیاورند، در مدینه یکی از شیعیان که خیلی آنجا نفوذ داشت و حائز اکثریت بود، شب قبل از انتخابات چادرهای انتخاباتی او را وهابی‌ها آتش زدند.

به شدت دنبال جلوگیری از گسترش فرهنگ شیعه هستند. یک تعداد از برادران افغانی را هم متأسفانه جذب کردند. کتاب‌هایی به زبان فارسی منتشر کردند. الآن که با سرمایه‌گذاری کلانی به شدت علیه فرهنگ شیعه در قبرستان بقیع، مسجد احرام و مسجد النبی تبلیغ می‌کنند. یک فرهنگ بسیار بی‌ربط من‌درآوردی دارند. یک‌بار می‌خواستند ما را هم سر بحث دستگیر کنند که وقتی متوجه شدند دیپلمات هستیم، نتوانستند.

رفتارهایشان خیلی رفتار تند و خشن و زننده‌ای است که فرهنگ ایرانی آن را نمی‌پذیرد و این باعث شکافی شده که متأسفانه مخصوصاً در این چندساله اخیر با آمدن امیر سلمان و فوت امیر فیصل و نائف و امیر عبدالله که خیلی به ایران علاقه داشت، تشدید شده است. امیر عبدالله یک فرهنگی را داشت در عربستان حاکم

می‌کرد؛ فرهنگ دموکراسی و لیبرالی که عمرش کفاف نداد و امروز عربستان در داخل خودش دچار یک چالش جدی است.

اگر مقداری به فرهنگ مردم برگردیم به‌جرت می‌توان گفت ۸۵ درصد مردم با حکومت نیستند، اما دستشان به‌جایی بند نیست. نه امکانی و نه بلندگویی برای اعتراض و بیان نظراتشان. در یک فضای خفقان دارند زندگی می‌کنند و شیعیان که دیگر بدتر در عسر و حرج مطلق زندگی می‌کنند.

در این ایام اخیر دیدید که در جریان اعتراضات مردم العوامیه، پهباد به هوا فرستادند و مردم را با آن به گلوله بستند. شیخ النمر چه می‌خواست مگر. آیا اقدام مسلحانه کرده بود. او در مسجد فرهنگ شیعه را تبلیغ می‌کرد که وهابیون تحمل این فرهنگ را ندارند؟

**** شما مدتی هم سفیر کشورمان در قطر بودید؟ ریشه این اختلافی که امروز بین عربستان و قطر می‌بینیم، چیست؟**

واقعیت این است که دولت عربستان یک ادعای باطلی را در فرهنگ سیاسی خودش دارد، ترویج می‌کند که امروز محکوم به شکست است. به دلیل جایگاه حرمین شریفین و سرمایه‌های نفتی بسیار زیادی که عربستان دارد، همواره سعی کردند حاکمیت و اشرافیت خودشان را در شورای همکاری خلیج فارس و در میان کشورهای اسلامی و به ویژه کشورهای آفریقایی که در فقر شدید به سر می‌برند، با فرستادن پول و ساختن مساجد و تربیت افراد با تفکر تکفیری این شیخوخت خودشان را حفظ کنند. ضمن اینکه بخش اعظمی از زیرساخت‌های سازمان کنفرانس اسلامی را با زیرکی در عربستان مستقر کرده‌اند. شما ببینید سازمان کنفرانس اسلامی که یک سازمان جهانی بین‌المللی با عضویت بیش از ۵۰ کشور اسلامی است، امروز چه خاصیتی دارد؟ در ارتباط با یمن دیده‌اید که یک موضعی بگیرد؟ در ارتباط با فلسطین، لبنان، سوریه، لیبی، مصر، افغانستان و بحرین خاموش است. اما نفر دبیرخانه در جده عربستان است و بودجه‌اش را هم بخش بیشترش را عربستان می‌دهد. ما هم سالی حدود ۶۰۰ هزار دلار حق السهم خودمان را می‌دهیم، اما این عربستان است که یک نفر از خودش را می‌گذارد دبیر. الآن وزیر سابق حج عربستان دبیر است.

نکته دیگر اینکه برای سازمان‌دهی و رسیدگی به امور مسلمانان و کشورهای فقیر اسلامی، ذیل سازمان کنفرانس اسلامی، بانک توسعه اسلامی را طراحی کردند. آقای محمدعلی که از سعودی‌های متدین و شریف است، رئیس این بانک است، اما

این بانک در اختیار و ابزار دولت عربستان است. دولت سعودی با این سرمایه‌گذاری سعی داشت بزرگتری خودش را در کشورها به ویژه در میان اعضای شورای همکاری خلیج‌فارس، همیشه با زور و قدرت این را حاکم کند. امروز ولی این دیگر نیست. شما می‌بینید جریان فروپاشی شورای همکاری خلیج‌فارس در حال شکل‌گیری است. به ظاهر شورا و توافق و مرامنامه و اساسنامه و توافقات‌های امنیتی، اطلاعاتی، اقتصادی، بازرگانی، گمرکی و تجاری با هم دارند، هماهنگ هستند در ظاهر، اما سر مسائل جهان اسلام امروز کشورها اختلاف دارند. مثلاً حدود ۴ سال پیش عمانی‌ها از این شورا جدا شدند و در جریان یمن اصلاً به میدان نیامدند.

شاید هم یک برنامه‌ریزی از طرف غربی‌ها برای فروپاشی شورای همکاری خلیج‌فارس با موضوع داعش و جمع‌کردن این موضوع در دستور کار باشد. اصلاً نباید این احتمال را نادیده گرفت. داعش را کی ساماندهی کرد. به‌صراحت همین آقای ترامپ آمد لو داد که هیلاری کلینتون در زمان وزارت امور خارجه آمریکا آن را سازمان‌دهی کرد.

اختلافات قطری‌ها با عربستان فکر می‌کنم اینجا تمام نخواهد شد. این زاویه‌ای که ایجاد شده، کویته‌ها هم الآن با عربستان مواضع شورای همکاری خلیج‌فارس مشکل دارند. بحرینی‌ها هم زیر دست‌وپا ماندند. عمانی‌ها جدا شده‌اند. نگاه عمانی‌ها به یمن اصلاً نگاه دیگری است. مردم یمن در شرایط بسیار سختی دارند به سر می‌برند. وضعیت یمن به بحرانی برای خود عربستان شده است. امروز وضعیت به‌جایی رسیده که عربستان با کسری بودجه سالیانه ۱۰۰ میلیارد دلاری مواجه شده است؛ کشوری که روزی یک میلیارد دلار درآمد دارد.

یکی از بحث‌هایی که سعودی‌ها با ما داشتند، این بود که یک تعدادی از شهروندان عربستانی به ما پناه آورده بودند، حرف آن‌ها این بود و مرتب پیغام می‌دادند که جمهوری اسلامی این‌ها را به عربستان بازگرداند. در یکی از مذاکرات با رئیس‌جمهور وقت، امیر قطر این موضوع را مطرح کرد که سعودی‌ها به ما می‌گویند بیاید به ما کمک کنید، ما می‌خواهیم مسائلمان را با ایران حل‌وفصل و تمام کنیم. فقط یک شرط داریم و آن هم اینکه این‌ها یک تعدادی سعودی فراری در ایران را به ما بدهند. آن زمان رسماً رئیس‌جمهور وقت اعلام کرد که این‌ها به ما پناه آورده‌اند و ما این‌ها را دستگیر نکرده‌ایم که به شما پس بدهیم.

این‌ها ۱۵ نفر بودند. جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که این‌ها اگر بخواهند به اختیار خودشان هر جا می‌توانند بروند. عربستان هم اگر تعهد و امان‌نامه بدهد که جانشان در خطر نباشد، اگر خودشان بخواهند به عربستان هم می‌توانند بازگردند.

من فکر می‌کنم این‌ها بیشتر بهانه است. سعودی‌ها امروز به این نتیجه رسیده‌اند که جمهوری اسلامی دیگر جمهوری اسلامی اول انقلاب نیست. امروز از نظر فرهنگی بسیار در جهان اسلام نفوذ کرده و این یک واقعیت است که باید آن را بپذیرند. این دست ما هم به‌عنوان جمهوری اسلامی نیست؛ این فرهنگ علوی و نبوی ماست. امروز دین ماست که در منطقه و جهان نفوذ کرده و عربستان نگران آینده خودش و تفکر وهابی است.

بالاخره ایران این ۱۵ نفر را پس داد؟

نخیر. ما نپذیرفتیم و گفتیم ما نیازی به واسطه نداریم. حتی در سفری که رئیس‌جمهور قبل به عربستان دعوت شد که در فیلم‌ها هم نشان دادند وقتی رسید به امیر عبدالله و با او دست داد، امیر عبدالله دست او را گرفت و کنار خودش نگه داشت. اجازه نداد حتی با دیگر روسای جمهور مصافحه کند. حتی من بعداً شنیدم که از دیوان ملکی پیام فرستاده‌اند که امیر عبدالله به شما سلام می‌رساند و می‌گوید شما فردا را در مکه بمان، تا بعد از افطار بنشینیم مشکلاتمان را با هم حل کنیم که آقای رئیس‌جمهور قبول نکردند و گفتند که ما برنامه داریم و باید برگردیم. این را باید عربستان بپذیرد که ایران امروز یک قدرت بزرگ منطقه‌ای است که بیخ گوش آن‌هاست.

**** یکی از مسائلی که در رسانه‌ها مطرح می‌شود این است که ترکیه و قطر به دنبال این هستند که خلبان‌های ایرانی را جذب کنند. زمانی که شما در قطر بودید چقدر این وضعیت وجود داشت؟**

شاید یکی از پتانسیل‌هایی که امروز برای جمهوری اسلامی به‌عنوان دست برتر مطرح است، همان کارآمدی نیروی انسانی است. یکی از هنرهای کشورهای استفاده از منابع انسانی‌شان است. هوش سرشار ایرانی‌ها زبانزد خاص و عام جهان است. در یکی از ملاقات‌های امیر قطر این را اعتراف کرد که من به کشورهای مختلف برای درمان می‌روم و می‌بینم که پزشکان خوب در آنجا ایرانی هستند.

امیر قبلی قطر اعتراف داشت به اینکه ایرانی‌ها هوش سرشاری دارند. در قطر هم با ایرانی‌ها خیلی روابط خوبی داشت و گاهی حتی بدون تشریفات و محافظ

می‌رفت پیش ایرانی‌ها. خیلی می‌گفت که ایرانی‌ها اینجا زحمت می‌کشند و سرمایه آورده‌اند و کار می‌کنند. حتی در یکی از دیدارهای من با شیخ محمد بن راشد نخست‌وزیر فعلی امارات او در ملاقات خصوصی با من گفت که در اجلاس‌های مختلف به تمام اتباع و تجار خارجی گفته‌ام که من به‌صراحت می‌گویم که هیچ‌کدام از تجار کشورها، مثل ایرانی‌ها دوست دار امارات نیستند. ایرانی‌ها چند خصوصیت دارند. می‌گفت که این‌ها را من پشت تریبون گفتم که ایرانی‌ها هم پول می‌آورند، هم خوب پول در می‌آورند، هم خوب خرج می‌کنند، هم خوب کمک می‌کنند و هم خوب کاسبی می‌کنند و هم خوب زندگی می‌کنند، اما بقیه فقط آمده‌اند اینجا کاسبی کنند. خوب نمی‌خورند، خوب کاسبی نمی‌کنند و خوب نمی‌گردند. او گفت که این نشانه خاصیت و بزرگ منشی و شخصیت بالای ایرانی‌هاست.

در قطر هم در بخش‌های مختلف از جمله صدور خدمات فنی و مهندسی به‌عنوان منابع انسانی، شاید ایران یکی از مؤثرترین و مهم‌ترین پتانسیل‌ها بوده است.

در ارتباط با راه‌اندازی همین شرکت هوایی قطر که امروز از شرکت‌های مطرح دنیاست و بیش از ۱۶۰ فروند هواپیمای سیویل دارند، پایه‌گذارش خلبان‌های ایران بودند.

**** چه انگیزه‌ای باعث شد که خلبان‌های ایرانی به قطر بروند؟**

حقوق بسیار مناسب. دست و بال قطری‌ها باز است. آموزش‌های به روز می‌بینند و میدان کار به لحاظ اینکه پروازهای گسترده‌ای در قطر انجام می‌شود خوب این‌ها برای خلبانان انگیزاننده است. فرودگاه بسیار خوبی طراحی و ساخته شده است. ۱۱ میلیارد دلار هزینه ساخت اولیه آن شد و امروز از ترمینال‌های بزرگ هوایی جهان است.

**** در بحث درگیری‌ها در سوریه وقتی تعدادی ایرانی را جبهه النصره گروگان گرفته بود قطر میانجی‌گری کرد و این‌ها آزاد شدند، قضیه چه بود؟**

یکی از مسائلی که باعث شده امروز قطر در محافل بین‌المللی سر زبان‌ها بیفتد، تلاش این‌ها در حل مناقشات بین‌المللی است. نه تنها در ارتباط با این موضوع خاص در موضوعات دیگر مثل دارفور هم این‌ها خیلی تلاش کردند و موفق هم بودند. همواره به خصوص امیر قبلی در مناقشات بین‌المللی خیلی مؤثر و فعال بوده‌اند. حتی در موضوع یمن و بحرین هم این‌ها چند بار تلاش کردند میانجی‌گری

کنند که دولت عربستان اجازه نداد و به شدت هشدار داد و شاید یکی از اشکالات اساسی بین این‌ها الآن همین بحث یمن و بحرین است که اختلاف نظر دارند. ۴۸ نفر از بازنشستگان سپاه برای زیارت به سوریه رفته بودند که عوامل جبهه النصره این‌ها را گروگان گرفتند و تهدید می‌کردند که آن‌ها را می‌کشد. شرایط نامناسبی بود و دستگاه‌ها فعال شدند و معاون وزیر خارجه قطر را دعوت کردیم آمد تهران و ۱۴ روز در تهران بود و نهایتاً با اشرافی که این‌ها بر جبهه النصره داشتند، واسطه شدند و آن‌ها آزاد شدند.

ما هم متقابلاً در مواقع مشابه به آن‌ها کمک کردیم. نگاه ما یک نگاه برادرانه، با احترام متقابل و عدم دخالت در امور دیگران با سه اصل ثابتمان در دستگاه سیاست خارجی به عنوان عزت، حکمت و مصلحت است که همواره با تکیه بر آن تلاش کرده و پیش رفته‌ایم.

در یک مورد هم تعدادی از شیوخ آل ثانی که نزدیک ۲ سال قبل رفته بودند برای شکار در یکی از کشورهای منطقه، وقتی این‌ها گیر افتادند، دوستان ما در وزارت خارجه، حزب الله لبنان، با دوستان عراقی بالاخره تلاش کردند آن‌ها آزاد شدند. آن‌ها رفته بودند شکار و برای دولت قطر خیلی سنگین بود گیر افتادن آن‌ها که همه از خاندان و شاهزادگان قطری بودند و طبق شنیده‌ها یک میلیارد دلار دادند تا این‌ها که در عراق گیر افتاده بودند آزاد شوند.

**** نگاه امرای قطر نسبت به رهبری ایران چگونه بوده و هست؟**

ببینید امیر سابق قطر خیلی به مقام معظم رهبری علاقه داشت. امیر جدید البته تا حالا با مقام معظم رهبری ملاقات نداشته است. ما زمانی که او ولیعهد بود دعوتش کردیم و به ایران آمد. با رئیس‌جمهور و معاون اول، وزیرای خارجه و دفاع دیدار داشت و خیلی دوست داشت و تلاش کرد و سه بار هم به من گفت که دوست دارد با مقام معظم رهبری هم دیدار کند. علیرغم اینکه دفتر مقام معظم رهبری هماهنگ کرده بود، یک اختلاف سلیقه‌ای در وزارت خارجه ما متأسفانه مانع از این دیدار شد که به نظرم خوب نبود، چون معمولاً دأب مقام معظم رهبری این است که با ولیعهدها دیدار کند.

**** چه کسی مسئول این مانع‌تراشی بود؟**

یکی از مسئولان ارشد وزارت امور خارجه. علیرغم اینکه من هماهنگی کرده بودم و دفتر آقا موافقت کرده بودند، این مسئول ارشد وزارت امور خارجه مانع شد.

**** چرا؟**

شاید بشود گفت به خاطر بدسلیقگی.

**** این مسئول بعداً جزو اعضای حلقه انحرافی شد؟**

انحراف نه، ولی جزو مغضوبین در دولت قبل شد.

**** خوب استدلالش برای مخالفت چه بود؟**

نمی‌دانم دیگر فرصت نشد که بعداً من او را ببینم و بگویم بابا این برای ما یک فرصت بود و چرا مخالفت کردی. امیر فعلی که آن زمان ولیعهد بود، در دیدارش با وزیر دفاع قبلی ما حرف‌های خیلی عجیبی زده بود. گفته بود که ما این چند نفری که الآن اینجا هستیم نصفمان از قبیله بنی تمیم هستیم که این‌ها شیعه عراقی بوده‌اند و وقتی اجداد ما رفته‌اند به نجد عربستان، وهابی برگشته‌اند. این عین کلامی است که امیر فعلی قطر آن موقع که ولیعهد بود، گفته بود.

شاید یکی از چیزهایی که بالاخره بعضی مواقع باعث می‌شود قطری‌ها، یک مردانگی، ایستادگی، یا تقابلی با جریان مخالف رابطه با جمهوری اسلامی مطرح می‌کنند، از همین ته مانده خون شیعه در رگشان باشد. البته امیر قطر هم یکبار به من گفت که ۱۶ پشت ما برمی‌گردد به همین بندر چارک جنوب ایران. بخش اعظم این‌ها ایرانی الاصل هستند.

این سازوکار می‌خواهد که جمهوری اسلامی این‌ها را شناسایی کند، مطالعه کند و سوابق این‌ها را استخراج کند و به نظرم نوع نگاه ما باید تغییر کند در مواجهه با این کشورها و امراشان.

**** دفتر آقا به این مسئولی که مانع‌تراشی کرد تذکری نداد که چرا این کار را کرد؟**

نه دیگر فرصت نشد این کار پیگیری شود. ولی ولیعهد آن زمان خیلی مکدر شد. او به شدت علاقه داشت به ایران و امیر سابق او را به‌عنوان رابط کار اقتصادی با ایران به من معرفی کرد. روابط بسیار بسیار خوبی هم داشتیم.

**** با توجه به اشراف اطلاعاتی که جمهوری اسلامی همیشه بر تحولات منطقه داشته، درباره بحث ارتباط منافقین با عربستان هم توضیحاتی برای ما بفرماید.**

به دلیل تلاش‌های جمهوری اسلامی و اشراف اطلاعاتی و امنیتی که توان جمهوری اسلامی و هنر ماست، امروز ایران یک جزیره امن در منطقه است. این نتیجه همین تلاش‌هایی است که سربازان گمنام امام زمان و دیگر جهات ذی‌ربط انجام داده و در واقع سوار بر موج رویدادها و تحولات منطقه هستند.

یکی از بحث‌های جدی ما با سعودی‌ها همین بحث ارتباطات پشت پرده با سران منافقین بود که آن‌ها منکر می‌شدند. تا اینکه در نهایت در یک سفری که وزیر اطلاعات سابق ما به عربستان داشتند، در یک ملاقات خصوصی موضوع مطرح شد و اسناد مثبت مستندی ارائه شد از اینکه رئیس استخبارات عربستان، تلفن شخصی خودش را روی سربرگ دیوان ملکی عربستان نوشته بود و به این‌ها داده بود. وقتی این سند به سعودی‌ها ارائه شد، خلع سلاح شدند.

متأسفانه در آن مدت ۸ بار رجوی و دیگران در جده و دو نقطه دیگر دنیا با این‌ها ملاقات داشت و بده بستان داشتند و متأسفانه اطلاعات داخل را آن‌ها در اختیار دستگاه اطلاعاتی عربستان قرار داده بودند.

از اینکه وقت خود را در اختیار مشرق قرار دادید، از شما ممنونم

تصحیح و توضیح:

- 1- قبیله تمیم بزرگترین قبیله عربی است و وسعتش به اندازه ملتهاو کشورهاست و يك قبیله جندعشیره و خاندانی نیست،
- 2- و صرف اینکه طوایفی از تمیم شیعه یا ساکن عراق باشند، ولی این دلیل شیعه بودن همه تمیم نیست
- 3- بجز اینها نسب خاندان امیر قطر منتهی به محمد بن عبد الوهاب مؤسس وهابیت است، و اصلاً یکی از جهات رقابت آنها با سعودی بر سر این عنوان است که خود را وارث حقیق وهابیت می‌دانند، و با موضع مستقل اخیر قطر از سعودی خاندان آل‌الشیخ فرع دیگر ذریه عبدالوهاب که رهبری دینی فعلی وهابیت را دارند؛ اعلام برائت از خاندان امیر قطر و حتی نسبت خانوادگی‌شان نمودند، اظهارات سفیر ناکاه سطحی و عوامانه و ضعف اطلاعات دستگاه دیپلماسی را می‌رساند، همچنانکه در مصاحبه اشاره کرده به مخالفت وزیر معزول احمدی نژاد با برنامه ملاقات امیر فعلی قطر با رهبری.

هجوم عقرب‌ها به شهرستان "ریگان"

فرماندار شهرستان ریگان گفت: گرمای شدید در این شهرستان علاوه بر گرم‌زدگی افراد این بار موجب گردیده که تعداد زیادی عقرب به منازل مسکونی ساکنان بخصوص در مناطق کوهستانی هجوم آورند که نگرانی اهالی را در پی داشته است.

کد خبر: ۷۰۹۵۸۴

تاریخ انتشار: ۱۴ تیر ۱۳۹۶ - ۲۰:۲۰



فرماندار شهرستان ریگان گفت: گرمای شدید در این شهرستان علاوه بر گرم‌زدگی افراد این بار موجب گردیده که تعداد زیادی عقرب به منازل مسکونی ساکنان بخصوص در مناطق کوهستانی هجوم آورند که نگرانی اهالی را در پی داشته است.

امین باقری چهارشنبه در گفت و گو با ایرنا با اشاره به اینکه این موضوع به معضلی برای مردم این منطقه تبدیل شده اظهار داشت: به علت فقدان راه‌های ارتباطی مناسب بخصوص در مناطق کوهستانی و روستایی افراد عقرب‌گزیده برای دسترسی سریع به مراکز درمانی دچار مشکل می‌شوند.

رئیس شبکه مرکز بهداشت ریگان هم با تأیید این خبر گفت: تاکنون ۷ نفر عقرب‌گزیده در شهرستان ریگان داشتیم که یک نفر جان خود را به علت دیر رسیدن به مرکز درمانی از دست داد.

فردین حشمتی بیان داشت: به دلیل گرمای زیاد و وجود عقرب در مناطق کوهستانی ریگان تمامی مراکز خانه‌های بهداشت در شهرستان ریگان به داروی ضد عقرب‌زدگی مجهز شده‌اند. وی عنوان کرد: مراکز بهداشتی درمانی شهرستان ریگان در حالت آمادگی کامل می‌باشند تا مشکلات خاصی برای شهروندان عقرب‌گزیده ایجاد نشود.

براساس این گزارش دمای هوای ۵۴ درجه در شهرستان ریگان مشکلات عدیده‌ای را برای کویرنشینان این منطقه از استان کرمان به

وجود آورده است طوری که تاکنون 116 نفر راهی مراکز بهداشتی درمانی شده اند که نیمی از آنها بستری شده اند .
ریگان با وسعت 8 هزار کیلومتر مربعی تا مرکز استان کرمان 285 کیلومتر فاصله دارد.

امیر قطر ترور شده است یا ناپدید؟!

یک وبگاه فرانسوی
متخصص در امور
قطر، از ناپدید شدن
امیر قطر از زمان بروز
بحران با کشورهای
عربی خبر داد.

به گزارش مشرق، "قطر اینفو" که به مقام های رده بالای قطر نزدیک است و متخصص شناساندن این کشور به فرانسوی ها و کشورهای غربی است، به نقل از "آنتونیو امانییرا" مؤسس این وبگاه، درباره شرایط مبهم ناپدید شدن "شیخ تمیم بن حمد" امیر قطر از زمان بروز تنش میان این کشور با کشورهای تحریم کننده آن، ابراز نگرانی کرد و از وجود خبرهای تایید نشده مبنی بر در خطر بودن جان امیر قطر خبر داد.

این وبگاه، به تحلیل هایی که سرشار از نگرانی برای جان امیر قطر است، اشاره کرد و با بیان این که شیخ تمیم، یک هفته است که مشاهده نشده است، آخرین حضور علنی او را در بازدید از موزه ملی در دوحه دانست که در این بازدید، خواهرش "شیخه میاسه" او را همراهی می کرد. این بازدید را رسانه های رسمی قطر، با چند ساعت تأخیر، منتشر کردند.

در این وبگاه آمده است: پس از بازدید از موزه، امیر قطر، در یکی از مراکز فرماندهی محرمانه در دوحه ناپدید شد و از آن تاریخ هیچ کس نمی داند شیخ تمیم کجاست.

با ناپدید شدن شیخ تمیم، ده ها تن از عناصر وابسته به گارد امیر قطر، از بیم ترور شدن او، در چندین منطقه از این کشور پراکنده شدند و به موازات آن به نیروهای ترکیه که در دوحه قطر مستقر هستند، آماده باش اعلام شد.

به موازات نیروهای گارد امیر قطر و نیروهای ترکیه، شمار دیگری از نیروهای امنیتی سری نیز در قطر پراکنده شدند که هیچ کس ملیت یا هویت آن ها را نمی داند.

منبع: العالم